



ارگان رسمی سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

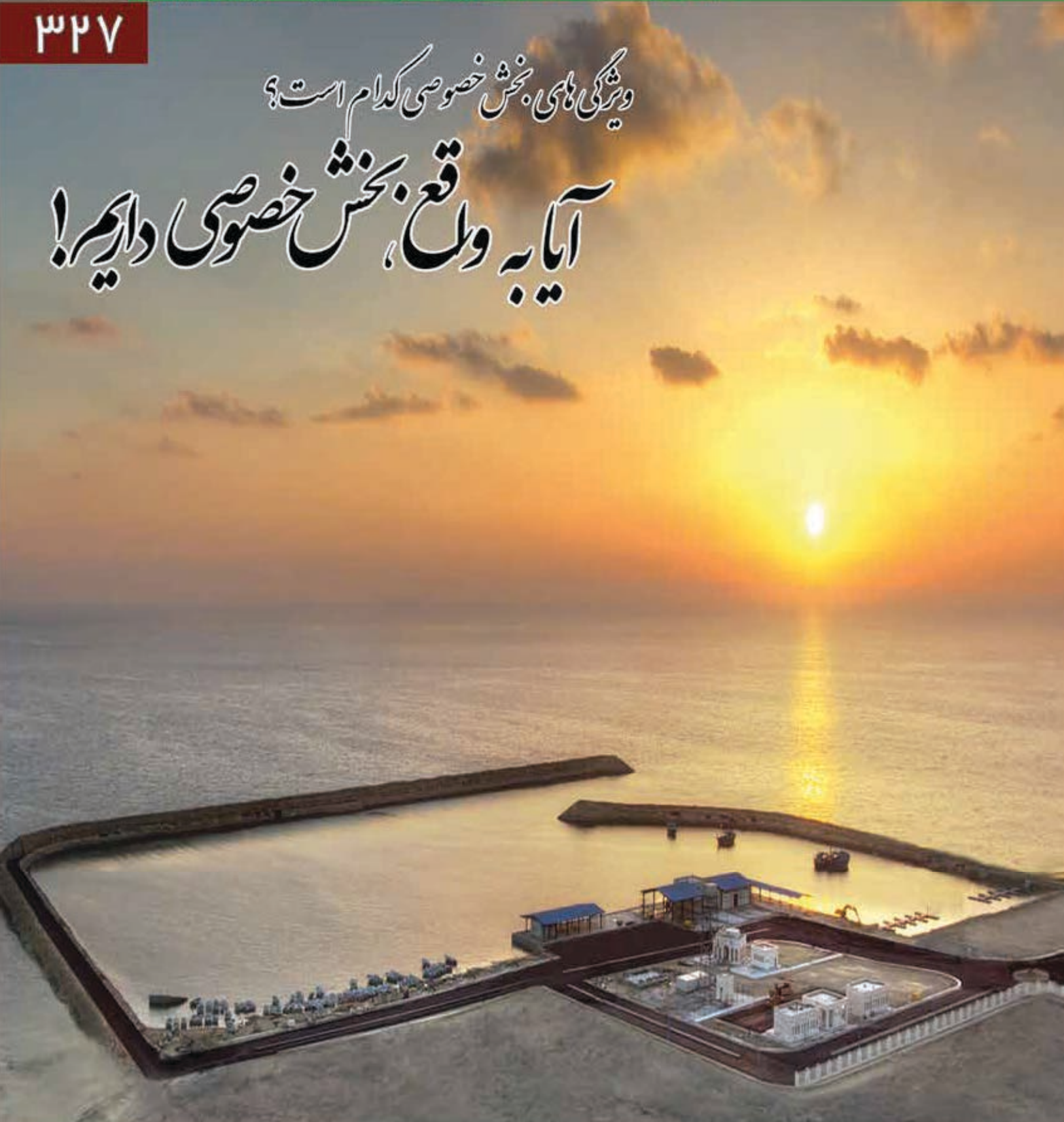
No. 327, Day 1393 (December, 2014)

سال ۳۰ | دی ماه ۱۳۹۳ | شماره ۳۲۷ دوره جدید ۹۷ | قیمت ۲۰۰۰۰ ریال

۳۲۷

دیرگی های بخش خصوصی کدام است؟

آیا به وقع بخش خصوصی داریم!





سال ۳۰ دی ۱۳۹۳
شماره ۳۲۶ (۹۶ دور جدید)

فهرست مطالب

سرمقاله

دیدار هیأت مدیره با آقای تاجگردون

جلسه هیأت مدیره در باره LC

نگاهی به جایگاه بخش خصوصی در قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

نگرش و روش نگهداری مبتنی بر اطمینان (RCM) در کاربرد هدفمند پایش وضعیت (CM)

پاگرد

آیا ما به واقع بخش خصوصی داریم؟ پاسخهای مهندس رضوی

چرخه حضور ماشین در پروژه و شرکت و ساز و کارهای مدیریتی آن

مصاحبه با دکتر رنانی

کنفرانس بلند مرتبه سازی

همایش ملی مهندسی سازه

برای شما خوانده ایم:

ساخت بلندترین آسمانخراش آفریقا در کشور مراکش

ساختمانی شبیه بدن اژدها

دستک رسوبگیر و راه دسترسی بندر صیادی زرآباد- شرکت پارس تکنو



عکس روی جلد: نمایی پروژه احداث اسکله
دستک رسوبگیر و راه دسترسی بندر صیادی زرآباد

صاحب امتیاز: انجمن شرکت های ساختمانی

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

کمیسیون انتشارات: مهندس علی ورزنده، مهندس محمود مصطفی زاده، مهندس عبدالعظیم گلچین، مهندس محمدعلی پور شیرازی، مهندس جهانگیر عصر آزاد

مهندس فرخ جمالی، مهندس مجتبی ضرابی، دکتر غلامرضا علی زاده

زیر نظر شورای سردبیری

خبرنگار: آرزو نوری

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراك: فریبا پورآقا

عکس و صفحه آرایی: داود خانی

امور آگهی ها: شقایق خواجه نصیری طوسی

لیتوگرافی و چاپ: اندیشه برتر تلفن: ۸۸۴۰۳۰۱۵-۸۸۴۰۳۰۱۶

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶، ک. پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱-۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

نوشته های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی شود

تأثیر افت قیمت نفت بر بودجه و اقتصاد کشور



دکتر محمود جامساز

۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی و ریالی جذب شده معلوم نیست که در چه چرخه اقتصادی قرار گرفته که هیچگونه گزارش شفافی از آن منتشر نشده و دولت کنونی نیز هنوز پرده از این ماجرا برنداشته است متأسفانه به نظر می‌رسد ابزارهای نظارتی مجلس نیز از جمله گزارشات دیوان محاسبات عمومی در ساختار اقتصادی - سیاسی کشور از اثربخشی لازم برخوردار نیستند.

علی‌ایحال باید پذیرفت که نفت نقش عظیمی را در اقتصاد دولتی و سیاسی ایران ایفا می‌کند زیرا اقتصاد را چنان با سیاست درآمیخته که تصمیمات اقتصادی با ابتناء بر منویات سیاسی اتخاذ و اجرا می‌شوند و لذا تخصیص منابع به جای معطوف شدن بر نیازهای واقعی اقتصاد اولویتهای سیاسی را تعقیب می‌کند. لذا طبیعی است در اقتصاد سیاسی رقابت آزاد مفهوم خود را از دست می‌دهد و قیمتهای نورماتیو که مکانیسم بازار در تعیین آن نقش ندارند قادر نیستند علامات درست را به سرمایه‌گذاران، کارآفرینان و فعالان اقتصادی نشان دهند که منابع را به سمت نیازهای واقعی اقتصاد هدایت کنند. ضمن آنکه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت نیز در تعارض تناسب بین ابزار و اهداف از تحقق اهداف خود بازمانده و از مسیر خود منحرف شده‌اند. رویکردهایی نظیر آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، رقابت‌پذیری، کوچک شدن اندام فیزیکی دولت و تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی از طریق اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و موارد مهم دیگر در ساختار اجرایی دیوانسالاری به شدت مورد تعرض قرار گرفته و نتایجی مغایر اهداف خود را منعکس کرده‌اند.

توسعه پایدار و رفاه و عدالت نسبی اقتصادی و اجتماعی را به مردمشان ارزانی داشته‌اند. حاکمیت چه نظام اقتصادی بوده که ثروتی را که به این کشورها داده، نظام اقتصادی کشور ما از مردمش دریغ کرده؛ طبیعتاً گرچه این یک بحث ساختاری است که مایل به ورود آن نیستیم. اما از آنجائی که طی سالیان متمادی بودجه کشور به نفت وابسته بوده و اکنون علاوه بر رؤیاریویی با معضلات اقتصادی داخلی با دو چالش عمده جهانی یعنی تحریمهای اقتصادی و بانکی و کاهش قیمت نفت روبرو هستیم ناچاراً نمی‌توان معضلات ناشی از ساختار اقتصاد دولتی را که بر نهادهای سنتی و واپسگرا بنیاد شده نادیده گرفت و از کنار آن گذشت.

متأسفانه به اعتبار علم و تجربه هرچه درآمدهای نفتی افزایش یافته دستگاه دیوانسالاری چه به لحاظ کمی و چه از منظر مالی فربه‌تر شده و سوء مدیریت تخصیص منابع که در ذات اقتصاد دولتی نهفته است به پشتوانه درآمدهای نفتی اسراف و تبذیر را گسترش داد و هسته‌های رانتهای سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی را بهم گره زده و اطلاعات نا متقارن و فساد مالی را ابعاد تازه‌ای بخشید که به گفته معاون رئیس جمهور بزرگترین فساد در دو دولت گذشته رخ داده که از بالاترین درآمدهای نفتی در طول تاریخ نفتی ایران نیز برخوردار بوده است به طوری که براساس گزارش آنلاین نیوز (online News) ۱۵۴ میلیارد دلار درآمد مازاد بر بودجه‌های مصوب در مجموع ۸ سال ریاست جمهوری دوره‌های نهم و دهم حاصل شده که به گفته مسئولان، بخشی از آن حدود ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار به صندوق توسعه ملی واریز شده اما

کشور ما در حال حاضر دوران بسیار سختی را به لحاظ اقتصادی تجربه می‌کند که علت را می‌توان در سیر تحولات سیاسی و اقتصادی اخیر در داخل و خارج از کشور مورد شناسایی و واکاوی قرار داد. بر کسی پوشیده نیست که اقتصاد ما یک مجموعه اقتصادی غیرنظام‌مند دولتی سرمایه‌داری نفتی ایدئولوژیک است. اصرار من در نفتی نامیدن اقتصاد کشورمان به جهت وابستگی شدید بودجه‌های سالیانه به درآمدهای نفتی یا بهتر است گفته شود به وجوه حاصل از فروش ثروتهای ملی است که هیچکس و هیچ دولتی در بوجود آوردن آن نقش نداشته است زیرا این ثروتها نتیجه تغییر و تحولات فسیلی طی میلیونها سال است که در لایه‌های زیرین زمین شکل گرفته و برخی از کشورها را صاحب ثروتهای هنگفتی نموده است. از جمله این کشورها ایران عزیز ماست که بر روی دریایی از نفت آرمیده. متأسفانه کمتر کشوری دارای ذخائر نفتی در جهان می‌توان یافت که از این موهبت ارزشمند طبیعی در جهت توسعه پایدار و رفاه شهروندان خود بهره گرفته باشد. این واقعیت به دور از عقلانیت است و به همین سبب این پرسش اساسی و بنیادین در اذهان خردگرای جوامع شکل گرفته که چرا بسیاری از کشورهای برخوردار از این موهبت عظیم و ثروت آسان‌رس دچار سکنه اقتصادی شده و از رشد و توسعه پایدار و تأمین رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی بازمانده‌اند. در حالیکه بسیاری از کشورهایی که فاقد این منابع طبیعی هستند و یا دسترسی کمتری به آن دارند در مسیر تحولات سریع اقتصادی جهان امروز بر بسیاری از مشکلات و چالشها از جمله محدودیت منابع فائق آمده و رشد اقتصادی و

بکارگیری شیوه‌های دیپلماسی در ارتباط با دیگر کشورها در سالهای اخیر نیز اقتصاد نفتی ما را از نفس انداخته است. متأسفانه تعبیر کردن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد ناظر بر تحریم‌های نفتی، بانکی، بیمه‌ای به ورق پاره و بی‌اهمیت جلوه دادن تحریم‌های صادره از سوی کنگره آمریکا، شخص رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا بر علیه کشورمان سبب شد کشوری که با درآمدهای نفتی اداره می‌شد به یکباره با بحران و تنگناهای مالی روبرو شود. کاهش بهای نفت هم مزید بر علت شد و کار تمشیت امور و سامان بخشی به اقتصاد که در دستور کار دولت یازدهم قرار داشت را با چالش بزرگی روبرو ساخت.

در اولین بودجه‌ای که دولت حاضر تقدیم مجلس کرد، هنوز بهای نفت افت نکرده اما اثربخشی تحریم‌ها درآمدهای ارزی کشور را کاهش داده و دولت را با تنگناهای مالی روبرو ساخته و خزانه دولت را تهی کرده بود. در حالی که برنامه‌های دولت در جهت برون‌رفت از رکود و مهار تورم، کاهش بیکاری و سرو ساماندهی به وضعیت معیشت و بهداشت و رفاه جامعه نیازمند منابع ارزی و ریالی قابل توجهی بود که در بودجه سال جاری خود را نشان داد. فی‌الواقع بودجه ۹۳ با نفت بشکه‌ای ۱۰۰ دلار تدوین شد تا بودجه‌ای متوازن تقدیم مجلس شود. اما تغییر و تحول اقتصادی و سیاسی بین‌المللی در نیمه دوم سال جاری آشکار ساخت که بهای نفت ۱۰۰ دلار در بودجه بسیار خوشبینانه و بدون توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی حساس منطقه‌ای و جهانی پیش‌بینی شده بود. نتیجه آنکه سقوط یکباره بهای نفت دولت را در اجرای بودجه بدون کسری ناکام گذاشت که تورم حاصل از نحوه تامین این کسری را در سال آینده شاهد خواهیم بود. اما جای شگفتی است که در لایحه بودجه سال ۹۴ با وجود ادامه سقوط آزاد قیمت نفت که بهای آن را از ژوئن ۲۰۱۴ تا ژانویه ۲۰۱۵، ۵۰ درصد کاهش داد و تحلیل‌های مراجع کارشناسی بین‌المللی حاکی است که حداقل تا پایان سال ۲۰۱۵ بهای نفت سطوح بسیار پائین را تجربه خواهد کرد. تدوین‌کنندگان بودجه بهای نفت را هر بشکه ۷۲ دلار تعیین نمودند. واقعاً چه تحلیل علمی

و کارشناسی در پس این پیش‌بینی نهفته است که حتی برخی از مسئولان افزایش قیمت نفت را در سال آینده تا ۸۰ دلار هم رقم زده‌اند. بررسی علل کاهش بهای نفت بیانگر آنست که باز عامل خوشبینی در تعیین بهای نفت بر واقعیات تحولات اقتصادی و سیاسی جهان پرده کشیده تا بودجه‌ای متوازن تنظیم شود که البته انتظار می‌رود این قیمت در مجلس به شدت تعدیل گردد و افزایش ۴ دلاری بهای نفت در روز جمعه سی‌ام ژانویه و مختصر افزایش در هفته گذشته عزم مجلس را در تعدیل قیمت نفت به امید دستیابی به قیمت‌های ۷۰-۸۰ دلاری سست نماید. البته قرار بود تا پایان قانون برنامه پنجم توسعه وابستگی بودجه به نفت به صفر برسد اما گرچه این هدف نیز نظیر سایر اهداف برنامه‌های توسعه محقق نشد ولی کاهش ناگهانی قیمت جهانی نفت حداقل این فضای اجباری را فراهم آورد تا بودجه هرچه کمتر به نفت وابسته شود و این مبنایی باشد برای سالهای آتی که اگر درآمدهای نفتی افزایش یابد بودجه نیز فارغ از این درآمدها تدوین شود. به راستی ما باید از اینکه طی سالهای متوالی

درآمدهای آسان‌رس نفتی را صرفاً مسرفانه هزینه کرده و آن را به سرمایه بدل نکرده‌ایم شرمند باشیم. شاید این کاهش قیمت به ما پیام‌زد که در آتی که قیمت‌ها رو به افزایش گذاشت چگونه از این درآمدها در جهت آماده‌سازی زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی پایدار بهره‌گیریم. علی‌ایحال بنظر نمی‌رسد که قیمت نفت در سال آتی کاهش باید زیرا معادلات نفتی علی‌رغم اظهارات پروفیسور نوام چامسکی نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی تنها تابع تحولات اقتصادی نیست زیرا نفت یک کالای استراتژیک محسوب می‌شود و تغییرات آن ناشی از دو سلسله عوامل مستقیم و غیرمستقیم است. آقای چامسکی معتقد است که دلیل اصلی کاهش بهای نفت پیشی گرفتن عرضه از تقاضای نفت در سطح جهان است. این استدلال گرچه از منظر تئوریک کاملاً منطقی است اما عواملی که چرخه عرضه و تقاضای نفت را دگرگون می‌کند صرفاً دارای منشأ اقتصادی نیستند زیرا افزایش عرضه از سوی تولیدکنندگان در سطحی نیست که یکباره بهای نفت را بشکه‌ای ۶۰ دلار کاهش دهد. این کاهش غیرمعارف ناشی از





فی الواقع جنگ اقتصادی با روسیه است که اخیراً به سبب ناآرامیهای اوکراین و الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه اختلافاتشان بالا گرفته است. از این منظر گمان نمی رود در کوتاه مدت قیمتهای نفت افزایش یابند. اما کشور روسیه و سایر کشورهای صادرکننده نفت هریک بسته به میزان وابستگی به نفت ازافت قیمت تأثیری پذیرند. بخش عمده ای یعنی حدود ۵۰ درصد درآمدهای ارزی روسیه به نفت وابسته است و حدود ۷۰ درصد صادرات روسیه نفتی است. کارشناسان بلومبرگ پیش بینی کرده اند که اگر بهای نفت همچنان پائین بماند روسیه حدود ۱۸۰ میلیارد دلار زیان خواهد دید از طرف دیگر روسیه نیز با در اختیار داشتن ذخائر ارزی قابل توجه بیکار ننشسته بدین معنی که نه تنها از تولید خود نکاسته بلکه غولهای نفتی خود نظیر لوک اویل، گازپروم و روسنفت را جهت افزایش تولید تأمین مالی می کند و در جهت جبران زیان خود نیز تمهیداتی اندیشیده؛ بدین مفهوم که دلارهای حاصل از فروش نفت را به طلا تبدیل کرده و ذخائر طلای خود را افزایش می دهد از طرفی با چین روابط گسترده اقتصادی ایجاد کرده و تهران نفتی - کالایی را با واسطه گری طلا شروع نموده؛ هدف روسیه کاستن از قدرت پترو دلار است. روسیه معتقد است چین با برخورداری از قدرت اقتصادی خود کاملاً

آمریکا بسیار بالاست به نحوی که از سوی منابع مختلف این هزینه از ۳۵ تا ۶۵ دلار در هربشکه گزارش شده است لذا عربستان در سودای رساندن قیمت نفت به کف قیمتی است تا ۵ تا ۶ میلیون بشکه نفت را روزانه از چرخه تولید خارج کند البته عربستان از افت قیمت نفت اهداف سیاسی را نیز تعقیب می کند از جمله تحت فشار و تنگنای ارزی قرار دادن ایران که بزرگترین رقیب پر قدرت عربستان در منطقه است تا بدینوسیله نفوذ و قدرت سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه را به نفع خود مصادره کند. اما از سوی دیگر آمریکا سرمایه گذارهای هنگفت در زمینه استخراج نفت و دکلهای حفاری و استفاده از سیستم استخراج شیل اویل را متقبل نشده تا با سیاست نفتی عربستان میدان را واگذار کند. آمریکا چندان هم از کاهش قیمت نفت زیان نمی بیند زیرا سهم نفت در تولید ناخالص داخلی این کشور ۸/۳ درصد است. کاهش قیمت انرژی بر روی هزینه تمام شده تولید اثر می گذارد و قدرت خرید مردم را از افزایش می دهد. این افزایش تقاضا، تولید را تحریک و رشد اقتصادی را بالا خواهد برد. طبق مطالعات صورت گرفته از سوی منابع معتبر ۴۰ درصد کاهش قیمت نفت رشد اقتصادی آمریکا را یک درصد افزایش می دهد لذا ممکن است آمریکا عدم صرفه اقتصادی تولید شیل اویل در قیمتهای پایین را جبران کند تا به رشد اقتصادی بالاتری دست یابد. البته هدف دیگر آمریکا از کاهش قیمت نفت

قرار بود تا پایان قانون برنامه پنجم توسعه وابستگی بودجه به نفت به صفر برسد اما گرچه این هدف نیز نظیر سایر اهداف برنامه های توسعه محقق نشد ولی کاهش ناگهانی قیمت جهانی نفت حداقل این فضای اجباری را فراهم آورد تا بودجه هرچه کمتر به نفت وابسته شود و این مبنایی باشد برای سالیهای آتی که اگر درآمدهای نفتی افزایش یابد بودجه نیز فارغ از این درآمدها تدوین شود.

مکانیسم طبیعی بازار نیست. تقویت دلار آمریکا که معطوف به بهبود وضع اشتغال و رشد اقتصادی در آمریکا و توقف خرید اوراق قرضه دولتی و تثبیت نرخ بهره تا پایان سال ۲۰۱۵ توسط خانم جانن لاین رئیس بانک مرکزی آمریکا بود یکی از عواملی است که اسباب کاهش قیمت نفت را فراهم آورد زیرا اصولاً روند تحولات قیمت نفت در جهت عکس تحولات قیمتی دلار است. اما تنها تقویت دلار چنان تغییر شگرفی را در چرخه عرضه و تقاضای نفت ایجاد نکرد بلکه کاهش تقاضای جهانی نفت به ویژه در اتحادیه اروپا و ژاپن که خود چهارمین واردکننده بزرگ نفت در جهان است و همچنین کاهش رشد اقتصادی کشورهای موسوم به اقتصادهای نوظهور که تقاضای انرژی آنان را کاهش داد و مازاد تولید بر تقاضای جهان حدود ۱/۸ تا ۲ میلیون بشکه در روز و افزایش تولید نفت آمریکا طی ۵ سال گذشته به مدد بکارگیری تکنولوژی حفاری افقی هیدرولیکی چند مرحله ای که منجر به کاهش واردات این کشور از ۱۲ میلیون بشکه به ۷ میلیون بشکه در روز شد و همچنین کاهش خوراک برخی از پالایشگاه های اروپایی، آسیایی و آمریکایی که برای انجام تعمیرات از مدار خارج شده اند، افزایش تولید نفت برزیل و حفاری در خلیج مکزیک و افزایش ذخایر آماده نفتی از یک سو و کوتاه نیامدن عربستان سعودی به عنوان اولین تولیدکننده نفت اوپک از عقب نشینی در تولید، مجموعاً کاهش قیمت نفت را رقم زدند. این اقدام عربستان دو هدف سیاسی و اقتصادی را تعقیب می کند اول آنکه حریف قدر قدرت نوظهوری مثل آمریکا در عرصه نفت که با بهره گیری از شیل اویل حدود ۵ تا ۶ میلیون بشکه روزانه بر تولید خود افزوده است را از میدان بدر کند و اقتدار تضعیف شده اوپک را در سطح جهان احیا نماید. به یاد بیاوریم که سهم اوپک در گذشته در حدود ۶۲ درصد تولید نفت جهان بود اما اینک به ۳۰ درصد تنزل یافته است. اتکاء عربستان به مزیت عمده این کشور در استخراج ارزان نفت است زیرا هزینه استخراج هربشکه حدود ۷ تا ۸ دلار است و حال آنکه هزینه استخراج نفت شیل در



از عهده تضعیف اقتدار پترو دلار برخواهد آمد بخصوص که یکی دو کشور دیگر در این مسیر تمایلاتی نشان داده‌اند. اما به اعتقاد من تحقق این امر مانند رؤیای کسی است که در تاریکی راه می‌رود زیرا حجم اقتصاد آمریکا به تنهایی به بزرگی ۲۵ درصد حجم اقتصاد جهانست و ارزی که ۷۰ درصد گردش پولی جهان را بخود اختصاص داده را نمی‌توان دست کم گرفت. با این وجود باید اذعان داشت که چین بیش از همه کشورها را از افت قیمت نفت منتفع می‌شود. اما یک خطر عمده آنست که چنانچه عمده طرفهای تجاری چین صادرکننده نفت باشند با کاهش درآمدهای نفتی از میزان واردات از چین بکاهند که این امر می‌تواند صادرات چین را با چالش روبرو سازد. حال این پرسش مطرح است که اثرگذاری افت قیمت نفت بر اقتصاد جهانی چگونه است؟ در این خصوص تحقیقات بانک جهانی نشان می‌دهد که بهای پایین نفت در وضعیت کنونی رشد اقتصادی جهان را ۰/۳ درصد در سال جاری میلادی بالا می‌برد. حال برگردیم به بحث اساسی افت درآمدهای نفتی کشورمان بر روی اقتصاد ملی. متأسفانه وابستگی به نفت در اقتصاد کشور به حدی است که بخش عمده‌ای از بودجه عمومی دولت (شامل بودجه‌های مصرفی و عمرانی) از طریق فروش نفت خام و میعانات گازی تأمین می‌شود. بخش اعظمی از مالیات و عوارض گمرکی نیز نفت پایه است زیرا اگر ارزی نباشد واردات غیرممکن است به ویژه عدم

واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه تولید را فلج خواهد ساخت. اهمیت این واقعیت زمانی آشکار می‌شود که بدانیم نسبت واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در تولید ناخالص داخلی رو به افزایش است. لذا از هم‌اکنون این شوک نفتی در تمام ارکان اقتصاد کشور احساس می‌شود. از همه مهم‌تر آثار آن بر روی بودجه و سطح درآمدها و تعهدات مالی دولت و به چالش کشیدن برنامه‌های دولت در مبارزه با رکود تورم و بیکاری قابل لمس است. متأسفانه درآمدهای نفتی ما در قیاس با درآمدهای مالی افزون‌تر است. لذا به منظور احتراز از کسری منابع درآمدی ناشی از کاهش درآمدهای نفتی به شدت به کاهش هزینه‌های دولتی نیازمندیم. این در حالیست که متأسفانه از ذخایر ارزی بالایی نیز به منظور جبران کاهش درآمدهای نفتی و کنترل نوسان قیمتی و تنظیمات مالی برخوردار نیستیم و اگر مدت زمان افت قیمت‌ها طولانی شود قطعاً سیاستهای پولی و تنظیمات مالی قادر به مهار تورم نخواهند بود. از هم‌اکنون دولت باید به جد تلاش کند تا نسبت به گسترش بخش غیرنفتی اقتصاد اهتمام ورزد، هرچقدر بخش غیرنفتی نسبت به بخش نفتی بزرگتر و کارتر شود، شاهد کاهش آثار تحولات نفت بر اقتصاد کشور خواهیم بود. در اینصورت مسلماً بودجه سال آینده در بهره‌گیری بهینه از منابع درآمدی نیز تجربه جدیدی را کسب خواهد کرد. پس از نفت نگاه و امید دولت به تقویت صادرات غیرنفتی در جهت کسب منابع ارزی است. صادرات غیرنفتی نیز متکی به تولیدات داخلی است که بخش اعظم آن با ارز از طریق واردات

**کل منابع درآمدی واقعی
بودجه تنها کفاف پرداخت
حقوق خانواده بزرگ
دیوانسالاری و بازنشستگان
و بخشی از یارانه‌بگیران را
می‌دهد. و لذا مسلماً منابعی
برای تکمیل پروژه‌های عمرانی
باقی نمی‌ماند ضمن آنکه
مطالبات پیمانکاران هنوز
پابرجاست.**

مواد اولیه و واسطه‌ای تغذیه می‌شوند لذا به تبع کاهش درآمدهای نفتی صادرات غیرنفتی نیز دچار نقصان خواهد شد. منابع دیگر دولت مالیاتها، عوارض گمرکی، درآمدهای گردشگری، فروش خدمات دولتی و فروش اوراق مشارکت است که برخی از آنها نیز به طور غیرمستقیم از نفت تغذیه می‌شوند. درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۹۴، ۸۶ هزار میلیارد تومان یعنی با یک افزایش ۲۲/۵ درصدی نسبت به سال جاری تعریف شده؛ بی‌تردید درآمدهای مالیاتی نسبت به سایر منابع درآمدی دولت بسیار مهم‌تر و حجیم‌تر است اما وضع مالیات بیشتر بر تولید منجر به افزایش بهای تمام شده واحد تولید شده و قدرت خرید مصرف‌کننده را کاهش می‌دهد و از کشش تقاضا می‌کاهد و از آنجائی که رشد تولید متوازن در اقتصاد ملی تنها راه‌هایی از فروپاشی اقتصادی است لذا هر نوع هزینه تحمیلی به تولید اسباب تضعیف آن را فراهم می‌آورد و اقتصاد را آسیب‌پذیرتر می‌سازد. لازمه اخذ مالیات گسترش طیف مؤدیان مالیاتی است و آن نیز مستلزم تغییر و تحول در نظام مالیات‌ستانی است. نیمی از مؤدیان مالیاتی که به لحاظ گردش مالی هزاران برابر نیم دیگر از مؤدیانی که شامل حقوق و دستمزدبگیران و تولیدکنندگان هستند از پرداخت مالیات گریزانند. به گفته رئیس کمیسیون تلفیق مجلس حدود ۶۰ درصد از نهادهای اقتصادی مالیات نمی‌پردازند. این بنگاه‌ها و نهادها که عمدتاً فرادولتی هستند لازمست به حکم حکومتی مالیاتهای قانونی خود را پرداخت کنند زیرا دولت با سازوکار کنونی مالیاتی قادر نیست از پس این مهم برآید. متأسفانه کل منابع درآمدی واقعی بودجه تنها کفاف پرداخت حقوق خانواده بزرگ دیوانسالاری و بازنشستگان و بخشی از یارانه‌بگیران را می‌دهد. و لذا مسلماً منابعی برای تکمیل پروژه‌های عمرانی باقی نمی‌ماند ضمن آنکه مطالبات پیمانکاران هنوز پابرجاست. از این رو سال آینده، سالی پرچالشی پیش روی بخش خصوصی فعالان اقتصادی و کارآفرینان و پیمانکاران کشور است تنها امید بخش خصوصی بانکها هستند که لازمست با سازوکار جدید به دور از رانت و فساد به تخصیص بهینه اعتبارات به بخش خصوصی مولد بپردازند.

با حضور رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس صورت گرفت:

بررسی بودجه سال ۹۴ در سندیکای شرکتهای ساختمانی



دهند، زیرا مشکلات مختلفی از جمله مشکلات مالیات بر ارزش افزوده و رقابت نابرابر شرکتهای شبه دولتی با شرکتهای بخش خصوصی، صنعت احداث را با مشکل جدی مواجه کرده است. در این باره صرف بودجه عمرانی برای هزینههای جاری نیز از دغدغههای اصلی ماست. در حالی که برای فعالیت در خارج از کشور باید بخشی از امکانات مملکت از جمله منابع مالی در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد. برای کار در داخل کشور نیز نیاز به حمایت دولت از بخش خصوصی است در حالی که نهادهای شبه دولتی با دخالت در پروژههای عمرانی، بخش خصوصی را از میدان رقابت کنار گذاشتهاند. علارغم شعارهای جاری، بودجه شبه دولتیها دو برابر نهادهای خصوصی است. همین عوامل باعث شده است که پتانسیل بخش خصوصی عاقل بماند، چیزی که لازم است مجلس شورای اسلامی درباره آن اطلاع داشته باشد.

از دغدغههای مهم سندیکا و مخصوصا کمیسیون اقتصاد آن مسئله بودجه سال ۱۳۹۴ است. روز شنبه ۶ دی ماه هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی میزبان دکتر غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در دوره نهم، آقای بیژن رحیمی دانش کارشناس بودجه، دکتر محمود جام ساز کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه، و آقای گوهربانی بودند تا در حضور هیات مدیره سندیکا به بررسی جوانب مختلف بودجه سال ۱۳۹۴ بپردازند. مهندس منوچهر ملکپانی فر رئیس هیات مدیره سندیکا در ابتدای این جلسه ضمن خیر مقدم به مهمانان به بررسی موانع موجود کار سازندگی در داخل و خارج از کشور پرداخت. وی گفت: متأسفانه فرهنگ دلالی بر اقتصاد حاکم شده است و به تبع آن انجام کار مولد و سازنده دشوار گردیده است در چنین شرایطی فقط افراد عاشق به کار ادامه می-



دکتر تاج گردون:

به نظر می‌رسد تخفیف دادن به سرمایه‌گذاران داخلی به نوعی بهتر از جلب سرمایه خارجی است چرا که منجر به اشتغال‌زایی و توسعه می‌شود.

بودجه وجود دارد اما فسادى که این روزها در سیستم اقتصادى دیده مى‌شود نیز مزید بر علت شده است. در این شرایط افرادى هم که مى‌خواهند کار سالم انجام دهند مى‌ترسند. دولت باید سره را از ناسره جدا و کار سالم را از کار ناسالم مشخص کند. در چنین شرایطى پیشنهاد حرفه‌مندان و صاحب‌نظران به ویژه در مورد بودجه مى‌تواند مشکل‌گشا باشد.

وى افزود: در مورد صندوق توسعه ملی نیز متأسفانه شاهد تعرض دولت به این صندوق هستیم. در حالى که

این صندوق برای سرمایه‌گذاری در توسعه مملکت است نه مخارج عمومى کشور. البته به صندوق توسعه ملی اجازه مشارکت در پروژه‌هاى مشارکتى داده شده است که با این روش حداقل، پول صندوق وارد چرخه بهره‌ورى مى‌شود. به نظر من تشکله‌اى مى‌توانند با صدور بیانیه‌اى مخالفت خود را درباره استفاده دولت از منابع این صندوق اعلام کنند. در این مورد نیز شما مى‌توانید پیشنهاداتى ارائه دهید که ضمن حفظ منافع ملی نگذارند پروژه‌هاى عمرانى متوقف بمانند. ما از افکار خوب شما استقبال مى‌کنیم و آنها را پردازش کرده، به همکاران خود ارائه مى‌دهیم.

در ادامه مهندس کاظم سماک رئیس کمیسیون اقتصاد گفت: آنچه مهندس ملکىانى فرو شما درباره آن سخن گفتید از دو جنس راهبرى و سند بالادستى است. ما نمى‌خواهیم شما تولید فکر کنید بلکه مى‌خواهیم از تریبونی که در اختیار دارید به درستی استفاده نمایید. بخش بزرگى از عوامل موثر در شرایط امروز ما ناشى از بینش و نگاهى است که تا عووض نشود به راه حل مناسبى نخواهد رسید. هدف ما توسعه مملکت با محوریت بخش خصوصى است و با راهبردهاى مختلفى مانند ایجاد فضای امن برای بخش خصوصى قابل تحقق است. آنچه کمیسیون اقتصاد سندیکا انجام داده مقایسه بودجه سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بوده که در

دکتر غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامى نیز ضمن اظهار خوشحالى از حضور در جلسه سندیکا و با بیان اینکه توفيقى دست داد که در آغاز کار بررسى بودجه سال ۱۳۹۴ از نظرات حرفه‌مندان بهره‌مند شود افزود: متأسفانه فشار وارده بر زیربناهاى اقتصادى زیاد است و وضعیت اقتصادى چندان مطلوب نیست. باید در این باره تصمیماتى متناسب با منافع ملی اتخاذ شود. به عنوان کسى که در مجلس شورای اسلامى حضور دارد معتقدم در حال

حاضر قانون توسعه‌اى تصویب نمى‌شود و بالای ۸۰ درصد قوانین، اصلاح یا تفسیر قوانین قبلى است. متأسفانه نگاه بسته‌اى در فرایند قانونگذاری و امور اجرائى وجود دارد.

وى افزود: مادر مجلس شورای اسلامى در طیفى قرار داریم که به حلقه‌هاى گذشته‌اى در اقتصاد ایران پی برده‌ایم، با این همه امیدوار به اصلاح هستیم. اصلاحات زیادى از جمله در نوع نگاه ما به مسائل ضرورى است. چنانچه به نظر مى‌رسد تخفیف دادن به سرمایه‌گذاران داخلی به نوعى بهتر از جلب سرمایه‌خارجى است چرا که منجر به اشتغال‌زایی و توسعه مى‌شود. در مورد قرارگاه خاتم‌الانبیا نیز باید دو باب سپاه و قرارگاه از هم جدا شود. زحمات سپاه درباره امنیت ملی غیرقابل انکار است. اما قرارگاه، از یک ظرفیت ساخته شده توسط منابع عمومى کشور شکل گرفته با این همه در مورد کارهاى اقتصادى اولویت با بخش خصوصى است، و دولت جدید به این امر توجه دارد. شما نیز مى‌توانید مواردی را که رقابت شما را آسیب پذیر مى‌کند به ما اطلاع دهید تا در حد توان خود اقدام نماییم.

دکتر تاجگردون تصریح کرد: ما در مجلس سعى کردیم بر علیه تهاثر اقدام کنیم چون تهاثر جریان شفاف محیط کسب و کار را از بین مى‌برد. در واقع جلوگیری از تهاثر مى‌تواند قدم اول باشد. مشکلاتى مانند محدودیت‌هاى

آن جنبه‌های مختلف بودجه‌ای که در دستور کار دارید مورد بررسی قرار گرفته است.

آقای بیژن رحیمی دانش، کارشناس بودجه نیز عنوان کرد: صندوق توسعه ملی سهم بخش غیردولتی است بنابراین دولت هزرقمی از صندوق برمی دارد باید استقراض به شمار آید. وی با اشاره به این

که همیشه تمام بودجه عمرانی تصویب شده اختصاص نمی یابد پاسخ دادن به این سوال را که چگونه باید در هنگام تصویب بودجه از کاهش اعتبارات عمرانی جلوگیری کنیم ضروری دانست.

مهندس بهمن دادمان دبیر سندیکای شرکتهای ساختمانی نیز عنوان کرد: موضوع مربوط به فاینانس در بودجه‌های سنواتی جدی است. بحث تنوع بخشیدن به تامین مالی در سال ۱۳۸۰ خود را نشان داد. فاینانس داخلی به

عنوان تبصره آمد و به ماده ۵۶ ختم شد. بحث اصلی این است که چگونه می توانیم بخش مالی را تنوع بخشید و آن را به جایی برسانیم. متأسفانه یک سری از این مباحث فقط زینتی هستند. بعضاً ما دچار فاینانس زدگی، BOT زدگی و... می شویم تا جایی که نامه‌ای به استانها نوشته می شود و به آنها افاء می گردد که شما سهم فاینانس خارجی دارید که جریان کاذبی ایجاد می کند. در حالی که از ۱/۵ سال قبل تا کنون یک LC به عنوان فاینانس خارجی در پروژه‌های عمرانی رد

نشده است، اینها همه بحثهای جدی است که موضوع توسعه ظرفیت ها را معطل کرده است.

وی افزود: موضوع دوم فاینانس خارجی است. ماده ۵۶ در هیچ زمانی تبدیل به پول نخواهد شد. ولی ظرفیتی در قانون وجود دارد آن هم LC ریالی است که با همان ۳ هزار میلیارد اولیه متوقف شد. پیشنهاد واقعی و از هر جنبه آماده برای تامین مالی این است که فاینانس داخلی را با LC راه بیاندازیم و در قانون

تصریح شود سیستم بانکی و دستگاههای اجرایی ما یک پروژه را به LC ریالی برسانند چون منابع ما برای پروژه‌های عمرانی با توجه به نقدینگی موجود ممکن است.

وی افزود: موضوع تقلیل بودجه‌های پروژه‌ها در قانون ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ موضوع مغفولی است که بسیاری از ظرفیتهای کشور را معطل کرده است. بسیاری از شرکتهای گرفتار هستند و نه به آنها بودجه می دهند و نه آنها را ماده ۴۸ می کنند. پیشنهاد می کنم ردیف متمرکزی برای

حل و فصل پروژه‌ها در سطح کشور تعریف شود تا لااقل این پروژه‌ها تعیین تکلیف شوند.

درباره موضوع تهاطرطلب از دولت با بدهی به سیستم بانکی باید بگویم که سیستم بانکی در برابر بدهی‌ها رفتار خشنی دارد. این سیستم به دلیل این که پیمانکاران نمی توانند منابع مورد نیاز را تامین و پس بدهند چند برابر مبلغ اولیه را در

نهایت از آنها می گیرند. روشهای تهاتری هم موجود بوده اند ولی در حال جمع شدن هستند. آخرین موضوع بحث صندوق توسعه ملی است. ظاهراً روش استفاده از آن آسان است اما تا حالا کسی را سراغ ندارم که از صندوق توسعه ملی پول گرفته و با آن پروژه عمرانی انجام داده باشد. راه حلهای مطرح شده عملی است به شرطی که روند اجرایی واقعی پایه گذاری شود.

در هر حال، اگر فاینانس داخلی تامین مالی شود هزینه زیاد فاینانس خارجی از امکانات منافع ملی برداشت نمی شود.

مهندس عطاردیان عضو شورای عالی سندیکا نیز با بیان اینکه صندوق توسعه ملی را برای بخش خصوصی گذاشته اند، افزود: تعدادی زیادی از پیمانکاران از دولت طلب دارند. آیا نمی شود ذی حسابی ها سند بزنند و شرکتهای طلب خود را از صندوق توسعه ملی به حساب دولت بگیرند؟ وی افزود: به نظر من بهترین راه برای توسعه بخش خصوصی و حل مشکلات این بخش پرداخت

بدهی های معوق آن است که باید راهی برای اجرایی شدن آن یافت. دکتر محمود جامساز، استاد دانشگاه نیز عنوان کرد: تمام مطالب مطرح شده ناشی از مشکلات و معضلاتی است که در بخش کارفرمایی حوزه پیمانکاری کشور وجود دارد. امیدواریم آقای دکتر تاجگردون به آنها رسیدگی و توجه کنند.

وی افزود: هیچگاه اتفاق نیافتاده یک بودجه غیر متوازن به مجلس

برود. ولی ما در تاریخ بودجه همیشه کسری پنهان داشته ایم. فقط در دوران دکتر مصدق دو دوره کسری بودجه نداشته ایم. کسری بودجه بزرگترین عامل افزایش نقدینگی، تورم و بیکاری بوده است. از طرفی اندیشه اقتصادی ما اندیشه دولتی است و تخصیص اعتبار بر مبنای مصالح سیاسی است. دولت یازدهم از وقتی شروع به کار کرده متوجه شده انبوهی از مشکلات در برابر آن وجود دارد از طرفی متوجه شده منابع مالی به شدت کاهش یافته است. از جمله قیمت نفت ۴۰

مهندس ملکبانی فرد:

قانون فاینانس و CL به راحتی قابل اجر است. با ورود بانکها به مسئله بودجه عمرانی، دولت در دخل و تصرف در بودجه عمرانی محدودتر می شود. البته در حال حاضر اعتماد کافی بین بانکها و دولت برای اجرایی کردن آن و بازپرداخت سرموعد وجود ندارد.

دکتر جامساز:

ما در سال جاری قیمت نفت را ۱۰۰ دلار تصویب کردیم و اتفاقاتی که ممکن است در جهان و منطقه روی دهد پیش بینی نکردیم در حالی که قیمت نفت عملاً فراسوی مرزها تعیین می شود. و این باعث کسری بودجه می شود که منجر به برداشت از صندوق توسعه و استقراض از بانک مرکزی است.



درصد پایین آمده است. وی تصریح کرد: دلیل عمده افت قیمت نفت را رشد اقتصادی آمریکا و افزایش ماه به ماه اشتغال در آمریکا می‌دانند که در نتیجه ثابت نگاه داشتن نرخ بهره و تقویت دلار ایجاد شده است. ما در سال جاری قیمت نفت را ۱۰۰ دلار تصویب کردیم و اتفاقاتی که ممکن است در جهان و منطقه روی دهد پیش‌بینی نکردیم در حالی که قیمت نفت عملاً فراسوی مرزها تعیین می‌شود. و این باعث کسری بودجه می‌شود که منجر به برداشت از صندوق توسعه و استقراض از بانک مرکزی است. در حال حاضر نیز مواجه با شروع جنگ سرد بین آمریکا و روسیه هستیم. عربستان که دومین صادر کننده نفت است با نزدیکی به آمریکا قیمت را پایین آورده است. البته دلایل دیگری در کاهش قیمت نفت دخیل بوده‌اند از جمله تنبیه روسیه، که این کاهش قیمت روسیه را زمین گیر کرده است.

مهندس ملکبانی‌فر نیز گفت: قانون فاینانس و LC به راحتی قابل اجر است. با ورود بانکها به مسئله بودجه عمرانی، دولت در دخل و تصرف در بودجه عمرانی محدودتر می‌شود. البته اعتماد کافی بین بانکها و دولت برای اجرایی کردن آن و بازپرداخت سرموعد وجود ندارد. LC زمانی باز می‌شود که از تامین مالی آن مطمئن باشند. البته مهندس صدراشمی‌نژاد معتقد است LC به راحتی قابل اجرا است و ورود به آن در راستای منافع بانکها است. تعیین تکلیف طرحهای ناتمام ضروری است و نیاز به بودجه دارد. از طرفی بهتر است تا تعریف بودجه پروژه جدیدی تعریف نشود.

در پایان این جلسه مقرر شد سندیکا پیشنهادات خود را درباره گشایش اعتبار اسنادی، صندوق توسعه ملی، LC ریالی و بودجه‌های عمرانی، اوراق مشارکت، هدفمندی یارانه‌ها، ایجاد سرفصل در بودجه برای پروژه‌های فاقد بودجه، واگذاری املاک و مستغلات دولت به بخش کارفرمایی و تهاتراملاک دولتی با بدهی‌های این بخش به پیمانکاران تدوین نموده، مجموع این پیشنهادات را به آقای تاج‌گردن ارائه دهد تا ایشان در مجلس به طرح آن بپردازند.

وی افزود: بلومبرگ پیش‌بینی کرده با وجود ذخیره ارزی ۱۸۰ میلیارد دلاری، روسیه ضرر نمی‌بیند. عربستان نیز ۷۷۷ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد و می‌تواند کاهش قیمت نفت را مدیریت کند. از طرفی عربستان به رقابت با رقیب آمریکایی خود می‌پردازد که آن را از گردونه خارج کند اما فعلاً جنگ سرد ادامه دارد و عربستان قیمت نفت را ۷۲ دلار تعیین کرده که دامی برای کشورهایی مثل ما است. ما فکر می‌کنیم سال بعد هم اوضاع همین است در حالی که عربستان می‌تواند با ذخیره خود اداره شود و با چنین روندی بر رقابت خود تا شرایط بهتر ادامه دهد. در مجموع، جهان از این کاهش قیمت ضربه می‌بیند جز کشورهایی که از لحاظ ارزی ذخیره مناسبی دارند. با توجه به این مطلب لازم است آقای تاجگردن در مجلس روی نفت بشکته‌ای ۶۰ دلار پافشاری کنند چرا که با کاهش بیشتر قیمت نفت پیش از آن مشکل به وجود می‌آید.

وی افزود: درباره بودجه عمرانی هم، این بودجه تقریباً ۱۶ درصد بیشتر از بودجه پارسال است که مشخص است با توجه به محدودیتهای

سیستم LC بیشتر از همه به نفع دولت است



برای این کار لازم است.

مهندس صدرهاشمی نژاد در پاسخ گفت:

بانک می‌گوید اگر دولت LC باز کند به استناد آن بانک پرداخت می‌کند. دولت در بودجه پول نمی‌گذارد که بدهی بانک را بدهد. و نتیجه این می‌شود که بدهی دولت به بانک بالا می‌رود و بانک مرکزی به عنوان متولی بانکها سعی دارد مانع از بالا رفتن این بدهی شود. وگرنه اصلاً تنخواه وجود ندارد. هیچ کس طبق قانون حق ندارد از منابع مالی بانک مرکزی برداشت کند. در واقع بانکها دولت را متعهد نمی‌شناسند که LC باز کنند چون در راس موعد بدهی را پرداخت نمی‌کند. بانک معتقد است دولت مثل هر مشتری دیگری باید سر وقت بدهی را پرداخت کند.

وی افزود: منظور من از تنخواه همان مبلغ تخصیصی خزانه است و نمی‌توان بیشتر از آن LC باز کرد. حتی ممکن است کارفرما مجبور شود LC را سالانه تمدید یا Re over کند. یا در

اقتصادی حل شود باید برای پروژه‌های عمرانی LC باز کنند.

زمانی بحث می‌کردیم آیا می‌شود برای همه پروژه‌ها LC باز کرد یا گرفتاری عظیمی برای دولت به وجود می‌آید که نتیجه گرفتیم باید برای پروژه‌های بالاتر از یک مبلغ خاص LC تعریف شود. این ساز و کار ضمانت سازمان برنامه را می‌خواهد که در باب ضمانت سازمان برنامه هم بحثهای زیادی شد که به نتیجه نرسید. در هر حال، این سیستم LC بیشتر از همه به نفع دولت است و بخش عمده‌ای از فساد را از بین می‌برد.

مهندس سماک، رئیس کمیسیون اقتصاد

سندیکا نیز گفت: همین مأموریت را سندیکا به من داده بود. از آقای بهمنی پرسیدم چرا به قانون عمل نمی‌کنید؟ گفت ما لایحه داده‌ایم و از دولت خواستیم ۱۵ هزار میلیارد تومان سرمایه بانک مرکزی را افزایش دهد تا از آن محل این کار را انجام دهیم. یعنی چرخه LC نیاز به افزایش سرمایه دارد و به نوعی تنخواه

در پی حضور دکتر تاجگردون در سندیکای شرکتهای ساختمانی و استقبال ایشان از ارائه نظرات اعضای هیات مدیره و کارشناسان سندیکا در مورد بودجه سال ۱۳۹۴ کشور، جلسه کمیسیون اقتصاد با دستور جلسه LC ریالی و با حضور مهندس صدرهاشمی نژاد و دکتر رحیمی دانش برگزار شد.

در ابتدای این جلسه مهندس

صدرهاشمی نژاد عنوان کرد: در مورد LC

داخلی برای پیمانکاران، من در حضور نمایندگان دولتی محاسبه کردم اگر LC باز کنند و حتی دیرکرد آن را بپردازند عدد بدهی آنها نسبت به حالا کاهش می‌یابد چون زمان اجرای پروژه کوتاه‌تر می‌شود، بی‌شک دیرکرد هر پروژه ۳۵ درصد هزینه‌ها را بالا می‌برد. در شرایط کنونی باید به دولت جدید ثابت کنیم اگر می‌خواهند بودجه‌های تخصیص داده شده به بخش عمران کاهش نیابد، مشکلات تاخیر کارها حل شود و بقیه مشکلات

سند LC بنویسد که در هر زمانی قابل اصلاح است به شرطی که پول امسال از تنخواه به بانک داده شود. تنخواه هم فقط از محل اعتبارات ابلاغی مصوب یعنی از محل بودجه قابل قبول است.

در پاسخ به سوال مهندس سماک که پرسید برای تبیین LC چه باید کرد؟

آقای رحیمی دانش گفت: من جزو اولین کسانی هستم که به دنبال LC داخلی بودم و آئین نامه آن را ارائه دادم اما بانک مرکزی مخالفتی با آن داشت. LC خارجی وقتی باز می شود باید ریال آن موجود باشد. LC داخلی هم آیین نامه می خواهد. گفته می شود آیین نامه دارد اما باید دید در آن چه نوشته شده است. نکته اساسی این است که در آیین نامه نوشته شده اگر مشتری بانکی

باشید و یک مورد بدهکاری داشته باشید LC قطع می شود. در آیین نامه این امر باید لحاظ شود. دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی مثل مشتری برای بانک مرکزی است. به نوعی باید تیمی باشد که آیین نامه را از دید بانکها هم بررسی و به روز کند. وی افزود: باید دولت موظف شود بالای ۱۰ میلیارد تومان را به طور LC کار کند. اگر اولین مورد سر رسید شد و مبلغ پرداخت نشد مجوز دولت برای باز کردن LC باطل شود. وی افزود: روشهای اجرا پول سازی نمی کند و ما نیز به دنبال پول در آوردن نیستیم بلکه سعی داریم روش درست را اجرایی کنیم.

مهندس صدرهاشمی در پاسخ گفت: برای این که اولین بدهی ایجاد نشود دولت زیر بار این روش نمی رود. باید روی روشی که مورد قبول دولت هم باشد به توافق برسیم.

مهندس سیامک مسعودی، عضو دیگر کمیسیون اقتصاد تصریح کرد:

LC ابزار نظم و تضمین و برنامه ریزی طرفین است و حجم پول و منابع را زیاد نمی کند به عبارتی اگر پول نباشد چه از مسیر معمولی چه از مسیر LC برویم همان مشکلات تکرار خواهد شد. علاوه بر این، به نظر می رسد بهتر باشد دست دولت را برای اولویت بندی و تعیین سقف اعتبار پروژه هایی که نیاز به LC دارند باز بگذاریم.

در پاسخ به سوال مهندس شیخ بهائی مبنی بر اینکه مخالفت سازمان برنامه در آن دوران برای چه بود، مهندس صدرهاشمی نژاد گفت: LC های خارجی را از هر محلی که شده، به طور فوری تامین می شود چون در اولویت کشور است. اما سازمان برنامه درباره پروژه های داخلی نمی خواهد از همان بدو امر خود را درگیر کند. مهندس شیخ بهائی در ادامه، سوالی مطرح کرد مبنی بر اینکه اگر برای پروژه ای LC چند ساله باز شود و شرکت زودتر از موعد کار را تمام کند آیا بانک همچنان برای پرداخت پول تعهد دارد؟ که **مهندس صدرهاشمی نژاد** عنوان کرد: این امر به شرایط بانک مرکزی مربوط است و متن LC بر اساس توافق پیمانکار و کارفرما است. مهندس شیخ بهائی طی سوال دیگری

مهندس سیامک مسعودی:

LC ابزار نظم و تضمین و برنامه ریزی طرفین است و حجم پول و منابع را زیاد نمی کند به عبارتی اگر پول نباشد چه از مسیر معمولی چه از مسیر LC برویم همان مشکلات تکرار خواهد شد.

پرسید: گاهی وقتها پیمانکار از دستگاه دولتی طلبکاری می شود و دولت موظف است هزینه آن را بر اساس شاخصهای بانک مرکزی پرداخت کند، آیا این امر امروزه در بانک جایگاهی دارد؟ که مهندس صدرهاشمی نژاد گفت: اگر موضوعی به LC ربط پیدا نکند ارتباطی هم با بانک پیدا نمی کند.

در ادامه مهندس بهمن دامان دبیر سندیکا

گفت: در جلسه ای که با آقای دکتر تاجگردون درباره بودجه سال ۱۳۹۴ داشتیم هر کسی نقطه نظری داشت از جمله در خصوص استفاده از LC ریالی. به نظر من باید در پروژه هایی که در قانون بودجه اعتباری برای آنها دیده نشده، ردیف متمرکزی برای تعیین تکلیف دیده شود که این نظر مورد توجه آقای تاجگردون قرار گرفت. علاوه بر این

قیاسی بین فاینانس داخلی و خارجی صورت گرفت. در بودجه امسال و سال گذشته تکالیفی درباره استفاده از فاینانس خارجی بر عهده دولت گذاشته شده است. در حالی که ظرفیت ایجاد تعهد برای سالهای آتی در مورد فاینانس خارجی مورد تاکید قرار گرفته، چرا مشابه آن برای داخل تکرار نشود؟ فاینانس خارجی استفاده از پول پرقدرتی است که تورم ایجاد می کند و این سوال را ایجاد می نماید که چرا منابع مالی لازم از داخل کشور تامین نشود؟ اگر ضمانت نقد شوندگی وجود داشت فاینانس داخلی پا می گرفت. شاید چون تعریف پروژه نامشخص است و در اجرای پروژه های عمرانی به عایدات بعدی آن و بازگشت سرمایه توجه نمی شود.

وی افزود: در هر حال هدف از جلسه این بود که متنی تهیه و نامه ای نوشته شود تا پیشنهادات و نکات مطروحه در مورد بودجه سال ۱۳۹۴ ارائه و در صورت امکان لحاظ شود.

بعد از تذکر مهندس سماک درباره

اینکه بسیاری از زیرساختها در کل جهان بازگشت سرمایه ندارد، مهندس صدرهاشمی نژاد در پاسخ به سخنان مهندس دامان گفت:

برای فاینانس خارجی اعتباری بیرون از کشور وجود دارد. مثلاً در بانک خارجی پول بلوکه شده ای داریم که خارجی ها به اعتبار آن اقدام به فاینانس می کنند و به اعتبار آن، معاملات از طریق LC انجام می شود. ولی برای فاینانس داخلی پول وجود ندارد. مشکل این است که در داخل بودجه تعریف شده با بودجه قابل تحقق، قابل مقایسه نیست.

در این جلسه بحثها ادامه پیدا کرد تا اینکه مهندس سماک با بیان این نکته که باید در قانون جمله ای گنجانده شود که به نحوی کارفرما یا دولت مکلف باشند پروژه هایی که بالای ۵۰ درصد آنها انجام شده در دستور کار دو سال آتی دولت برای اتمام قرار گیرد و دولت ملزم (نه مختار) به باز کردن LC برای آنها باشد. موضوع دوم تهیه پیشنهادی درباره پروژه های معطل مانده و تعیین تکلیف آنها است که مقرر شد آقای دکتر جام ساز پیشنهادهای لازم برای آن را تهیه و تدوین کنند.

نگاهی به جایگاه بخش خصوصی در قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

مهندس رضا طیب زاده - مدیرعامل شرکت آرش سازه



حوزه تقسیم ریسک و مسئولیت بین اصحاب قراردادها (کارفرمایان/ مشاوران/ پیمانکاران) برخوردار باشد از بین قوانین موضوعی که تا کنون توسط بخش دولتی یعنی قوه مجریه پیشنهاد و در قوه مقننه مصوب شده است در حوزه برقراری تعادل بین ریسک و مسئولیت بین ذینفعان بخش دولتی و خصوصی نگاه نسبتاً منطقی به بخش خصوصی انداخته است. جادارد در این مرحله از تهیه کنندگان و پیشنهاد دهندگان و در پی آن تصویب کنندگان این قانون در قوای محترم مجریه و قضایه تشکر و قدردانی به عمل آید.

هدف نگارنده مقاله از تقدیم این نوشتار، ورود به مندرجات آن تاکید به نقاط قوت و الزامات این قانون برای بستر سازی و اصلاح شرایط کسب و کار بخش خصوصی (NGOها) می باشد.

۱- پیشگفتار:

با حضور دولت تدبیر و امید و رویکرد خاص مسئولان محترم در هیأت دولت، به بازخوانی و اصلاح شرایط بخش خصوصی به منظور تثبیت مواضع و جایگاه از دست رفته بخش خصوصی، در یک دهه گذشته، با تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار این نوید به بخش خصوصی داده شد که مسئولان دولتی این بار نگاه ویژه‌ای به حضور بخش خصوصی دارند. با توجه به قوانین جاریه کشور خصوصاً فرمان مقام معظم رهبری در بازنگری اصل ۴۴ قانون اساسی، سند چشم‌انداز نظام برای رسیدن به جایگاه روشن و رفیع ایران اسلامی تا افق سال ۱۴۰۴ جایگاه درخوری را برای حضور کامل بخش خصوصی در نظر گرفته است و قرار است مواضع از دست رفته NGOها و بخش خصوصی با ورود و اعمال این قانون در فضای کسب و کار به نحوی بازخوانی و اصلاح شود. نگارنده این مقاله برای این باور است که قوانین موضوعی در حوزه عملکردی بخش خصوصی بایستی از یک تعادل و برابری در

۲- مقدمه:

"قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار" مصوب ۹۰/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهوری وقت ابلاغ شد و این قانون در روزنامه رسمی شماره ۱۹۵۲۹ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۸ به چاپ رسید، منطبقاً اجرا و عمل به این قانون به عنوان یک قانون بالادستی و لازم‌الاجرا برای کلیه ذینفعان حاضر در قانون الزام‌آور است و درخواست مشخص بخش خصوصی در این حوزه عمل به آن توسط همه مسئولان و ذینفعان اشاره و مصرح در آن می باشند.

توضیح ۱: در اشارات بعدی این نوشتار به ذینفعان بخش خصوصی شامل صنوف مختلف پیمانکاری و صنعت احداث بخش خصوصی یا صنعت احداث اطلاق حسب مورد اطلاق می شود.

۳- ذینفعان حاضر در قانون

ذینفعان و مسئولان بخش دولتی و کارفرمایی

که به نحوی در این قانون دارای مسئولیت بوده در مقابل این قانون بایستی به نحوی پاسخگوی به بخش خصوصی باشند به شرح ذیل احصاء شده است.

■ "اتاق" در این قانون "اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران" و "اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران" (موضوع بند الف ماده ۱۰، مواد ۴، ۵، ۱۱، ۱۷)

■ "شورای گفتگو" موضوع بند "ج" ماده (۱) به استناد به ماده ۷۵ قانون برنامه پنجم پنج ساله جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۹/۱۰/۱۵

■ "وزارت اقتصاد و دارایی" (موضوع ماده ۲۷)

■ "دولت" (قوه مجریه) (موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹)

■ "تشکل‌های اقتصادی" (موضوع ماده ۱۲)

■ "شهرداری‌ها" (موضوع ماده ۱۶)

■ "بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران" (تبصره ذیل ماده ۲۳)

■ "دستگاه اجرایی" (زیربخشهای قوه مجریه)

(موضوع مواد ۳، ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۷)

■ "مرکز آمار ایران" (موضوع مواد ۶ و بند ج ماده ۱۱)

■ "وزارت کار و امور اجتماعی" (موضوع ماده ۱۸)

■ "معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور" (مواد ۱۹ و ۲۷)

■ "وزارت صنعت، معدن و تجارت" (موضوع ماده ۸)

■ "وزارت امور خارجه ۹ و ۱۰"

■ "وظایف وزرا" (قوه مجریه) (موضوع تبصره ۱ مواد ۱۱ و ۱۴)

■ "شورای رقابت" (موضوع تبصره ۱۷ ماده ۱۱)

۴- شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اشاره شده در متن قانون

در قانون مورد بحث تایید و تکلیف به تعریف، تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌ها ضوابط و آئین‌نامه‌ها که به نحوی در تسهیل اجرای این قانون موثر بوده و به کارآتر شدن آن کمک می نماید توسط ذینفعان مربوطه احضار شده



تحلیل کلی نگارنده از این قانون در محورهای ذیل احصاء شده است.

۱. قانون حاضر حتی‌الامکان برای تثبیت جایگاه بخش خصوصی با نگاه برد-برد (Win-Win) بین دولت و بخش خصوصی نوشته شده است و به نحوی به همه ذینفعان حاضر در این امر تکلیف نموده است که به وظایف خود به درستی عمل نمایند.

۲. قانون حاضر تکلیف تهیه و تدوین ضوابط، دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه‌ها و ایجاد تشکیلات در ساختارهای عملیاتی جدید برای اجرای قانون را احصاء نموده است.

۳. مهم‌تر اینکه قانون وظایف مسئولین دولتی ذیربط را برای اجرای قانون و احقاق حقوق بخش خصوصی تأکید صریح و جدی نموده است.

۴. تعریف، تعیین عامل مهم و عنصر "شورای گفتگو" در قانون حاضر به نحوی فضای بحث و گفتگو بین دولت و بخش خصوصی را گشوده تسهیل نموده و تأکید دارد.

۵. قانون به درستی تشخیص داده است که دادگاه‌ها و محاکم عمومی در قوه قضائیه

از وظایف اتاق" (موضوع ماده ۱۷)

■ "تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری از وظایف قوه قضائیه" (موضوع ماده ۲۹)

■ "ایجاد مرکز مطالعات راهبردی و کشاورزی و آب" (غیردولتی) از وظایف اتاق (موضوع الف ماده ۱)

بحث اصلی این نوشتار

به باور نگارنده قانون مورد بحث با ورود و نیت به تثبیت جایگاه بخش خصوصی، خصوصاً با نگاه به اصل ۴۴ قانون اساسی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سایر ملحقات آن تلاش نموده است که احقاق حقوق بخش خصوصی را به ذینفعان دولتی و براساس ساز و کار مندرج در قانون احصا نماید. نگارنده در این نوشتار تلاش نموده است اشارات مهم این قانون را مورد بازخوانی و توجه قرار دهد. دیدگاه‌های اجمالی در مورد مواد مختلف این قانون به شرح ذیل نوشته شده است.

۴-۱- دیدگاه‌ها، اشارات و اصول مهم قانون

است این موارد به شرح نوشته شده است.

■ "شاخص‌های ملی محیط کسب و کار" (موضوع ماده ۴ از اتاق)

■ "فهرست ملی تشکل‌های اقتصادی" (موضوع ماده ۵ از اتاق)

■ "حضور و نظارت در فعالیت‌های صادرات غیرنفتی" (موضوع تبصره ۱ ماده ۵ از وظایف اتاق)

■ "فرآیند تجارت خارجی" اعم از واردات، صادرات کالا و خدمات از وظایف اصلی وزارت صنعت و معدن تجارت با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی جهاد کشاورزی، اتاق و سایر دستگاه‌های ذیربط (موضوع ماده ۸)

■ "تشخیص دستگاه‌های اجرایی مرتبط با محیط کسب و کار" از وظایف وزیر اقتصاد و دارایی (موضوع تبصره ذیل ماده ۱۴)

■ "تعیین مصادیق امتیازات تخصیص یافته به بخش‌های تعاونی و خصوصی" از وظایف شورای گفتگو (موضوع بند «د» ماده ۱۱ و مواد ۲۲ و ۲۷)

■ "تشکیل سازمان نظام مشاوره مدیریت

نمی‌توانند به همه چالش‌ها سیستم‌های حل اختلاف در فضای کسب و کار بخش‌های مختلف با پیچیدگی‌ها و تخصص‌های فنی مختلف ورود نمایند لذا به منظور ایجاد فضای صحیح‌تر دولت قوه قضائیه را موظف به ایجاد دادگاه‌های خاص تجاری نموده است.

۶. قانون به دستگاه‌های اجرایی و زیرساخت‌های قوه مجریه منجمله وزراء تکلیف نموده است که نماینده خود را (یکی از معاونهای خود) را به عنوان مسئول بهبود محیط کسب و کار بین وزارت متبوع خود با بخش خصوصی تعیین و به منظور تعامل مستمر با فعالان اقتصادی معرفی نماید.

توضیح مهم: در متن این قانون به روشنی تصریح نشده است که نتیجه خواسته‌ها و مذاکرات بخش خصوصی با بخش اجرایی دولت منعکس شده در ماده ۱۴ با چه روش یا دستورالعمل‌هایی بایستی مورد رسیدگی قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد این موارد نیز بایستی از مسیر شورای گفتگو حل و فصل شود.

۲-۴ خواسته‌های بخش خصوصی در مقابل قانون

هدف نگارنده برای ورود به قانون مورد بحث احصاء شرایط ذیل می‌باشد.

۱. آشنایی و جلب توجه بیشتر بخش خصوصی به زیرساخت‌های این قانون و ورود به فضای

۲. ایجاد، تدارک و تعیین استراتژی و روش کار لازم توسط بخش خصوصی برای تعامل و پی‌گیری مندرجات این قانون خصوصاً مقابل با شورای گفتگو

۳. درخواست جدی از مسئولان دولتی برای رعایت و عمل به قانون حاضریه عنوان موظفین اصلی قانون در برابر بخش خصوصی

۳-۴- نظرات و دیدگاه‌های نگارنده در مورد موارد این قانون

برداشت‌ها و دریافتهای نگارنده این مقاله به طور اجمالی از موارد مختلف این قانون برای باز نمودن باب بحث و مذاکره با ذینفعان بخش خصوصی به شرح ذیل ارائه شده است.

۳-۴-۱- در مورد ماده ۱:

۱. از محتوی این ماده چنین استنباط می‌شود که صنوف پیمانکاری و "صنعت احداث" به عنوان بخشی از تشکلهای اشاره شده در این ماده تلقی می‌شود و فضای کسب و کار و محیط کسب و کار اشاره شده در این قانون به فضای کسب کار آنها هم اطلاق می‌شود.

۲. دستگاه‌های اجرایی مندرج در بند (ح) این ماده که بر اساس ماده ۵ قانون خدمات کشوری مصوب ۸۶/۰۷/۰۸ و ایضاً تبصره

ذیل ماده ۱۴ قانون که بایستی توسط وزارت اقتصاد و دارایی تعریف شود، در ماده ۵ قانون فوق‌الذکر آورد شده است. به نظر می‌رسد حسب این قانون قرار است یک بازنگری در ماده ۵ قانون فوق‌الذکر به عمل آید. ذیلاً به جهت اهمیت موضوع و مراجعه سریع خوانندگان (ماده ۵) قانون فوق‌الذکر عیناً از متن نقل شده است.

"ماده ۵: دستگاه اجرایی کلیه وزارتخانه، موسسات دولتی، موسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکتهای دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانکها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند. (نقل از متن)"

توضیح ۲: قانون‌گذار از شرکتهای دولتی اشاره شده فی‌المثل به شرکتهای نظیر شرکت ملی نفت ایران اشاره دارد؟ آیا شرکتهای دولتی، نیمه‌دولتی و نظامی که کلاً خارج از فضای در حوزه این تعاریف بوده و در لباس پیمانکاری در پروژه‌ها وارد شده‌اند بچه صورت در این قانون تعریف می‌شوند. این یکی از نکات کلی مورد نظر و درخواست بخش خصوصی است.



شورای گفتگو به عنوان رکن رکن این قانون و مدخل اصلی ارائه خواسته‌ها و تظلمات بخش خصوصی به دولت در صنعت احداث می‌باشد جایگاه شورای گفتگو حسب مندرجات ماده ۷۵ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) (۱۳۹۴) به درستی تصریح شده است که نظر به اهمیت آن عیناً نقل از متن شده است.

ماده ۷۵: به منظور تبادل نظر دولت

و بخشهای خصوصی و تعاونی و تسهیل فعالیتهای اقتصادی این بخشها، بررسی و رفع موانع کسب و کار و اتخاذ تصمیم موثر برای اقدامات لازم در چهارچوب قوانین و مقررات موجود و ارائه پیشنهادها و راهکارهای اجرایی مناسب به مراجع ذیربط، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی با ترکیب اعضای زیر تشکیل می‌شود: (نقل از متن)

وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس شورا)، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزیر صنایع و معادن، وزیر تعاون، وزیر بازرگانی، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر نفت، وزیر نیرو، دو نفر از معاونان قوه قضائیه به انتخاب رئیس

است که در نخستین جلسه شورا تهیه و تصویب می‌شود.

قوانین موضوعی در حوزه عملکردی بخش خصوصی بایستی از یک تعادل و برابری در حوزه تقسیم ریسک و مسئولیت بین اصحاب قراردادهای (کارفرمایان/ مشاوران/ پیمانکاران) برخوردار باشد

تبصره ۲: محل دبیرخانه این شورا بدون دریافت کمک از دولت در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است.

توضیح ۳: محورهای اصلی ورود به شورای گفتگو در حوزه وظایف محوله طبق ماده ۱۱ این قانون تصریح شده است که بعداً به آن پرداخته می‌شود.

۴-۳-۲- در مورد ماده ۲: در مندرجات این ماده به نظریک تضاد نگاهی و ماهوی به شرح ذیل دیده می‌شود.

۱: هدف قانون‌گذار از ایجاد اتاق و در پی آن گفتگوی بین دولت و بخش خصوصی است که بایستی کتباً صورت گیرد.

۲: در ذیل این ماده حضور یا عدم حضور ذینفعان بند الف این ماده برای جلسات تصمیم‌گیری هیأت دولت به عهده دولت گذاشته شده است و این حضور با خواست و نظر دولت تاکید شده است.

این دو نگاه با احقاق حق بخش خصوصی به نحوی در تضاد است و لذا حق دفاع به "شورای گفتگو" به عنوان سخنگوی بخش خصوصی بایستی داده شود لذا پیشنهاد

قوه، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، دبیرکل اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران، شهردار تهران، هشت نفر از مدیران عامل شرکتهای برتر خصوصی و تعاونی از بخشها و رشته‌های مختلف

تبصره ۱: نحوه انتخاب اعضای ردیف (۱۹) و چگونگی تشکیل جلسات که حداقل هر پانزده روز یک بار برگزار می‌گردد و ارائه پیشنهادها و گزارشها طبق دستورالعملی



حذف "هرگاه لازم دید" از انتهای این ماده می‌شود و در آن تصریح به حضور شورای گفتگو گردد.

۴-۳-۳- در مورد ماده ۳: این ماده باز یک نگاه بسیار منطقی برای تعریف و تثبیت جایگاه بخش خصوصی است و به نحوی ممکن است با ماده ۲ همخوانی کامل نداشته باشد. چه در این ماده به صراحت به دستگاه اجرایی مصرح در قانون تکلیف نموده است که هنگام تدوین و یا اصلاح مقررات و قوانین نظر تشکلهای اقتصادی استعلام و مورد توجه قرار گیرد.

۴-۳-۴- در مورد ماده ۵: در این بند تهیه و تدوین "فهرست ملی تشکلهای اقتصادی" از وظایف اتاق ذکر شده است. بخش خصوصی و صنعت احداث به عنوان بخشی از تشکلهای اقتصادی مندرج در بند "ب" ماده (۱) این قانون دسته‌بندی می‌شود لذا بایستی بخش خصوصی در تهیه و تدوین این فهرست ملی فعالانه حضور داشته باشد.

۴-۳-۵- در مورد ماده ۸: این باز یکی از مهمترین مواد این قانون با اثرگذاری بالا در فضای کسب و کار بخش خصوصی و صنعت احداث است و توصیه می‌شود که بخش خصوصی با حساسیت بالا به این حوزه وارد شود. لازم به یادآوری است که هم اکنون کاربران و ذینفعان بخش خصوصی در فرآیند تجارت خارجی اعم از واردات، صادرات کالا و خدمات و صدور مدارک و اسناد مربوطه خصوصا در حوزه مسائل بانکی و اعتبارات اسنادی دارای مشکلات عدیده می‌باشد حضور فعال و مستمر بخش خصوصی در این حوزه به شدت احساس می‌شود.

۴-۳-۶- در مورد موارد ۹ و ۱۰: به نظر می‌رسد روند عملکرد تا حال مسئولان ذیربط وزارت امور خارجه برای پشتیبانی از تولیدکنندگان، صنعتگران و پیمانکاران برای صدور خدمات مهندسی دارای قوت و شدت لازم نبود ما در دو دهه گذشته شاهد پشتیبانی بعضا بی‌قید و شرط هیأت‌های دیپلماتیک کشورهای خارجی از پیمانکاران خود در پروژه‌های کشور مان بوده‌ایم که

حتی در بعضی موارد تا مرکز "Damping" هم پیش رفته‌اند. در این ماده مهم به وزارت امور خارجه تکلیف شده که با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصاد و دارایی، صنعت و معدن و تجارت و اتاق "آئین‌نامه اجرایی" این ماده را تهیه نمایند لذا ورود و حضور بخش خصوصی در این حوزه بسیار حساس و حیاتی است.

۴-۳-۷- در مورد بند ۱۱: این بند در حقیقت مهمترین بند این قانون و نقش و حضور "شورای گفتگو" را تعریف نموده است. سه بند "الف"، "ج" و "چ" به عنوان سه بند مهم این ماده نظر به اهمیت آنها ذیلا نقل از متن شده است.

بند الف- پیشنهاد اصلاح، حذف یا وضع مقررات اعم از آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، شیوه‌نامه یا رویه اجرایی در جهت بهبود محیط کسب و کار در ایران به مسئولان مربوطه براساس گزارش تهیه شده از سوی دبیرخانه این شورا.

ادامه در شماره آینده



نگرش و روش نگهداری مبتنی بر اطمینان (RCM) در کاربرد هدفمند پایش وضعیت (CM)

مهندس حسین انصافیور



چکیده

در این نوشتار، بیش و پیش از هر چیز کوشیده‌ام شیوه رویکرد و اسلوب پویای مدیریت نگهداری و تعمیرات مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM را به عنوان یکی از مهمترین دستاوردها مدیریت نت ماشین آلات / تجهیزات، در مقایسه با مدیریت کلاسیک موجود نت رایج در کشور برجسته کنم و نقش و جایگاه CM را در پرتو رویکرد و اسلوب RCM مورد بررسی قرار دهم. نگرش فراگیر و نظام مند، رویکرد تحلیلی (آنالیتیک)؛ پویایی و گریز از کلیشه‌ها و روتین‌های فلج‌کننده اندیشه؛ توانایی انعطاف و انتخاب روشهای مناسب در امور نگهداری و تعمیرات RCM را از دیگر نظام‌های مدیریت کلاسیک نت متمایز می‌کند. درست از همین رو است که اسلوب نت RCM در به کارگیری CM برای مدیریت شکستها می‌تواند به هدفمند کردن آن و پاسخ به بسیاری از پرسشهای نظری و عملی در مورد پیاده‌سازی و استفاده از CM در مدیریت نت ماشین آلات / تجهیزات کمکی شایان کند.

و می‌شود، اما برای بسیاری از مسئولان نت و به ویژه مدیران ارشد شرکت‌های کاربر ماشین آلات همواره این پرسش مطرح است که حد و مرز استفاده از CM در یک سیستم پیشگیرانه و یا پیش‌بینانه کجاست و با توجه به تنوع ماشین آلات و تجهیزات موجود، به ویژه هنگامی که با شمارگان بزرگی از آنها مواجه هستیم، چگونه می‌توان به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که بتوان در یک ارزیابی کلی در بازه زمانی مشخصی (مثلا ۶ ماه یا یک سال) علاوه بر سودمندیهای فنی غیرقابل انکار آن، اقتصادی

بطور کلی، پایش وضعیت CM در نت مدیریت ماشین آلات و تجهیزات به عنوان یک تکنیک بسیار مهم و موثر در سیستمهای مدیریت نت پیشگیرانه PM یا پیش‌بینانه PdM مورد استفاده قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که هیچیک از این سیستمها نمی‌توانند بدون اتکال به روشها و تکنیکهای گوناگون CM پیاده و مستقر شوند. با وجود آمارهای گوناگونی که در مورد فایده‌های فنی و اقتصادی کاربرد CM در سیستمهای نت متکی به برنامه‌ریزی ماشین آلات ارائه شده



نیاز کاربرانش متوقف نماید نوعی شکست (خرابی) است. نگهداری و تعمیرات (نت) با یکارگیری رویکردی مناسب برای مدیریت شکستها می تواند به اهدافش نایل شود"

بدین سان، موبری راه حلهایی که برای دستیابی به هدفهای نت ارائه می دهد نیز مبتنی بر تحلیل/آنالیز است و نه الگوهای کلیشه ای و روتین که اغلب، بازدارنده شکافت ریشه ای خرابیهاست؛ از این رو مایلم نت مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM را نت آنالیتیک/تحلیلی بنامم.

از نظر موبری، نت مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM فرآیندی است برای تعیین آن چه باید انجام شود تا ادامه فعالیت دارایی فیزیکی درانجام آن چه کاربرانش در شرایط عملیاتی موجود از آن انتظار دارند، تضمین شود. در همان گامهای نخست؛ نگرش هدفمند و متفاوت RCM با دیگر سیستمهای نت بیان شده است. ماشین/تجهیز "دارایی فیزیکی" است. این یک پیش شرط بسیار مهم در تعیین استرژتی نت در مدیریت شکستهاست؛ از آن رو که سیستم نت می خواهد وضعیتی را حفظ نماید که در آن این "دارایی فیزیکی" بتواند به انجام آن چه که سرمایه گذاری کننده روی ماشین/تجهیز از آن انتظار دارد، ادامه دهد. اهمیت این موضوع تا بدان حد است که برای پیاده کردن RCM، راه اندازی سیستم ثبت دارایی کارخانه (یا هر واحد تولیدی) یک پیش شرط الزامی است.

چنین رویکردی، مدیریت دارایی Asset Management را به صورت جدی در سیستم مدیریت نت ماشین آلات/تجهیزات وارد می کند. ضمن آن که نگهداری، از اجزای مهم مدیریت دارایی نیز هست. بدین سان

بودن کاربرد آن را نیز تضمین کرد. بطور مثال آیا لازم است که همه اجزای ماشین/تجهیز، که رواداری کاربرد CM درمورد آنها توصیه می شود را با شرایطی یکسان و به صورتی دایمی مورد آزمایش قرار داد؟

چرایی پدیداری چنین پرسشهایی به این دلیل است که اغلب سیستمهای نت پیشگیرانه PM و پیش بینانه PdM به صورت الگوهای مشخصی معرفی شده اند که براساس روتینهای تعریف شده کار می کنند. وجود روتینها شرایطی خودکار یا نیمه خودکار را پدید می آورند که معمولا تحلیلهای حین فرآیندی را از نظر دور می کنند. تحلیلهای ارائه شده در اینگونه سیستمها بیشتر، عبارت از بازخوردهای سیستم درمقایسه با شاخصهای تعیین شده است.

در این نوشتار هدف ما بررسی نیک و بد چنین نگرش و روش یا فروکاستیهای آنها در اجرای سیستمهای نت یاد شده نیست بلکه بیان نگرش و روش سیستم نت مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM در کاربرد CM است که می تواند دریچه ای از مقایسه ای گذرا را بر این موضوع بگشاید. بدین منظور، از کتاب "نگهداری و تعمیرات مبتنی بر قابلیت اطمینان" نوشته: جان موبری و با ترجمه آقایان دکتر علی زواشکیانی و مهندس رضا آزادگان فراوان بهره برده ام که کاری کارستان کرده اند.

جان موبری پدیدآورنده RCM تحلیل سیستم نت را با تحلیل شکست ماشین/تجهیز با توجه به تعریف کارکردهای هر ماشین/تجهیز در شرایط عملیاتی اش، بعلاوه استانداردهای عملکرد مورد نظر آغاز می کند زیرا "تنها اتفاقی که می تواند ماشین/تجهیز را از عملکرد مطابق با استاندارد مورد

یا پیش‌بینانه PaM و یا TPM در ماهیت، همان کارکرد مدیریت شکست است اما به ویژه در کشور ما در کاربرد آن سیستمها به CM با چنین رویکردی نگریسته نمی‌شود.

اما؛ اقدامات CM برای کنترل اثرها و پیامدهای شکست کمتر مورد توجه قرار گرفته و روی آن بحث شده است. به طور کلی می‌توان گفت اطلاعات به دست آمده از اقدامات CM و تحلیل آنها می‌تواند در کنترل اثرها و پیامدهای شکست در زمانی که وقوع آن به هردلیل به صورت آگاهانه (برنامه‌ریزی شده) یا به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر اتفاق خواهد افتاد؛ نقش بسیار مهمی را ایفا کند.

برای شناخت چگونگی مدیریت شکستها، سیستم نت مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM هفت پرسش اصلی را مطرح می‌کند:

کارکردها و استانداردهای عملکرد مربوط به تجهیز در شرایط عملیاتی موجود چیست؟

۱. به چه صورت‌هایی ممکن است ماشین/ تجهیز از انجام کارکرد هایش باز ایستد (یا در آن شکست رخ دهد)؟

۲. چه چیزی باعث وقوع هر کدام از شکستها (خرابیها) ی کارکردی می‌شود؟

۳. در زمان رخ داد هر شکست چه اتفاقاتی روی می‌دهد؟

۴. هر شکست از چه نظرهایی اهمیت دارد؟

۵. برای پیش‌بینی یا پیشگیری از هر شکستی چه می‌توان انجام داد؟

"مدیریت نت به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهم یک سیستم مدیریت جامع نگهداری همچون مدیریت داراییهای فیزیکی می‌بایست علاوه بر جنبه‌های عملکردی، همه جنبه‌های اقتصادی و تجاری شرکت را در نظر بگیرد. مدیریت داراییهای فیزیکی یک شیوه تلفیقی است که موجب صرفه جویی قابل ملاحظه هزینه‌ها و بهبود عملکرد سرمایه می‌شود."

در یک نتیجه‌گیری زود هنگام، می‌توان بطور کلی، هدفمندی CM را با همین رویکرد، در نقشی که به عنوان یک زیرسیستم تعیین‌کننده در مدیریت شکست ایفا می‌کند، مورد تحلیل قرار داد.

اما، مدیریت شکستها و هدفهای آن چیست؟

۱. سیستم نت اقداماتی را به انجام رساند تا ماشین/ تجهیز تا آنجا که ممکن است دچار شکست نشود یا زمان وقوع آن هرچه بیشتر به تاخیر افتد.

۲. در صورت وقوع شکست، سیستم نت به گونه‌ای عمل کند که اثرها و پیامدهای شکست تا آنجا که ممکن است آسیب کمتری به ماشین/ تجهیز و محیط استقرار آن وارد کند.

بدینسان مدیریت شکست، شامل دو بخش اساسی است، یکی اقداماتی که از بروز شکست جلوگیری می‌کند و یا آن را به تاخیر می‌اندازد، دیگر، کنترل اثرات و پیامدهای شکست پس از وقوع آن است.

کارکرد CM در تمامی سیستمهای نت برنامه‌ای اعم از نت پیشگیرانه PdM





هرگاه پیش‌بینی و یا پیشگیری از پیامدهای یک شکست کارکردی و از آن مهمترین شکست پنهان، وقوع یک حادثه ایمنی یا زیست محیطی را به دنبال داشته باشد، در آن صورت استفاده از روشهای CM با توجه به ویژگیهای کارکردی و استانداردهای عملکرد ماشین/تجهیز ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی است.

تحلیل پیامدهای شکست در RCM از آن رو دارای اهمیت جدی است که: "یکی از برجستگیهای RCM در تصدیق پیامدهای شکست نسبت به ویژگیهای فنی آن می‌باشد. در حقیقت RCM به وضوح تنها دلیل انجام هر فعالیت نگهداری و تعمیرات پیش‌اقدامی را در اجتناب یا کاهش پیامدهای شکست نه فقط در جلوگیری از شکست به صورت فی‌نفسه می‌داند."

دسته‌بندی پیامدهای شکست در RCM شامل: پیامدهای شکست پنهان، پیامدهای ایمنی و محیط زیستی، پیامدهای عملیاتی و پیامدهای غیرعملیاتی "به عنوان مبنای یک چهارچوب استراتژیک برای تصمیم‌گیریهایی مربوط به نگهداری و تعمیرات را موجب می‌شوند." پرسشهای ششم و هفتم از پرسشهای هفتگانه، انجام اقداماتی است که RCM پس از تحلیل شکستهای بالقوه، و یا واقع شده، با بررسی حالتها، اثرها و پیامدهای ناشی از وقوع شکست، اسلوبهای خود را برای پیش‌بینی، پیشگیری و یا کنترل شکستها به میان می‌آورد.

۶. چه باید کرد اگر نتوان (برای هر شکست) فعالیتهای پیش اقدام مناسبی پیدا کرد؟

پنج پرسش نخست، اسلوب RCM را برای شناسایی حالت‌های شکست کارکردی، اثرهای ناشی از وقوع آن و پیامدهایی که بر اثر وقوع شکست پدید آمده، توسط زنجیره‌ای از تحلیلهای دقیق در مورد چند و چون وقوع شکست ماشین/تجهیز بیان می‌کند.

زنجیره این تحلیلهای، نه تنها به بررسی فرسودگی یا سایش و گسیختگی نرمال می‌پردازد، بلکه خطاهای انسانی و عیوب طراحی را نیز مدنظر قرار می‌دهد، و برای نخستین بار به صورتی جدی به تهدیدهای ناشی از اثرها و پیامدهای وقوع شکست برای ایمنی و محیط زیست نیز توجه می‌کند.

دسته‌بندی پیامدهای شکستها تا حد زیادی می‌تواند مدیریت شکستها را سمت و سو بخشد و حتی اولویت‌بندی نماید. بدین معنا که بطور مثال هرگاه شکست ماشین/تجهیز پیامد ایمنی و یا محیط زیستی داشته باشد در آن صورت باید اقدامات بسیار جدی برای پیش‌بینی و پیشگیری وقوع آن به عمل آید، به عبارتی، تاخیر یا چشم‌پوشی‌هایی که به لحاظ مصلحت‌های تولیدی یا هزینه‌ای و یا مدیریتی در مورد پیامدهای مرتبط با شکست‌های عملیاتی یا غیرعملیاتی ممکن است صورت گیرد در مورد شکست‌هایی با پیامدهایی ایمنی و محیط زیستی اصولاً جایز نیست. در همین رابطه شاید با یک بیان زود هنگام، می‌توان گفت که

ممکن است به آنجا بیانجامد که در شرایطی، برای برخی از ماشین‌آلات / تجهیزات اقدامات CM صورت نگیرد و یا متوقف شود. این نحوه نگرش در به کارگیری تکنیکهای اجرایی مدیریت نت به گونه‌ای نظام‌مند مراعات شده است و چنانکه خواهد آمد، می‌تواند به عنوان یک تفاوت عمده با رویکرد کلاسیک در مدیریت نت تلقی شود. با این اندیشه و برداشت مروری می‌کنیم بر تکنیکهای اجرایی مدیریت شکست نت:

• فعالیتهای پیش اقدام (آینده‌نگر):

فعالیهایی را دربرمی‌گیرد که پیش از وقوع شکست و برای جلوگیری از وارد شدن به وضعیت شکست انجام می‌شوند. در نظام کلاسیک نگهداری چنین فعالیتهایی با نامهای نت پیش‌گویانه و نت پیشگیرانه شناخته می‌شوند.

RCM فعالیتهای پیش اقدام را با عنوانهای: بازسازی زمان‌بندی شده؛ از رده خارج کردن زمان‌بندی شده و نت اقتضایی شناسایی می‌کند.

ادامه دارد

توجه به پیامدهای شکست در انتخاب روشهای فعالیت نت، تمرکز اقدام‌کننده را متوجه آن دسته از فعالیتهای نت می‌کند که بیشترین تاثیر را در عملکرد سازمان داشته، سبب می‌شود که بر روی فعالیتهای کم/بی‌تاثیر انرژی گذاشته نشود. همچنین، این رویکرد؛ با تشویق روشهای گوناگون مدیریت شکست به گونه‌ای گسترده، از تمرکز صرف بر پیشگیری از شکست می‌کاهد.

این بدان معنا است که در RCM توجه به هزینه‌های نت در تصمیم‌گیریهای مدیریت شکست، بیش از پیش هدفمند شده؛ جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. از جمله استفاده از تکنیکهای CM برای پیشگیری از شکست، در مواقعی که تحلیل عوامل مختلف منجر به شکست به آنجا می‌انجامد که این یا آن فعالیت تاثیر جدی بر عملکرد سازمان ندارد، می‌تواند به بازنگری اقدامات مربوط به CM در فعالیتهای نگهداری و تعمیرات منجر شود.

بنابراین، اقدامات مربوط به CM به صورت یک الزام جلوه‌گر نمی‌شود؛ بلکه به واسطه تحلیل دقیق سیستم نت حتی تا جزئیاتی که ماشین / تجهیز را در وضعیت موجود خود مورد بررسی قرار دهد، کاربرد می‌یابد و



پاگرد در راه پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله

کمیسیون انتشارات

مناظره آهن و بتن

گفت فولاد، بتن را روزی
که تو اینقدر چرا مرموزی؟
در کشش مثل لبو میمانی
در خمش هم که خودت می‌دانی
گفتی از علم تخطی نکنی
پس چرا کرنش خطی نکنی
تا مسلح نشوی از فولاد
تویی و اینهمه عیب و ایراد
غالباً کیفیت پایین است
اصلاً انگار که ساخت چین است
کنترل کرده کسی جان ترا؟
نسبت آب به سیمان ترا؟
آخر این درز تخلخل از چیست؟
غالباً ویریهات کافی نیست
چند هفته همه سرگردانند
تا عمل‌آوری‌ات گردانند
ناظر و کارگر و کارآموز
آب باید بدهند هر روز
حرف من را شنو و باور کن
برو ورزش بکن و لاغر کن

شده ابعاد تو بسیار زیاد
مثلاً تیر نود در هفتاد
سازه‌های بتنی سنگین است
سرعت ساختمان پایین است
.
.
.
در جوابش بتن آمد به سخن
گفت آخر تو چه دانی از من؟
گر چه از آبم و سیمانم و سنگ
هرگز اما نرمم مثل تو زنگ
بیخودی مثل تو کرنش نکنم
زیر هر بار کمانش نکنم
نیست فولاد خفن تراز من
من نمی‌ترسم از آتش اصلاً
اتصالات درونت ناجور
هیكلت پر شده از جوش و غرور
سخنی بین من و بین تو نیست
هر چه باشد پی‌ات آخر بتنی است

شاهکار
ابوسعید ابوالخیر را گفتند: فلانی
شاهکار می‌کند، چرا که قادر است
پرواز کند؛
گفت: این که مهم نیست، مگس هم
می‌پرد.
گفتند: فلانی را چه می‌گویی که روی
آب راه می‌رود!
گفت: اهمیتی ندارد، تکه‌ای چوب نیز
همین کار می‌کند.
گفتند: پس از نظر تو شاهکار
چیست؟
گفت: این که در میان مردم زندگی
کنی ولی هیچگاه به کسی دروغ
نگویی، کلک‌نزی و سوءاستفاده
نکنی، این شاهکار است.
اگر بر آب زوی، خسی باشی؛
و اگر در هوا پری، مگسی باشی؛
دل به دست آر تا کسی باشی....

چرا داد می‌زنیم؟

استادی از شاگردانش پرسید: چرا ما وقتی عصبانی هستیم داد می‌زنیم؟ چرا مردم هنگامی که خشمگین هستند صدایشان را بلند می‌کنند و سرهم داد می‌کشند؟ شاگردان فکری کردند و یکی از آن‌ها گفت: چون در آن لحظه، آرامش و خونسردی مان را از دست می‌دهیم.

دارد، داد می‌زنیم؟ آیا نمی‌توان با صدای ملایم صحبت کرد؟ چرا هنگامی که خشمگین هستیم داد می‌زنیم؟ شاگردان هر کدام جواب‌هایی دادند اما پاسخ‌های هیچکدام استاد را راضی نکرد. سرانجام او چنین توضیح داد: هنگامی که دو نفر از دست یکدیگر عصبانی هستند، قلب‌هایشان از یکدیگر فاصله می‌گیرد. آن‌ها برای این که فاصله را جبران کنند مجبورند که داد بزنند. هر چه میزان عصبانیت و خشم بیشتر باشد، این فاصله بیشتر است و سپس استاد پرسید: هنگامی که دو نفر عاشق همدیگر باشند چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها سرهم داد نمی‌زنند بلکه خیلی به آرامی با هم صحبت می‌کنند. چرا؟ چون قلب‌هایشان خیلی به هم نزدیک است. فاصله قلب‌هاشان بسیار کم است.

استاد ادامه داد: هنگامی که عشقشان به یکدیگر بیشتر شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها حتی حرف معمولی هم با هم نمی‌زنند و فقط در گوش هم نجوا می‌کنند و عشقشان باز هم به یکدیگر بیشتر می‌شود. سرانجام، حتی از نجوا کردن هم بی‌نیاز می‌شوند و فقط به یکدیگر نگاه می‌کنند. این هنگامی است که دیگر هیچ فاصله‌ای بین قلب‌های آن‌ها باقی نمانده باشد.

امیدوارم روزی رسد که تمامی انسانها قلب‌هایشان به یکدیگر نزدیک شود.

- مردان بزرگ دیر وعده می‌دهند ولی اگر وعده دادند آنرا زود انجام می‌دهند.

- تمام موفقیت‌های بزرگ بر پایه شکست بنا شده‌اند.

- انسان همچون رودخانه است هر چه عمیق‌تر باشد آرام‌تر است.

- می‌توان حقیقتی را دوست نداشت، اما نمی‌توان منکر آن شد.

- به توانایی خود ایمان داشتن، نیمی از کامیابی است.

- تا چیزی را نپذیریم، نمی‌توانیم تغییرش دهیم.

- اگر شغلی داریم که هیچ سختی در آن نیست، مطمئناً شغلی نداریم.....

- برای آنکه عمر طولانی داشته باشیم باید آهسته زندگی کنیم.

- هرگاه خبرهای بد را به عنوان یک نیاز به تغییر و نه یک خبر منفی بپذیریم، از آن شکست نمی‌خوریم بلکه از آن چیزهای تازه می‌آموزیم.

- با اراده قوی مالک همه چیز می‌شویم.

- بزرگترین خوشبختی آرزوی سعادت دیگران است.

- رقابت تا زمانی پسندیده است که به حسادت نیانجامد.

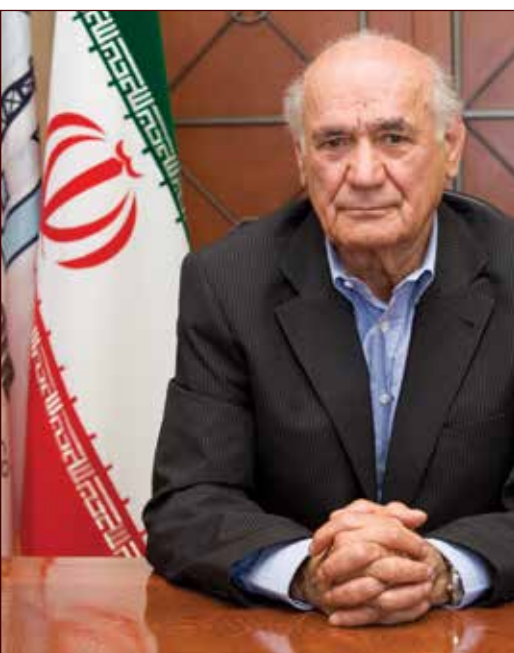
- انسان فرزند کار و زحمت خویش است.

- آنچه هستیم ما را بهتر معرفی می‌کند تا آنچه می‌گوئیم.

- هرگز نمی‌توان با آدم‌های کوچک کارهای بزرگ انجام داد.

- زیاد کار کردن مهم نیست؛ درست کار کردن مهم است.

آیا ما به واقع بخش خصوصی داریم؟



گفتگویی صمیمانه با جناب آقای مهندس تهماسب رضوی
رئیس هیأت مدیره شرکت ساختمانی تهران جنوب

پیمانکاری شروع کردم انجمن ها و صنوف مختلف پیمانکاری به شکل کنونی وجود نداشت تنها سندیکای شرکت های ساختمانی را می شناختم . امروز که پروژه ها گسترش پیدا کرده و شرایط کار پیمانکاری نیز تغییر جدی نموده است بحمد... انجمنها و صنوف مختلف پیمانکاری و همچنین تشکلهای، فدراسیونها و کنفدراسیونهای مختلف از حاصل تجمیع آنها شکل گرفته و در صحنه حاضرند. درک و استنباط بنده این است که با حضور این توانمندیهای بالقوه از یک طرف و همچنین وجود قوانین لازم الاجرای موجود در کشور برای تعریف و تثبیت جایگاه بخش خصوصی از جمله "اصل ۴۴ قانون اساسی" و "قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴" از سوی دیگر که به تائید مقام معظم رهبری رسیده است، زمینه های لازم را برای دستیابی به خصوصی سازی کل ارکان جامعه اسلامی ما تا افق سال ۱۴۰۴ فراهم کرده است و همچنین در این اواخر ورود و انتشار "قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار" و بقیه قوانین موضوعه واقعیت وجودی بخش خصوصی را در کشور متعین می سازد و خوشبختانه جایگاه ما نادیده گرفته نشده و زیر ابرها پنهان نمانده است.

لطفا تجربیات و دیدگاه های خودتان را در حرفه و کارتان پس از انقلاب بیان بفرمایید. چه فراز و نشیب هایی را طی کردید؟

اجازه می خواهم به صورت اجمالی دیدگاه های خودم را به عنوان

با تشکر از حضور جناب عالی برای ورود به این مصاحبه حضوری، به عنوان اولین سوال درخواست داریم مختصری از سابقه زندگی خودتان و نحوه ورود به حرفه پیمانکاری را بیان بفرمایید.

- به شما عزیزان و بزرگواران سلام عرض می کنم و ارادت خالصانه خود را تقدیم می کنم. آنچه امروز خدمتان ارائه می نمایم، دیدگاه ها و افکاری است که همواره و خصوصا در یک دهه گذشته تمام ذهن اینجانب را به خود مشغول کرده و به آن می اندیشم و در نظر دارم با شما بزرگواران و خوانندگان نسل جوانتر و مخاطبان نشریه پیام آبادگران مرور کرده و به بحث بگذارم و همفکری و کمک شما را طلب نمایم.
- بیش از ۵ دهه از خدمت اینجانب در صنف پیمانکاری می گذرد و به تحقیق همه زندگی من، خانواده من، همسر و فرزندانم در طول این مدت فدای عشق و علاقه من به وطنم و خدمت به این حرفه بوده است و از این بابت همواره به خانواده ام و خصوصا همسر مهربانم مدیونم و خداوند را شاهد می گیرم که لحظه ای در تمام دوران حضورم در صنف پیمانکاری به فکر مال اندوزی و کسب ثروت نبوده ام و تا آخرین لحظه حیاتم که قطعا و بدون وقفه در این حرفه حضور خواهم داشت به همین صورت فکر و عمل می کنم.
- در ۵۰ سال گذشته که اینجانب کارم را با ورود به صنف



مالی دوران انقلاب و خصوصاً جنگ تحمیلی را به جان خریدند. شرکت تهران جنوب به سهم خود نزدیک به ۴ میلیون دلار ماشین آلات خود را در اختیار جبهه و جنگ قرار داد. اینجانب نیز شخصاً نزدیک به ۴ سال در منطقه عملیاتی و جنگی استانهای خوزستان و بوشهر حضور داشتم که البته از این بابت نه تنها گلایه ای ندارم بلکه جزو افتخارات زندگی من است.

- افتخار می کنم شرکت تهران جنوب یکی از شرکتهای نادراست که در سال ۱۳۵۸ و در بحبوحه انقلاب به صحنه آمد و با دولت انقلاب اسلامی آن زمان اقدام به عقد قرارداد به نسیه بزرگ در یکی از استانهای پرتلاطم جنوبی کشور یعنی با سازمان آب و برق خوزستان نمود و در زمان شروع انقلاب شرکت تهران جنوب در سه استان بزرگ کشور یعنی استان کرمان، خوزستان و بوشهر دارای کارگاه های متعددی بود که در حدود ۱۲ هزار نفر در این کارگاه ها کار می کردند و هیچ مشکلی در شروع انقلاب در ارتباط با شرایط کارگری در این کارگاه ها بروز نکرد و شرکت تهران جنوب آنها را به درستی مدیریت نمود که هیچ اعتراضی از کسی شنیده نشد.

یک ایرانی عاشق این مرز و بوم و به عنوان یک پیرو پیشکسوت شما از بعد انقلاب مروری کوتاه نمایم.

• انجمنها و صنوف مختلف پیمانکاری هر یک به نوبه خود با

انجمنها و صنوف مختلف پیمانکاری هر یک به نوبه خود با شروع انقلاب اسلامی در به ثمر رسیدن انقلاب نقشهای مؤثری داشتند و در پی آن و با شروع جنگ نابرابر و تحمیلی دولت متجاوز بعثی عراق به ملت ایران، پیمانکاران بودند که امکانات و ماشین آلات خود را در اختیار جهاد سازندگی و جبهه و جنگ برای پشتیبانی از رزمندگان قرار دادند

شروع انقلاب اسلامی در به ثمر رسیدن انقلاب نقشهای مؤثری داشتند و در پی آن و با شروع جنگ نابرابر و تحمیلی دولت متجاوز بعثی عراق به ملت ایران، باز این پیمانکاران بودند که امکانات و ماشین آلات خود را در اختیار جهاد سازندگی و جبهه و جنگ برای پشتیبانی از رزمندگان قرار دادند. ماشین آلات بخش خصوصی دیگر هیچگاه به بخش خصوصی عودت داده نشد و به تملک دولت و ارگانهای حاضر در جنگ از جمله جهاد سازندگی و قرارگاه درآمد و در پاسخ به صاحبان این شرکتها برای درخواست عودت ماشین آلاتشان می گفتند "هر وقت ما از عراق خسارت گرفتیم پول ماشین آلات شما را می پردازیم." بایستی خدمتتان عرض نمایم آن دسته از

پیمانکاران و سازندگانی که بعد از انقلاب به جای ترک وطن به صورت مستمر در صحنه حضور داشتند همه سختیها و زیان های



این شیوه به صورت بسیار آشکارتر و بدون هیچگونه تعارف و به دور از هر نوع احتیاط و با زیر پا گذاشتن همه ضوابط و قوانین جاریه حاکم در کشور برای ارجاع کار به پیمانکاران دولتی و شبه دولتی در زمان آقای احمدی نژاد با قوت و شدت پی گیری شد. در این حوزه انتقال همه پروژه های کلان فازهای گازی عسلویه و همچنین سایر بخشهای دیگر پروژه های

عمرانی در کشور به پیمانکاران دولتی، شبه دولتی واگذار شد و خصوصاً توسط شرکت های خلق الساعه ای که از عمر تاسیس آنها شاید چند ماه نگذشته بود انجام شد. شرکت تهران جنوب با گوشت و پوست خود این شرایط را تجربه نموده است. حداقل بخش خصوصی واقعی در این دوران ۱۰ ساله اخیر پیام روشنی از بخش دولتی گرفت که دیگر جا برای حضور بخش خصوصی وجود ندارد و بایستی دکان را تعطیل و درب دکان را گل گرفت.

• هنوز داستان بخش خصوصی تمام و کامل نشده است. این بار بخش خصوصی مواجه با این امر شد که کفگیر دولت به ته دیگ خورده و اعلام نموده که دولت پول و توان برای پرداخت صورت وضعیت های معوقه و هنگفت پیمانکاران ندارد و بایستی پیمانکاران

• پس از آن، دوران سازندگی شروع شد. بخش خصوصی چنین تصور نمود که فضای مناسب برای رشد و کارآفرینی آن به وجود آمده و لطمات و صدمات شروع انقلاب و جنگ تحمیلی در کشور پشت سر گذاشته شده و بخش خصوصی فضا برای ورود به حوزه کسب و کار خود خواهد داشت. ولی زهی خیال باطل، در این مرحله بخش خصوصی مواجه با ورود و تشکیل

سریع و قارچ گونه شرکت های ریز و درشت دولتی در همه عرصه های کسب و کار و ساخت و ساز در کشور شد (نگاه کنید به لیست تائید صلاحیت شده شرکت های دولتی و جهادی در سازمان برنامه) و این شرکت های جدیدالولاده با پشتیبانی کامل دولت و جناح های تصمیم گیر و البته با رانتهای خاص خود به بخش اعظم پروژه های عمرانی که می بایستی توسط بخش خصوصی انجام می شد ورود نمودند و کلا بازار کسب و کار را از دست بخش خصوصی ربودند و پیمانکاران بخش خصوصی را بیرون راندند و در این مرحله پیمانکاران بخش خصوصی یا بالاجبار جلای حرفه نمودند یا با سختی و بعضاً تحقیر به صورت پیمانکاران دست سوم و چهارم پیمانکاران دولتی به پروژه ها وارد شدند.

شرکتهای جدیدالولاده با پشتیبانی کامل دولت و جناح های تصمیم گیر و البته با رانتهای خاص خود به بخش اعظم پروژه های عمرانی که می بایستی توسط بخش خصوصی انجام می شد ورود نمودند و کلا بازار کسب و کار را از دست بخش خصوصی ربودند و پیمانکاران بخش خصوصی را بیرون راندند

فوق الذکرا خصوصاً در طول یک دهه گذشته، تجربه نموده، تحقیر شده و شرایط ذیل را نیز لمس نموده است.

• پروژه‌های پارس جنوبی از فازهای یک توسط سرمایه‌گذاران خارجی (IOCها و Developerها) همچون Total، ENI، Shell و نظایر آن شروع شد. دولت و وزارت نفت با تمسک به این استدلال که ما نمی‌توانیم چیزی را به سرمایه‌گذاران دیکته نماییم که فلان کار را نکنند یا نکنند آنها پول و تکنولوژی آوردند و اختیار دارند، دست آنها را کاملاً باز گذاشت و آنها کره‌ای‌ها را به صحنه آوردند. کره‌ای‌هایی که عمر تجربه آنها در صنعت نفت و

گاز در آن زمان شاید به دو دهه هم نمی‌رسید، به بازار ما وارد شدند و با امکانات ارزی ما کار یاد گرفتند و عوامل خود را تربیت کردند. ما پشت در اتاق آنها برای گرفتن کار سر کج نمودیم، تحقیر شدیم و علیرغم وجود چنین شرایطی باز تلاش کردیم به پروژه‌ها وارد شویم و ثابت کردیم که ما توانمندیم و می‌توانیم کار کنیم. شاهد این ادعا انجام موفق پروژه‌های فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی بود. پیمانکاران ایرانی (شرکتهای تهران جنوب، درریز، گاما و IGC) خود را به خوبی نشان دادند و با تلاش خود هم اکنون نیز در فازهای حاضر عسلویه از جمله فاز ۱۲ ثابت نمودند که هر کجا دولت به بخش خصوصی اعتماد کرد دست ما را باز گذاشت حتی در شرایط تحریم هم می‌توانیم بهترین خدمات را

به دنبال تامین منابع مالی برای ورود در پروژه‌ها بروند. شروع این سیاست با ورود تیم انتخابی آقای احمدی نژاد در شورای عالی فنی و باز نمودن بحث و مذاکره با صنوف مختلف پیمانکاران برای دادن و انتقال اموال و املاک دولت به پیمانکاران شکل گرفت. هم اکنون نیز به علت نبود امکانات مالی دولت در قوانین سالیانه (سال ۹۱ و ۹۲) قرار بود تامین منابع مالی به عهده پیمانکاران باشد و از طریق صندوق توسعه ملی عمل شود که قطعاً، پیمانکاران نمی‌توانند بدون رانت به این صندوق ورود نمایند.

• رقیب جدید دیگری نظیر شرکتهای دولتی قبلی این بار در لباس نو و از طریق بانکها و موسسات اعتباری و سرمایه‌گذاری با عنوان پیمانکاران وابسته به مؤسسات مالی و بانکی به صحنه آمدند. از عمر این شرکتهای وابسته به بانکها و مؤسسات مالی نیز یک سال کمتر یا بیشتر نمی‌گذرد و قرار است آنها با پیمانکاران بخش خصوصی که عمری در این راه صرف نمودند رقابت نمایند.

لطفا چالشهایی را که در اجرای پروژه‌های مختلف در دو دهه گذشته با آن مواجه بودید بیان بفرمایید.

• شرکت تهران جنوب فضاهای ناامن

رقیب جدید دیگری شرکتهای دولتی قبلی این بار در لباس نو و از طریق بانکها و مؤسسات اعتباری و سرمایه‌گذاری با عنوان پیمانکاران وابسته به مؤسسات مالی و بانکی به صحنه آمدند. از عمر این شرکتهای وابسته به بانکها و مؤسسات مالی نیز یک سال کمتر یا بیشتر نمی‌گذرد و قرار است آنها با پیمانکاران بخش خصوصی که عمری در این راه صرف نمودند رقابت نمایند.



پارس جنوبی - شرکت تهران جنوب



یکی از این فازها را به بخش خصوصی بدهد و بعد ما را با بخش دولتی مقایسه کنید به ما پاسخ دادند که زیاد حرف نزنید.

• هنوز قصه تمام نشده این بار ما با تازه وارد دیگری یعنی چینی‌ها مواجه شدیم شرایط بخش خصوصی و پیمانکاران ایرانی این بار بسیار اسفناک‌تر از شرایط قبلی با کره‌ای‌ها و پیمانکاران دولتی ما بود. حداقل آنها تجربه‌ای کسب نموده بودند و فرهنگ کار را بلد بودند ولی این گروه جدید چینی نه دانش کار را داشتند نه فرهنگ قرار گرفتن پشت میز مذاکره براساس نرم‌های بین‌المللی با پیمانکاران ایرانی را می‌دانستند. این شرایط را شرکت تهران جنوب با چینی‌ها در پروژه‌های شرکت متن تجربه نمود. جای بسی تاسف است. کارفرمایان و مجریان هم به هر دلیلی زیر کنترل چینی‌ها بودند.

• هنوز فشارها به بخش خصوصی تمام نشده، این بار مساله تحریم در تمام فضای کسب و کار ما اثر گذاشت و علاوه بر فشارهای شرکت‌های دولتی و چینی‌ها، تورم سرسام‌آور و بی‌سابقه، پایین آمدن ارزش پول ملی، ریالی بودن قراردادهای ما، نبود تعدیل در این قراردادها و نرفتن زیربار پیمانکاران اصلی دولتی و صاحب پروژه و ندادن پاسخ به ما کار را کامل به بن بست کشانید و ما مجبور شدیم برای حفظ فضای خود از صحنه با قبول ضرر و زیان خارج شویم.

به مراتب بهتر از خارجیان در کشورمان ارائه نماییم. نگاه کنید به پروژه‌های اخیر فاز ۱۲ (فی‌المثل EPC۳) که سهم خارجیان در این حوزه زیر ۱۵٪ آن هم بیشتر در فضای مدیریتی و کنترل خدمات مهندسی و نظارت بر خرید می‌باشد.

• شرکت تهران جنوب به همراه ۱۰ شرکت داخلی و خارجی صاحب نام بین‌المللی (سایپم/استم پروجتی) به همراه یکی از شرکتهای وابسته به دولت (برای کارهای لوله‌کشی دریا) به پروژه فاز ۱۹ پارس جنوبی وارد شد. نزدیک به ۱/۵ سال در این پروژه زحمت کشید و با پول آن زمان نزدیک به ۱ میلیارد تومان هزینه نمود و هم زمان با چهارمین نوبت تمدید ضمانت‌نامه ۷ میلیون دلاری شرکت در مناقصه، این پروژه توسط کارفرما و هم زمان با آن، کارفرما در مهمانی شام، به پیمانکار دیگری از زیرمجموعه‌های وابسته به وزارت نفت که در آن ضیافت حضور داشت قول اجرای فاز ۱۹ را داد و همه برای این مساله کف زدند و پس از آن با سه خط نامه (تعجب نفرمایید بله، سه خط نامه) به تهران جنوب نوشت که ما در شرایط فعلی از دادن کار به شما عذرخواهی می‌کنیم در آن موقع ما به مسئولان نوشتیم که چرا با بخش خصوصی به این صورت عمل می‌نمایید و ما را تحقیر می‌کنید اگر بخش خصوصی را قبول ندارید رسماً ما را خط بزنید و اتلاف وقت و هزینه اینچنینی به ما تحمیل نکنید و سوال نمودیم آیا نمی‌شود

کارفرمایان هیچ وقت چه قبل و چه بعد از انقلاب خود را موظف به پرداخت مطالبات به موقع پیمانکار نمی‌دانند. همان طوری که در بخشهای دیگر مصاحبه خدمتتان عرض کردم ما همواره از این منظر دچار مشکل جدی بوده‌ایم و این امر یکی از مشکلات اصلی تاخیر در اجرای پروژه‌های کشور در بعد از انقلاب بوده است که ما حاصل آن، عدم پرداخت به موقع مطالبات پیمانکاران است که مدیریت اجرای پروژه‌ها توسط پیمانکاران را دچار مشکل نمود

چرخه حضور ماشین در پروژه و شرکت وسازوکارهای مدیریتی آن



■ محمدرضا حبیبزاده

عضو کارگروه ماشین آلات سندیکای شرکتهای ساختمانی

معاون ماشین آلات - شرکت کیسون

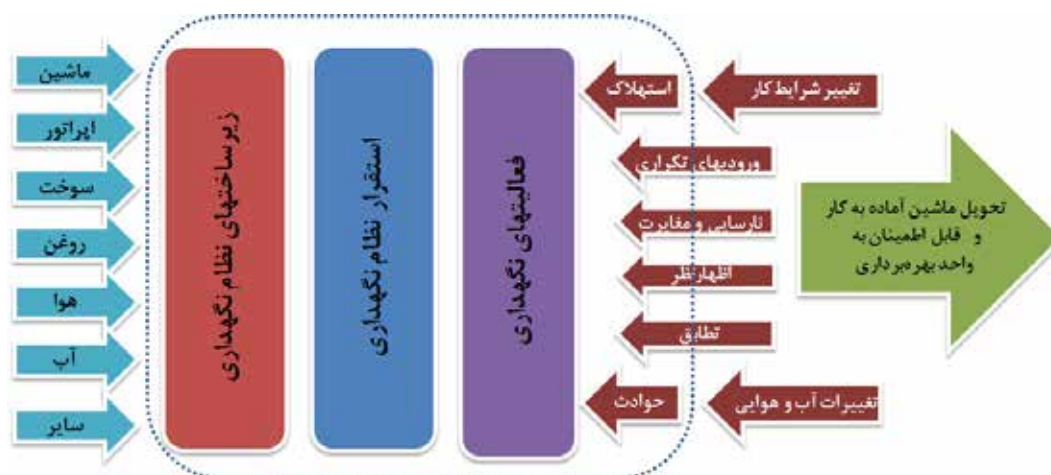


چکیده:

مدیریت ماشین آلات و تجهیزات در شرکتهای عمرانی متأثر از شرایط داخلی و بیرونی شرکتها دارای ساختارهای متنوعی در طیفهای کاملاً متمرکز تا غیرمتمرکز و انجام فعالیتها به شکل کاملاً داخلی و با برون سپاری شده می باشند. در این مقاله سعی گردیده بستر مدیریت اثربخش چرخه حضور ماشین در پروژه و شرکت با توجه به فعالیتها و فرایندهای مرتبط با مدیریت ماشین آلات شناسائی و معرفی گردد تا در نهایت بتوان بنای ساختارها و شکل های انجام کار را با توجه به شرایط اقتضائی هر شرکت بر این بستر استوار نمود.

مدیریت ماشین آلات پروژه:

سکان هدایت و راهبری پروژه بر عهده مدیر پروژه ای می باشد که با بکارگیری و مدیریت منابع مورد نیاز روی یک موضوع روشن و با هدف کار می کند و ارزشی افزوده ایجاد می کند. امروزه بر کسی پوشیده نیست که اهمیت منابعی همچون نیروی انسانی، مالی، مواد و مصالح، ماشین آلات و تجهیزات در پروژه ها ایجاب می نماید که این منابع توسط متخصصین همان حوزه مدیریت گردند. این مدیریتهای تخصصی ضمن حفظ ارزشها و باورهای حرفه ای حوزه ی تحت مسئولیت خود باید در چارچوب تصمیمات مدیریت پروژه



شکل-۱ سیستم مدیریت ماشین آلات پروژه

شود وجود خواهد داشت.

ماشین‌آلات یکی از منابعی است که در انجام فعالیت‌های پروژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و بدلیل نقشی که در انجام پروژه دارد توجه خاصی را می‌طلبد.

چنانچه مدیریت منابع ماشین‌آلاتی پروژه را یکی از زیرفرآیندهای فرآیند مدیریت پروژه بدانیم ورودیهای این زیرفرآیند عبارتند از: ماشین، ایراتور، سوخت، روغن، هوا، آب و سایر (شامل موضوع کار، افراد دیگر غیر از ایراتور که بر ماشین به منظور آماده‌سازی و نگهداری تاثیر گذارند، شرایط محیطی کار ماشین‌آلات و).

این ورودیها باید توسط فرد و یا افراد ذیصلاح به پشتوانه‌ی دانش و تجربه قبلی پروژه (شرکت) مدیریت شوند به عبارتی مدیریت شده وارد پروسه‌های عملیاتی خود شوند.

ناشی از مصلحت‌های کلی پروژه اقدام نمایند.

تعامل بین الویت‌های حرفه‌ای هر حوزه‌ی تخصصی و الویت‌های کلی پروژه تعادلی بوجود می‌آورد که پروژه همواره در لوای این تعادلات مسیر خود را دنبال می‌کند.

می‌بایست منابع مورد نیاز هر پروژه با توجه به اقتصاد همان پروژه:

۱. مناسب انجام کاری باشند که مد نظر است انجام گیرد.
۲. متناسب با حجم کاری باشند که در چارچوب برنامه تنظیمی باید انجام گیرد.
۳. سالم و بدون نقص و قابل اطمینان باشند.
۴. در زمان مورد نظر (طبق برنامه تنظیمی) وارد محیط کار شده و با پایان یافتن وظیفه از محیط کار خارج شوند.

در غیر اینصورت احتمال اینکه برای پروژه، زیرپروژه‌ی مزاحم ایجاد



شکل-۲ فعالیت‌های اصلی و مستندات مربوطه



را تجزیه و تحلیل کرده و پتانسیل‌ها و مقاومتهای آن را در بدو شکل‌گیری، یا میزان آن را قبل از اینکه ماشین را به آستانه‌ی توقف برساند ببیند، نرخ روند آنها را تشخیص دهد و عوامل شکل‌گیری آنها را شناسایی نماید و در نهایت مدیریت را برای رفع آنها و یا هر تصمیم دیگری که در روانی کار خدش‌های وارد نگردد مجهز گرداند، پیگیر اتخاذ تصمیم و اقدام باشد و بعد از اقدام نیز آثار تصمیمات را پایش کرده و به‌مین ترتیب و تا پایان پروژه این روند را حراست نماید.

انجام اقدامات لازم برای کنترل ورودیها، ایجاد زیرساختها و تجهیز مناسب، استقرار نظام نگهداری از ماشین‌آلات و پایش مستمر آن در هر پروژه وظیفه اصلی مدیر ماشین‌آلات همان پروژه است، به عبارتی زیرفرآیندی مدیریت می‌شود که ماشین‌آلات پروژه همواره در شرایطی مطلوب (آماده بکار و قابل اطمینان) در دسترس واحد‌های اجرایی پروژه قرار گیرند.

برای انجام این زیرفرآیند نیاز است که مدیر ماشین‌آلات پروژه از ابتدای شکل‌گیری پروژه و تا زمان خروج ماشین‌آلات، در پروژه حضور داشته و فعالیتهای مربوطه را مدیریت نماید.

جهت مدیریت اثربخش این منبع، لازم است تا کلیه موضوعات مطرح در این حوزه شناسائی و تدقیق گردد و این را نیز نباید از یاد برد که هدف اصلی این مدیریت جلوگیری از توقف کار به دلیل توقف ماشین است در حالی که از اعمال استهلاک غیرطبیعی به ماشین‌آلات نیز جلوگیری شده باشد. تاکتیک‌های نگهداری نیز در راستای این هدف مبتنی بر نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه و اقدامات پایش وضعیت ماشین برای پیش‌بینی وضعیت آتی با توجه به شرایط فعلی آن می‌باشد که امروزه در بسیاری از

فرایندهای کلی عملیات مدیریت نگهداری از ماشین‌آلات نیازمند زیرساختهای لازم است، تجهیز کارگاه به این زیرساختها نیز باید توسط همان فرد و یا افراد ذیصلاح و به پشتوانه‌ی دانش و تجربه قبلی پروژه (شرکت) مدیریت شوند، همزمان نظام عملیاتی در تطابق با مجموعه شرایط پروژه طراحی و در هماهنگی با برنامه پروژه و ورود ماشین‌آلات، مدیریت شده مستقر گردد.

چنانچه می‌توانستیم صد در صد به درست بودن ورودیها، زیرساختها و نظام استقرار یافته اطمینان داشته باشیم، بعبارتی چرخی را که با سرعت اولیه‌ای به حرکت درآوردیم در مسیر حرکت خود لنگ نمی‌زد و با مقاومتی هم روبرو نمی‌شد مشکلی نداشتیم، اما از آنجا که این سیستم برای دوام خود نیاز به حفظ و حراست، تطبیق با شرایط، اصلاح و رفع مغایرتهای احتمالی و نیز غلبه بر موانع در پیش‌رو را دارد و در نهایت هم برای بهبود آن باید تلاش کنیم و هوشمندانه به پایش آن بپردازیم، لذا باید به سیستمی که مستندسازی، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات و نهایتاً کسب دانش و آگاهی (شناخت پتانسیل‌های مساله‌ساز در آینده) و از همه مهمتر اعمال تغییرات در کل سیستم را (برای غلبه بر مشکلات پیش‌رو) تضمین نماید مجهز شویم، این مقاومتهای عبارتند از: تکرار ورودیها، استهلاک، نارسائیها و مغایرتهای، حوادث، اعمال نظرها، تطابق با نیازها و هماهنگی با تغییرات شرایط کار، محیطی و آب و هوایی و چه بسا عدم هوشیاری به دستاوردهای جدید.

واحد نگهداری پروژه نیازمند فکری سازمان یافته است یا سازمانی که قادر باشد فکر کند، پی‌گیر مستندسازی عملیات و شرایط تاثیرگذار بر آن باشد، اطلاعات یا به عبارتی آرایشی با معنایی از داده‌ها را فراهم نماید، آن



جدول ۱- شناسایی فعالیت‌های مدیریت ماشین آلات در پروژه (قبلا تامین ماشین آلات صورت پذیرفته است)

۱	جمع آوری اطلاعات	اطلاعات پروژه	موضوع پروژه، نوع فعالیت‌ها، سختی فعالیت‌ها، شرایط مالی پروژه، زمان پروژه، اثرات قراردادی، توانمندی ها، های اجرایی
		اطلاعات وضعیت جغرافیایی پروژه	شرایط محیطی و اقلیمی محل کار ماشین آلات
		اطلاعات و امکانات منطقه ای پروژه	امکان و میزان دسترسی به منابع مورد نیاز (نیروی انسانی، تامین کننده ها و خدمات دهنده ها)
		اطلاعات ماشین آلات و تجهیزات پروژه	وضعیت امکانات زیرساختی منطقه پروژه
۲	طراحی و برنامه ریزی نظام نگهداری	مدیر پروژه	تعداد و ویژگیهای ماشین آلات، تنوع ماشین آلات، تنوع برندها، تعداد بدگی ماشین آلات
		زیرساختها	وضعیت فیزیکی و قابلیت اطمینان ماشینها و تجهیزات - برآورد میزان ساعات کارکرد
		تجهیزات	میزان آشنایی مدیر پروژه با ماشین آلات و ساخت نگهداری و بهره برداری مربوط به آن
		ایزار	ساخته‌های اداری، تعمیرگاهی، آزمایشگاهی، کاروانس، پارکینگ، اتاقک ژنراتور، انبار، منابع سوخت، مدیریت، سخت افزارها و نرم افزارهای اداری و ارتباطی- حمل و نقل، تجهیزات ثابت تولیدی
۳	بومی سازی و استقرار نظام نگهداری	منابع انسانی	تجهیزات تعمیرگاهی - تجهیزات آزمایشگاهی - تجهیزات متفرقه
		سیستمها و روشها	ایزار عمومی - ایزار خاص - توزیع ایزار
		هماهنگی با اجرا	جارت سازمانی-تعداد نیروی انسانی، شرایط شغل و شرایط احراز-شناسایی منابع تامین شناسایی (بومی و غیر بومی) و جذب نیروی انسانی-زمان بندی استخدام
		زیرساختها	نظارتنامه - بروز رسانی و بومی سازی مشتمل بر: (مستندات ها و شرح وظایف، اثرات و استانداردها، فرایندها و صحنه کاری، الزامات مستند سازی، مجموعه مدارک و مستندات و کنترل مدارک و سوابق، مدیریت منابع (جذب، استخدام و نگهداشت منابع انسانی، تامین ماشین آلات و تعدیل ماشین آلات خریداری شده و ...، ارتباط درون سازمانی و پروژه ها، مدیریت اندازه گیری عملکرد (پایش و اندازه گیری فرایندها، ماشین آلات و تجهیزات، تحلیل داده ها، کنترل موارد نامنطبق، بهبود مستمر و اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه)، برنامه ریزی، تدارکات و استقرار مدیریت ماشین آلات در پروژه و ورودی و خروجی های آن
۴	بومی سازی و استقرار نظام نگهداری	تجهیزات	تجهیزات تعمیرگاهی
		ایزار	ایزار عمومی - ایزار خاص - توزیع ایزار
		منابع انسانی	استخدام نیروی انسانی - نیازسنجی و برنامه ریزی آموزشی - آموزش نیروی انسانی
		سیستمها و روشها	جاری سازی نظام بومی شده - ایجاد ساختار پایداری الکترونیکی اطلاعات
۵	ایزاتوری و بهره برداری	باراندازی و تحویل	آماده سازی و فراهم کردن امکانات مورد نیاز جهت باراندازی از قبل ماشین آلات و تجهیزات، نیروی انسانی، امکانات زیر ساختی از قبیل رمپ یا سکو و آماده سازی ماشین های حمل شده و تحویل
		اسناد ماشین	ویژگیهای قرارداد خرید جهت چگونگی تحویل گیری بر اساس Packing list، چگونگی رانندگی، خدمات گارانتی و وارنتی، اسناد فنی جهت استخراج دستورالعملهای ایتراتوری، سرویس و نگهداری و تهیه لوازم و قطعات مصرفی و بدکی-مدارک و سوابق از قبیل پرونده نگهداری و تعمیراتی در صورت دست دوم بودن ماشین، بیمه نامه، کارت ماشین، کارت سوخت، کارت هوشمند حصول اطمینان از وجود یک نسخه از اسناد در واحد ستاد
		وضعیت و مشخصات فنی ماشین	تطابق مشخصات ماشین با نیاز اعلام شده مطابق درخواست و اعلام مغایرتها و پیگیری جهت رفع آنها
		انبارش	انبارش و نگهداری ماشین آلاتی که وارد پروژه شده اند ولی هنوز وارد فعالیتهای اجرایی نشده اند
۶	نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه	جذب و استخدام اپراتور	برآورد تعداد اپراتور مورد نیاز، شرایط شغل و شرایط احراز - شناسایی منابع تامین شناسایی (بومی و غیر بومی) و جذب نیروی انسانی - برنامه ریزی برای گزینش و زمانبندی استخدام استخدام بر اساس زمان بندی - تنظیم برنامه آموزشی اولیه با توجه به گزینش انجام شده آموزشهای عمومی اولیه پس از استخدام از قبیل ایمنی عمومی، آشنایی با محیط کار و تحویل تجهیزات ایمنی
		تحویل ماشین به اپراتور	تحویل ماشین به اپراتور بر اساس صورتجلسه-تضمین های لازم-تحویل مستندات ماشین، تجهیزات مربوطه و دستورالعملها-برنامه ریزی و اقدام در جهت رفع نارسائی های موجود در زمان تحویل
		آموزش اپراتور	نیاز سنجی آموزشی در زمان بهره برداری از ماشین-شناسایی منابع آموزشی-هماهنگی با اجرا و واحد آموزش شرکت-تنظیم برنامه آموزشی-اجرای برنامه آموزشی-ارزیابی اثربخشی آموزش
		محیط کار ماشین	حصول اطمینان از وجود شرایط پیرامونی مناسب کار ماشین (وضعیت راهها، شرایط محیطی، علائم راهنمایی و رانندگی، علائم رعایت موارد ایمنی، عدم وجود موانع اجرایی و ناهماهات جبهه های کاری و ...)
۷	نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه	بهره برداری	هماهنگی با مسئول بهره برداری از ماشین با توجه به فعالیتهای مورد نیاز اجرا حصول اطمینان از تناسب فعالیت انجام شده با ظرفیت و ویژگی ماشین اجرای نگهداری مستقل توسط اپراتور و حصول اطمینان از اجرای درست مطابق دستور العمل نگهداری مستقل
		نگهداری روتین (دوره ای) شامل سرویس ها، بازدیدها، بازرسی ها و تعویضات	حصول اطمینان از وجود اسناد فنی، قرارداد خرید و سایر مدارک مربوطه و پیگیری جهت رفع نواقص - حصول اطمینان از انجام صحیح نگهداری مستقل توسط اپراتور و پیگیری جهت رفع مغایرتها - برنامه ریزی فعالیتهای نگهداری بر اساس مدارک و اسناد ماشین - تعیین ملازومات مصرفی مورد نیاز بر اساس اسناد فنی ماشین و پیگیری تامین آنها - تصمیم گیری در خصوص انتخاب منبع تامین خدمات (درونی یا بیرونی) - حصول اطمینان از وجود ایزار و تجهیزات لازم و پیگیری جهت رفع نواقص - هماهنگی با واحد بهره برداری جهت انجام فعالیتهای نگهداری - انجام فعالیتهای نگهداری - مستند سازی فعالیتها و پیگیری بمنظور رفع مغایرتهای موجود تجزیه و تحلیل سوابق بمنظور ریشه یابی علل مغایرتهای احتمالی و اقدام در جهت رفع آنها
		پایش وضعیت ماشین (CM)	حصول اطمینان از وجود اسناد و مدارک فنی مورد نیاز شامل اسناد فنی ماشین، دستورالعملها و استانداردهای مربوطه - شناسایی مکانیزم هایی که باید در برنامه CM در نظر گرفته شوند و تنظیم زمانبندی برای انجام پایش وضعیت - برقراری ارتباط با آزمایشگاه جامع با توجه به برنامه زمانبندی تنظیمی - حصول اطمینان از وجود تجهیزات و لوازم مورد نیاز و پیگیری جهت رفع نواقص - اجرای برنامه پایش وضعیت - تحلیل نتایج حاصل از اجرای برنامه پایش وضعیت بمنظور شناسایی اشکالات - برنامه ریزی و اقدام بمنظور رفع اشکالات شناسایی شده و پیگیری برای رفع آنها - مستند سازی فعالیتها
		تعمیرات پیشگیرانه	تشخیص پتانسیل های خرابی و تحلیل اولیه آن - حصول اطمینان از وجود اسناد فنی مربوطه و پیگیری جهت رفع نواقص - برنامه ریزی فعالیتهای تعمیراتی - تصمیم گیری در خصوص منابع تامین خدمات تعیین اقدام و قطعات مورد نیاز بر اساس اسناد فنی ماشین و پیگیری تامین آنها - حصول اطمینان از وجود ایزار و تجهیزات لازم و پیگیری جهت رفع نواقص - هماهنگی با واحد بهره برداری بمنظور انجام تعمیرات انجام تعمیرات - مستند سازی فعالیتها - تجزیه و تحلیل سوابق بمنظور شناسایی علل ریشه ای پتانسیل های خرابی - پیگیری جهت ایجاد شرایطی که این پتانسیل ها قابل پیش بینی شوند - برنامه ریزی و اقدامات لازم جهت جلوگیری از باطل شدن این پتانسیل ها
۸	تعمیرات بعد از خرابی	تعمیرات بعد از خرابی	تشخیص خرابی و تحلیل اولیه آن - حصول اطمینان از وجود اسناد فنی مربوطه و پیگیری جهت رفع نواقص برنامه ریزی فعالیتهای تعمیراتی - تصمیم گیری در خصوص منابع تامین خدمات تعیین اقدام و قطعات مورد نیاز بر اساس اسناد فنی ماشین و پیگیری تامین آنها - حصول اطمینان از وجود ایزار و تجهیزات لازم و پیگیری جهت رفع نواقص - انجام تعمیرات - مستند سازی فعالیتها - تجزیه و تحلیل سوابق بمنظور شناسایی علل ریشه ای مشکلات و پیگیری جهت رفع آنها بمنظور جلوگیری از تکرار آنها و برنامه ریزی برای اقدامات پیشگیرانه

۷	خروج ماشین از ناوگان ماشین آلائی پروژه	جایگزینی	شناسائی ماشین آلات فرسوده - شناسائی ماشین آلات با قابلیت اطمینان کم - شناسائی ماشین آلات کم بازده - ارائه گزارشات توجیهی به مراجع ذی صلاح جهت تصمیم گیری - انجام هماهنگی ها و پیگیری اقدامات بمنظور انجام جایگزینی - مستند سازی اقدامات
		عدم نیاز موقت	هماهنگی با واحد بهره برداری بمنظور خروج موقت ماشین از ناوگان و تعیین مدت زمان عدم نیاز تعیین تکلیف اپراتور تعیین محل استقرار ماشین ایجاد شرایط حفاظت فیزیکی از ماشین و حصول اطمینان از انجام آن انجام فعالیتهای نگهداری فنی از ماشین و حصول اطمینان از انجام آن آماده سازی ماشین جهت ورود دوباره به پروژه در زمان فراخوان
		عدم نیاز دائمی	هماهنگی با واحد بهره برداری - تعیین تکلیف اپراتور - آماده سازی ماشین جهت خروج - شناسائی و جمع آوری اسناد تحویل گرفته شده در زمان ورود ماشین و پرونده نگهداری و تعمیراتی آن به همراه قطعات و لوازم مصرفی مربوطه و تحویل آنها همراه ماشین - تحویل
۸	برچیدن نظام نگهداری	تعیین تکلیف ماشین آلات	تنظیم برنامه زمانبندی خروج ماشین آلات از پروژه با هماهنگی واحد بهره برداری
		تعیین تکلیف زیرساختها	تصمیم گیری در خصوص زمانبندی و چگونگی برچیدن زیرساختها با توجه به برنامه زمانبندی خروج ماشین آلات از پروژه
		تعیین تکلیف نیروی انسانی	برنامه ریزی برای تعیین وضعیت نیروی انسانی با توجه به برنامه زمانبندی خروج ماشین آلات ارزیابی عملکردی، دانش و مهارتهای توسعه یافته پرسنل ماشین آلاتی بروز رسانی و تکمیل بانک اطلاعاتی منابع انسانی و ارسال به معاونت ماشین آلات
		تعیین تکلیف ابزار و تجهیزات تعمیرگاهی - آزمایشگاهی و قطعات یدکی و مصرفی	شناسائی، جمع آوری و بسته بندی ابزار و لوازم خاص هر ماشین جهت تحویل به ابزار همراه با ماشین شناسائی و جمع آوری قطعات و لوازم مصرفی هر ماشین جهت تحویل به ابزار همراه با ماشین تحویل ابزار و تجهیزات آزمایشگاهی به ابزار تحویل ابزار و تجهیزات به ابزار با توجه به زمانبندی خروج ماشین آلات
		اسناد، مدارک و پرونده ماشین آلات	شناسائی و جمع آوری اسناد تحویل گرفته شده در زمان ورود ماشین و پرونده نگهداری و تعمیراتی ماشین جهت تحویل به ابزار همراه با ماشین
		مستندات	تعیین تکلیف مستندات بر اساس سیاست حفظ، بایگانی، انتقال و یا عدم نگهداری ارسال یک نسخه پشتیبان الکترونیکی و به شکل طبقه بندی شده از کلیه اطلاعات موجود در دفتر فنی به معاونت ماشین آلات
۹	آماده سازی و خروج ماشین آلات از پروژه در انتهای پروژه	وضعیت ماشین آلات	آماده سازی ماشین جهت تحویل یا هماهنگی ابزار ارزیابی ماشین آلات با توجه به وضعیت فیزیکی ظاهری و عملکردی با توجه به صورتجلسه تحویل ماشین به ابزار
		اسناد فنی ماشین آلات و قراردادهای	تحویل اسناد و مدارک ماشین همراه با ماشین یا هماهنگی ابزار
		پرونده ماشین آلات	تحویل پرونده نگهداری و تعمیراتی ماشین همراه با ماشین یا هماهنگی ابزار
		موجودی لوازم و قطعات یدکی و مصرفی	تحویل قطعات و لوازم مصرفی هر ماشین همراه با ماشین یا هماهنگی ابزار تحویل سایر لوازم و قطعات عمومی با هماهنگی ابزار
		بارگیری	هماهنگی با تحویل گیرنده جهت حصول اطمینان از وجود امکانات بارگیری و اقدام برای بارگیری
۱۰	جمع بندی	جمع آوری مستندات و سوابق	اندازه گیری رضایت ذینفعان
		جمع آوری تجربیات و درس آموخته ها	تهیه گزارش اولیه عملکرد مدیریت ماشین آلات مشتمل بر خلاصه گزارش عملکرد واحدهای نگهداری و اپراتوری، ارائه آماری اطلاعات عملکردی، لوازم و مواد مصرفی، سوخت و ... تجربیات و درسهای آموخته شده، ارائه پیشنهادات بهبود و بازخوردهای اصلاحی جهت برنامه ریزی و استقرار نظام در پروژه های جدید
		نظرسنجی	بررسی گزارش اولیه توسط تاپ چارت مدیریتی حوزه ماشین آلات
		بررسی مدارک	تهیه گزارش نهایی
		تهیه گزارش	

جدول ۱- شناسائی فعالیتهای مدیریت ماشین آلات در پروژه (قبلا تامین ماشین آلات صورت پذیرفته است)

دستورالعمل ها، فرم ها، چک لیستها، و در نهایت گزارشاتی را طراحی نمود و به جریان انداخت که:

- ۱- انجام صحیح فعالیتهای را در واحد نگهداری نهادینه نماید.
- ۲- مدیریت را از انجام صحیح فعالیتهای مطمئن گرداند.
- ۳- در صورت وجود مغایرت ردیابی را تسهیل کند.
- ۴- و در صورت نیاز، مدارک و ساز و کارها را اصلاح نماید.

شرکتهای عمرانی رایج و متداول گردیده است. در جدول ۱-، کلیه موضوعات و فعالیتهای شناسائی شده مرتبط با مدیریت ماشین آلات پروژه آورده شده است. لازم به یادآوری می باشد که این موضوعات طی ساعتها جلسات هم اندیشی صاحب نظران این حوزه، تجربیات، مدارک و مستندات موجود در شرکتهای صاحب نام تدوین گردیده اند. برای هر یک از فعالیتهای اصلی باید الزامات، رویه ها و

مدیریت ماشین آلات در شرکت:

در اینجا نیز برای هر يك از فعالیتهای اصلی باید الزامات، رویه ها و دستورالعمل ها، فرم ها، چك لیستها، و در نهایت گزارشاتی را طراحی نمود و به جریان انداخت كه:

- ۱- انجام صحیح فعالیتهای را در ستاد نهادینه نماید.
- ۲- مدیریت را از انجام صحیح فعالیتهای مطمئن گرداند.
- ۳- در صورت وجود مغایرت ردیابی را تسهیل کند.
- ۴- و در صورت نیاز، مدارك و ساز و كارها را اصلاح نماید.

در مدل ارائه شده ساز و كارهای مطرح شده در فرایند چرخه ی حضور ماشین آلات در شرکت شكل می گیرد، اگر چه مناسبات بین واحد ستادی و واحد پروژه ای می تواند اشكال مختلفی از وابستگی كامل واحد پروژه ای به واحد ستادی تا استقلال نسبتا كامل واحد پروژه ای از واحد ستادی را در برگیرد.

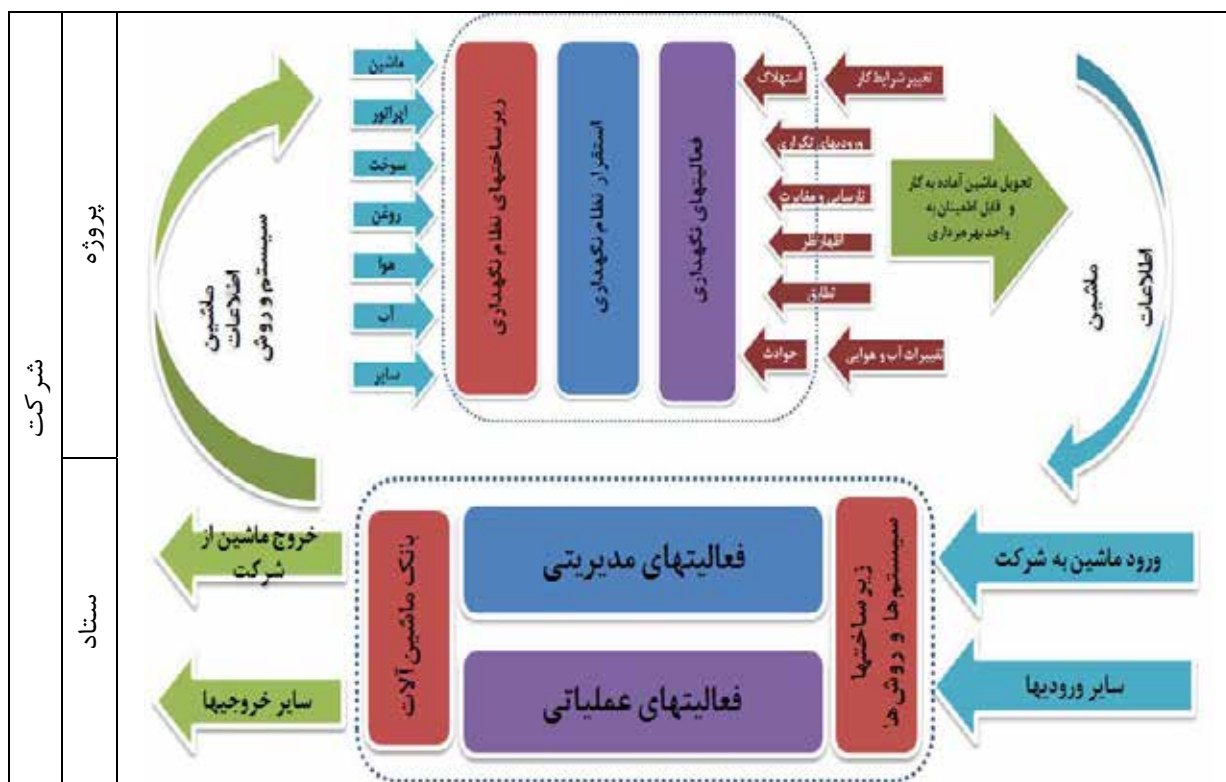
اینكه این رابطه چه باشد و در كجای طیف وابستگی كامل تا استقلال نسبتا كامل قرار گیرد به عوامل زیر بستگی دارد:

- ۱- تعداد و نوع ماشین آلات شرکت و پراكندگی آنها (تعداد پروژه های همزمان شرکت)
- ۲- نوع پروژه ها یا بعبارتی نوع فعالیت های شرکت (مونودیسیپلین یا مولتی دیسیپلین)

با پایان یافتن هر پروژه چرخه ی حضور ماشین آلات در همان پروژه خاتمه می یابد اما غالبا ماشین آلات در بانک ماشین آلات شرکت باقی خواهد ماند و نیاز است كه تا شروع پروژه بعدی مدیریت شوند، اگر چه ممكن است واحدهای دیگری مثل واحد مدیریت انبار مرکزی یا واحد مدیریت دارائیها مسئولیت حراست از آنها را عهده دار باشند. راهبری مدیریت چرخه حضور ماشین آلات در پروژه و اعمال مدیریتی عالی بر آن و نیز تصمیم سازی برای مدیران ارشد تصمیم گیر در شرکت، تعامل با محیط حرفه ای بیرون از شرکت و در نهایت مدیریت دانش حوزه ماشین آلات، موضوعات اصلی مدیریت ستادی ماشین آلات است.

سیستم مدیریت ستادی ماشین آلات شرکت را مطابق با شكل شماتیک-۳ می توان به دو دسته تقسیم نمود، فعالیتهای عملیاتی و فعالیتهای مدیریتی كه بر بستر زیرساختهای برگرفته از پتانسیل های شرکت شكل گرفته و جاری می شوند. جزئیات این فعالیتهای كه در دو سطح شكسته شده و در جدول-۲ آمده است، توضیح داده می شود.

سیستم مدیریت ستادی با توجه به دارا بودن ماندگاری بیشتر در شرکت، می بایست دارای پتانسیل های لازم بمنظور اقدام بر روی فعالیتهای هر دو بخش باشد.



شكل-۳ سیستم مدیریت ماشین آلات در شرکت



مربوطه دارای پتانسیل لازم برای مدیریت بر بخش برون سپاری شده نیز باشد.

اما فعالیتهای مدیریتی بخصوص در واحد ستادی بنظر نمی‌رسد که قابل برون سپاری باشد چرا که وظائف آن دارای ویژگیهای لازم تعریف شده برای یک فعالیت قابل برون سپاری نبوده و می‌بایستی در چهارچوب منافع و مصالح شرکت و مستقیماً زیر نظر مدیران ارشد پروژه یا شرکت صورت پذیرد.

۳- نگاه مدیریت شرکت به پروژه (میزان استقلال مدیر پروژه)

۴- نگاه مدیریت شرکت به ماشین (بعنوان سرمایه، دارائی یا ابزار کار)

۵- پتانسیل‌های شرکت (داشتن امکانات و تجهیزات مرکزی)

برگرفته از تجربیات قبلی به نظر می‌رسد که در فرایند چرخه حضور ماشین، بخش‌های عملیاتی در شرایطی می‌توانند برون سپاری شوند که ضمن فراهم بودن زیرساختهای مناسب، مدیریت

جدول ۲- فعالیتهای مدیریت ستادی ماشین آلات

ردیف	فعالیت‌های اصلی	موضوعات اصلی
۱	فعالیت‌های مدیریتی و پشتیبانی	تعیین اهداف، استراتژیها، سیاستها و برنامه‌ریزی
		سازماندهی، هماهنگی، نظارت و کنترل
		راهبری، مشاوره و پشتیبانی فنی
		مدیریت منابع، سیستمها و بانکهای اطلاعاتی
		تحقیق و توسعه، آموزش و مدیریت دانش
		ارتباطات و تعاملات داخلی و خارجی
۲	فعالیت‌های عملیاتی	نگهداری-بازسازی-حمل و جابجائی
		خرید- آموزش-آماده‌سازی-تحويل- فروش

آینده اقتصاد ایران

مصاحبه دکتر رنانی با بویرنیوز (BoyerNews)

اشاره:

مصاحبه‌ای توسط بویرنیوز با آقای دکتر محسن رنانی دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان انجام شده است. با توجه به مطالعات و بررسیهای چندین ساله آقای دکتر رنانی در اقتصاد کشور به ویژه نظریه پردازی ایشان در مورد سه مشکل اساسی کشور مبنی بر اینکه دولت وقت و فرصت ندارد و اقتصاد صبر ندارد و مردم کشور نیز اعتماد به روندها و فرایندها ندارند؛ مشارالیه در سالهای قبل پیش بینی افت قیمت نفت را ارائه داده بودند که حدود سه سال زودتر این پیش بینی به وقوع پیوست. همچنین دکتر رنانی کتابی در مورد اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران که حاصل مطالعات ایشان از سال ۸۴ تا بهار ۸۷ بود، نوشت و فقط پنج جلد از آنرا چاپ کرد و در اختیار پنج تن از مدیران ارشد کشور از جمله ریاست محترم جمهور، رئیس قوه قضائیه و رئیس قوه مقننه قرار داد. با توجه به مطالب مهمی که در این مصاحبه توسط مصاحبه شونده ارائه شده است عین آن را جهت اطلاع خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران درج می نمایم.

این افزایش باثبات نخواهد بود. این تحلیلگر اقتصادی معتقد است قیمت‌ها به تدریج تا سطح بالاترین هزینه تمام شده تولید نفت در دنیا یعنی حدود ۳۵ دلار افت خواهد داشت. اکنون نیز موافقت می‌کند که به بهانه انتشار «نسخه کامل» همین کتاب، درباره آینده نفت و پیامدهای آن برای توسعه ایران با «شرق» به



با نگاهی به ارقام تعهد شده دولت برای پرداختها در بودجه سال ۹۴ از جمله پرداخت «۴۵ هزار میلیارد تومان یا رانه نقدی، ۸۰ هزار میلیارد تومان حقوق و دستمزد کارمندان و ۲۵ هزار میلیارد تومان کمک برای تامین کسری حقوق

بازنشستگان در طرف تعهدات دولت و ۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد نفتی و ۸۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی در طرف درآمدها نشان می‌دهد دولت در سال آینده با درآمدهای حاصل از نفت و مالیات تنها می‌تواند دستمزدها و یارانه‌ها را پرداخت کند و این به مفهوم آن است که دولت از سال ۹۴ تبدیل می‌شود به صندوق پرداخت حقوق و دستمزد یا به بیان ساده تر سال از آینده عصر پایان راهبری توسعه ملی توسط دولت آغاز خواهد شد.» شایان ذکر است که تحلیل محسن رنانی، کارشناس اقتصادی از آینده بازار نفت چند سال پیش یعنی دقیقاً سال ۸۷ در کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران» به نگارش درآمده بود. در سال‌هایی که افزایش قیمت نفت، طلایی‌ترین دوران درآمدی کشور را رقم می‌زد، رنانی در کتابش که پنج نسخه از آن را به مسوولان وقت داده بود، هشدار می‌داد که این خوشحالی چندان پایدار نیست و پس از یک دوره افزایش قیمت نفت به بالای صد دلار، افت قیمت شروع خواهد شد. امروز هم او پیش بینی می‌کند احتمال افزایش قیمت نفت وجود نخواهد داشت و اگر بنا بر وقوع شرایطی خاص مانند ایجاد ناامنی در عربستان یا اتفاقاتی از این دست هم قیمت اندکی بالا رود،

انتشار نسخه کامل کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران» که پیش بینی افت قیمت نفت را در افق بلندمدت مطرح کرده بود، با وجود اتمام تحریر آن در سال ۸۷، تا امروز به درازا کشیده است. چه انگیزه‌ای سبب شد که سال گذشته جلد نخست کتاب را منتشر کنید و چرا اکنون در صدد انتشار «نسخه کامل» کتاب برآمده‌اید؟

نامتعارف، اقتصادی می‌شود. منظور از نفت‌های نامتعارف نفت‌هایی است که در بستر اقیانوس‌هاست و استخراج آنها پرهزینه است و قیمت نفت باید بسیار افزایش یابد تا استحصال آنها مقرون به صرفه باشد. اما آن زمان پیش‌بینی نمی‌کردم که نفت ماسه‌ای (نفت شیل) پیدا شود و این حجم عظیمی از نفت را به بازار عرضه کند. آن زمان به دلیل پیچیدگی مساله هیچ فناوری جدی پیدا نشده بود که نفت شیل را استخراج کند. امروز فناوری تا حدی پیشرفت کرده که نفت شیل را نیز استحصال می‌کند. در کتاب ولی من صحبت از نفت‌های نامتعارف در بستر اقیانوس‌ها کرده‌ام. اما در عمل هم به علت پیشرفت فناوری و هم به علت افزایش قیمت نفت، استخراج نفت شیل نیز مقرون به صرفه شد. بنابراین یکباره با ورود نفت شیل به بازار، با سرعتی عجیب و باورنکردنی تولید نفت آمریکا بالا رفت. بنابراین افزایش نفت آمریکا و کاهش واردات نفتی این کشور در عمل ناشی از افزایش قیمت نفت بوده است یعنی همان دلیلی که من پیش‌بینی می‌کردم اما سرعت این تحول به علت ورود سریع نفت شیل به بازار بوده است. در کنار ورود نفت شیل، سایر نفت‌های نامتعارف نیز در حال ورود به بازار است و همچنین انرژی‌های نو نیز در حال پیشرفت است و اثر خود را با کاهش تقاضا برای نفت در بازار خواهد گذاشت.

در سالی که با وجود تداوم بحران در اقتصاد اروپا هنوز نیاز به نفت در بازارهای جهانی کاهش قابل توجه نداشته است، برخی از کارشناسان کاهش قیمت را یک پدیده اقتصادی و نتیجه افزایش عرضه نفت ناشی از ورود نفت شیل به بازار یعنی انرژی

کتاب مناقشه اتمی را در سال ۸۴ شروع کردم و در بهار ۸۷ تحریر آن به اتمام رسید. در مهر ۸۷ پنج نسخه از این کتاب را تکثیر کردم و در اختیار مسوولان قرار دادم. در طول سه سالی که به نگارش کتاب مشغول بودم، آنقدر فضا بسته بود و گفت‌وگو درباره مناقشه اتمی تابو شده بود که نام کتاب را هم در محیط کارم عنوان نمی‌کردم و اینطور بیان می‌کردم که مشغول نگارش کتابی درباره نفت هستم. در عین حال هرچه زمان می‌گذشت بیشتر نگران پیامدهای ناشی از ادامه مناقشه اتمی ایران بودم. در سال پایانی دولت دهم تقریباً برای همه مشخص شده بود که مسیری را که در مناقشه اتمی می‌رویم؛ مسیر خطایی است و به نتیجه نخواهد رسید. بحران‌های اقتصادی ناشی از مدیریت نادرست و عواقب تحریم‌ها نیز کم‌کم در حال آشکار شدن بود. زمان انتخابات ۹۲ را برای انتشار بخشی از کتاب مناسب دیدم. اولافضا کمی بازتر شده و احتمال اینکه مشکلاتی برای انتشار کتاب به وجود آید؛ کاهش یافته است و دوم اینکه امیدوار بودم در فضای دوره تبلیغات انتخاباتی، ایده‌ها و هشدارهای این کتاب مطرح شود و خطرات و خسارات ادامه مناقشات اتمی به فضای عمومی کشیده شود تا راه را برای مسوولان و مذاکره‌کنندگان در جهت حل مساله هموارتر کند.

آقای دکتر، شما در این کتاب پیش‌بینی‌هایی درخصوص افت قیمت نفت پس از یک دوره افزایش دارید که امروز تحقق آن را می‌بینیم و این را مطرح می‌کنید که غرب می‌خواهد سلطه بلامنازع خود را بر نظام جهانی با پروژه عبور تمدن‌ها از طریق عدم اتکا به

انرژی فسیلی محقق کند. بر این اساس افزایش

قیمت نفت را به مدت هفت تا ۱۰ سال موثرترین

ابزار برای تحقق هدف غرب می‌دانید که در نهایت

به بازنده شدن کشورهای نفتی می‌انجامد. بر پایه

این پیش‌بینی، اتفاقات امروز بازار نفت را تا چه

حد سناریویی از پیش تعریف شده غرب می‌دانید؟

واقعۀ ای که در حال رخ دادن است یعنی افت قیمت نفت، را در راستای تحلیل این کتاب می‌بینم. به جز اینکه من پیش‌بینی کرده بودم که این کاهش در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ شروع خواهد شد حال آنکه این کاهش چند سال زودتر شروع شده است. دلایل ولی همانی است که من در کتاب عنوان کرده بودم. علت این تعجیل افت قیمت نیز آن است که ما در عصر تکنیکی فناوری هستیم و دیگر فناوری قابل پیش‌بینی نیست. اگر ۱۰ سال پیش می‌توانستیم پیش‌بینی کنیم که دوسال آینده چه فناوری‌هایی ظهور پیدا می‌کند، امروز برای شش ماه آینده نیز نمی‌توانیم پیش‌بینی داشته باشیم. بنابراین به خاطر پدیدار شدن فرآیند تکنیکی در فناوری و سرعت گرفتن تحولات، برخی تحولات امروز در فناوری استخراج در ۹ سال پیش که نگارش کتاب را شروع کردم قابل پیش‌بینی نبود. مثلاً من در کتاب آورده‌ام که بعد از اینکه قیمت نفت افزایش پیدا کند، تولید نفت‌های



نفت از حدود ۳۰ دلار به بالای صد دلار در دهه گذشته آغاز شد، دیگر قابل توقف و بازگشت نخواهد بود. چراکه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در حوزه انرژی‌های نو صورت گرفته و سرمایه‌گذاران ناگزیرند پروژه‌های خود را ادامه دهند؛ البته کاهش کنونی قیمت نفت آنها را وادار خواهد کرد که روی ابداع و نوآوری در فناوری سرمایه‌گذاری کنند و هزینه تولید انرژی‌های نو را کاهش دهند. البته در سال‌های گذشته در این زمینه موفقیت‌هایی نیز به دست آورده‌اند. مثلاً در شش سال گذشته دو بار توانستند هزینه تولید پیل‌های خورشیدی را به نصف کاهش دهند. اگر این روند ادامه یابد به این معنی است که حتی اگر قیمت نفت به ۴۰ دلار هم کاهش پیدا کند باز تولید انرژی‌های نو به صرفه خواهد بود. بنابراین دیگر روند بی‌بازگشت جایگزینی انرژی‌های نو شروع شده است. از طرفی حتی اگر قیمت در سطح ۵۰ دلار فعلی هم بماند باز تولیدکنندگان نفت شیل تولید نفت را رها نمی‌کنند چرا که در دوره بالابودن قیمت نفت سرمایه‌گذاری‌های عظیمی انجام داده‌اند که اکنون باید از آن بهره‌برداری کنند. به نفع آنهاست که به تولید ادامه دهند و سعی کنند در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کنند تا بتوانند با بهبود فناوری، هزینه تولید را کاهش دهند. از این رو اینکه عربستان گمان کند با کاهش قیمت، تولید شیل را متوقف می‌کند، پیش‌بینی نادرستی است. عربستان با این کار خود فقط سقوط بزرگ قیمت نفت را تسریع می‌کند. این را من توطئه نمی‌دانم. این یک اشتباه محاسباتی از سوی عربستان است. عربستان مساله تکینگی فناوری را در سیاست‌های خود لحاظ نکرده است.

فکر می‌کنید قیمت نفت تا چه حدی کاهش خواهد یافت و آیا کاهش



فسیلی غیرمتعارف می‌دانند و برخی آن را پدیده‌ای سیاسی و نتیجه رویارویی یا تبابی عربستان و آمریکا عنوان می‌کنند. حتی رئیس‌جمهور در سخنانی این اتفاق را فراتر از مسایل اقتصادی و توطئه دانسته بود یا برخی به تنش‌های خاورمیانه و اوکراین و روسیه و همچنین افزایش تولید لیبی به عنوان یک عامل موثر نگاه می‌کنند. ارزیابی شما از این پدیده‌ها چیست؟

کاهش قیمت نفت را نه توطئه می‌دانم و نه خارج از تحلیل کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی». اما قطعاً افزایش تولید نفت عربستان و لیبی در این افت قیمت تأثیرگذار است. اینکه درگیری روسیه و اوکراین توانسته بر بازار نفت اثر بگذارد، البته اثر می‌گذارد، اما اثرش به صورت افزایش قیمت ظاهر می‌شود نه کاهش. چون روسیه با تولید بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان است و هر تنش‌ای که روسیه در آن درگیر باشد باعث افزایش قیمت نفت می‌شود. بنابراین ممکن است این کاهش قیمت سریع ناشی از همزمان شدن افزایش تولید لیبی و عربستان با ورود حجم عظیم نفت شیل به بازار باشد. اما روند کاهش قیمت طبیعی بوده و تقریباً پیش از تصمیم عربستان آغاز شده بود. این اتفاقات فقط آن را تسریع کرد.

آیا عربستان برای ضربه زدن به روسیه و ایران زیر بار کاهش تولید نفت؟

من مخالف این هستم که عربستان به خاطر ضربه زدن به روسیه، سوریه و ایران حاضر نشد برای جلوگیری از سقوط قیمت، تولید خود را کاهش دهد. عربستان یک تحلیل بلندمدت ۴۰ ساله دارد که قیمت نفت نباید افزایش یابد. برای اینکه من عربستان اصلی‌ترین درآمد از نفت است و باید تا ۴۰ سال دیگر نفت بفروشم و اگر قیمت نفت بالا رود تولید انرژی‌های نو و جایگزین، تسریع شده و نفت از گردونه مصرف جهانی خارج یا حداقل سهم آن کم می‌شود و من دیگر نمی‌توانم نفت بفروشم. بنابراین باید قیمت نفت را در یک حد متعادل نگه دارم تا بتوانم در ۴۰، ۳۰ سال آینده این کالا را صادر کنم. این تحلیل کلی عربستان در چهار دهه اخیر است. پس عربستان برای تأمین منافع بلندمدت خود، به دنبال کاهش تولید و افزایش قیمت نفت نیست. بنابراین عربستان این کاهش قیمت را در کوتاه‌مدت تسریع کرده ولی اگر عربستان نیز بر این اتفاق دامن نمی‌زد روند طبیعی کاهش قیمت با سرعتی آهسته ادامه می‌یافت. عربستان معتقد است به جای اینکه قیمت تا سه، چهار سال دیگر به دلیل جایگزینی انرژی‌های نو مثلاً به ۳۵ دلار یا کمتر سقوط کند؛ الان روی ۵۰ دلار بماند بهتر است، تا نفت شیل از چرخه تولید خارج شود یا دست‌کم سرعت تولید آن کاهش یابد و عربستان بتواند تا ۱۰ سال دیگر نفت صادر کند. ولی من بر این باورم که این پیش‌بینی عربستان هم خطا از آب درخواهد آمد. قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند ولی نه اینکه عربستان بتواند تا ۱۰ سال دیگر بازار را در اختیار داشته باشد. البته عربستان تا ۱۰ سال دیگر نفت خواهد فروخت ولی نه ۱۰ میلیون بشکه در روز، این مقدار آرام‌آرام کاهش پیدا خواهد کرد. عربستان می‌خواهد این کاهش اتفاق نیفتد یا دیرتر و کندتر اتفاق بیفتد. در هر صورت اگر قیمت نفت در حد همین ۵۰ دلار هم باقی بماند؛ روند جایگزینی انرژی‌های نو که با افزایش شدید قیمت

۳۰ تا ۵۰ درصدی قیمت نفت را پدیده‌ای موقتی و کوتاه مدت

می‌دانید یا پدیده‌ای طولانی مدت و ماندگار؟

من هشت سال پیش در کتاب پیش بینی کرده بودم که قیمت نفت تا بالای صدد دلار افزایش می‌یابد و چند سال در این نرخ می‌ماند و بعد شروع به کاهش می‌کند و به تدریج تا سطح بالاترین هزینه تولید افت خواهد کرد. فعلا برای تولیدکنندگانی که سهم قابل توجهی در بازار نفت دنیا دارند، بالاترین هزینه تولید حدود ۳۵ دلار است. بنابراین در بلندمدت ما به سمت چنین قیمتی خواهیم رفت. اما البته حالا با عواملی که شرح دادم بخشی از این کاهش، تسریع شده است.

کف و سقف هزینه تولید نفت در دنیا چقدر است و این هزینه برای

ایران چقدر محاسبه می‌شود؟

هزینه واقعی تولید هر بشکه نفت در دنیا، هم توسط تولیدکنندگان تا حدودی محرمانه نگه داشته می‌شود و هم بسیار متفاوت است. اما اگر تولیدکنندگان عمده نفت را در نظر بگیریم، پایین ترین هزینه کلی تولید هر بشکه نفت در دنیا حدود هفت دلار و بالاترین آن حدود ۳۵ دلار است. این هزینه برای ایران بسته به حوزه نفتی، بین پنج تا ۱۰ دلار برآورد می‌شود.

پس حد کاهش قیمت نفت را کدام یک از این هزینه‌ها

تعیین می‌کند؟

کاهش قیمت نفت در دنیا تا سطحی ادامه پیدا می‌کند که تنها تولیدکنندگانی که پایین ترین هزینه تولید را دارند در بازار باقی بمانند. باید به این نکته توجه کرد که در ۱۰ سال گذشته به دلیل

افزایش بهره‌وری انرژی و نیز سرمایه‌گذاری‌هایی که در انرژی‌های نو صورت گرفته، تقاضای جهانی نفت بسیار کمتر از میزان پیش بینی بالا رفته است. اگر قرار بود تقاضای نفت متناسب با رشد فعالیت‌های اقتصادی جهان بالا برود، دست کم باید سالانه سه تا پنج درصد تقاضا برای نفت افزایش می‌یافت چون تولید اقتصادی در دنیا در این حد هر سال افزایش یافته است. ولی تقاضا در ۱۰ سال گذشته افزایش جدی نیافته است. در مقابل عرضه نفت هم در این مدت افزایش یافته است. بنابراین، از این پس کاهش قیمت نفت روندی ادامه دار است اگرچه احتمال دارد به صورت محدود و موقت افزایش یابد. مثلا اگر عربستان ناامن شود و داعش به عربستان هم حمله کند، ممکن است قیمت نفت تا ۱۰ دلار بالا رود ولی دایمی نخواهد بود. یا تنش در لیبی ممکن است قیمت نفت را برای مدتی افزایش دهد اما اینها پدیده‌های ساختاری نیست در حالی که کاهش قیمت نفت پدیده‌ای ساختاری است.

همان طور که در ۱۰ سال گذشته غرب در حال چیدن سناریوهایی

برای تسلط خود بر جهان بود، آیا ایران به دنبال راه‌هایی برای

پایدار ماندن نبود؟ ابتدای صحبت‌ها هم اشاره کردید به اینکه

پس از تدوین این کتاب، در سال ۸۷ پنج نسخه از آن را برای

مسوولان وقت ارسال کردید. دست کم با هشدار که کتاب شما

به مسوولان داده، انتظار می‌رفت آنها را به فکر یافتن راهکاری

برای مقابله با این روند انداخته باشد. آیا کتاب شما چنین تاثیری

داشته است؟

فکر نمی‌کنم. ما در این سال‌ها آنقدر درگیر مسایل مناقشه اتمی و حواشی انتخابات سال ۸۸ بودیم که یک استراتژی بلندمدتی را دنبال نکردیم. تحریم‌ها نیز در این مدت اضافه شد و توانست بخشی از بازارهای صادراتی نفت ما را از بین ببرد.

وقتی کتابتان را برای مقامات فرستادید، هیچ واکنشی نشان داده

نشد؟

من کتاب را در پنج نسخه برای پنج مقام ارشد کشور ارسال کردم. ارسال نیز به صورت دستی و از طریق برخی چهره‌هایی بود که به این مقامات دسترسی داشتند. مثلا نسخه آقای احمدی نژاد را به آقای دکتر رهبر که رئیس وقت دانشگاه تهران بود، دادم و ایشان گفتند فردا با رئیس جمهور ملاقات دارم و تحویل می‌دهم. یا اینکه نسخه رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس را از طریق آقای دکتر محمد رضا بهشتی تحویل دادم. نسخه بقیه مقامات را هم از طریق افراد دیگری ارسال کردم. بعد هم پیگیری کردم و مطمئن شدم که کتاب به دست مقامات ارشد رسیده است. اما تا امروز هیچ واکنشی از سوی این مقامات دریافت نکرده‌ام. یکی از این افراد که کتاب را برای یکی از مقامات برده بود شفاهما نیز کتاب و ایده آن را توضیح داده بود. آن مقام گفته بود در مورد بازارهای نفت ما هیچ ابزاری در اختیار نداریم و آمریکا بازارهای نفت را کنترل می‌کند و کاری از ما بر نمی‌آید و در مورد مناقشه هم گفته بود غرب هیچ کاری در این زمینه نمی‌تواند



به هر حال امروز نفت بر مدار ۵۰ دلار می‌چرخد. ایران چه راهی می‌تواند در پیش گیرد تا کمترین صدمه را در کوتاه‌مدت از این کاهش درآمد ببیند؟

الان دیگر کاری از دست ایران ساخته نیست. اولاً نمی‌تواند صادرات نفت خود را کاهش دهد چون نفتی ندارد. درآمد این یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفتی که صادر می‌کنیم برای وارد کردن نیازهای اساسی لازم داریم و باید با تمام توان این میزان را صادر کنیم. از سوی دیگر ایران در مناقشه اتمی حتی اگر با غرب به توافق نهایی هم دست یابد، دیگر این توافق در بازار نفت تاثیری نخواهد داشت. اکنون بحرانی که داعش در منطقه ایجاد کرده، اصلی‌ترین عامل سیاسی موثر بر بازار نفت است و داعش بهترین ابزار برای وارد کردن شوک سیاسی به بازار نفت است. غرب به خوبی با بحران داعش می‌تواند شوک‌های سیاسی مورد نظر خود را بر بازار نفت وارد کند.

یعنی معتقدید غرب با داعش نخواهد جنگید و از حضور آن برای مدیریت منطقه سود خواهد برد؟

بله. به نظر من غرب با داعش برخورد می‌کند تا جایی که خطر تهاجمی داعش را کنترل کند، اما به محض اینکه داعش کنترل و مدیریت شد، سعی نمی‌کند به هر قیمتی داعش را از بین ببرد. داعش یک ابزار سیاسی بسیار مناسب برای آمریکا است تا تحولات منطقه خاورمیانه را مدیریت کند. بنابراین من گمان نمی‌کنم داعش نابود شود. داعش مهار خواهد شد ولی نابود نمی‌شود. داعش تحت کنترل خواهد ماند تا هر زمان نیاز شد برای مدیریت سیاسی منطقه و برای مدیریت بازار نفت از آن استفاده شود.

آینده ایران با این سطح از درآمد نفت یا کمتر از آن را چگونه می‌بینید؟ این وضعیت چه تاثیری بر ساختار و کارکرد اقتصاد ایران خواهد داشت؟ به بیان ساده‌تر چه اتفاقی باید رخ دهد تا به حاشیه رانده نشویم و جایگاهمان در نظام جهانی حفظ شود یا ارتقا یابد؟

فرض بگیریم تقاضای جهانی نفت کاهش پیدا نکند و ایران بخواهد به سرعت سهم خود را در بازارهای جهانی نفت افزایش دهد. یک زمانی ایران تا چهار میلیون بشکه نفت هم صادر می‌کرد. اما اگر به فرض بخواهد تولید نفت را به این سطح نیز برساند، اولاً توان فنی ندارد و افت فشار شدیدی که در مخازن نفتی وجود دارد؛ اجازه تولید در این سطح را نمی‌دهد. بنابراین باید چند هزار حلقه چاه بزنیم و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در حوزه استخراج نفت کنیم که سرمایه آن را نداریم و فعلاً هم سرمایه‌گذار خارجی حاضر به چنین کاری نخواهد بود یا باید حجم عظیمی از گاز را به مخازن نفتی تزریق کنیم که الان برای ما امکان‌پذیر نیست. اصولاً افزایش تولید نفت در یک افق هفت، هشت ساله امکان‌پذیر نخواهد بود. در عین حال رشد تقاضای نفت جهانی هم متوقف شده است. از طرف دیگر تقاضای داخلی برای نفت نیز در حال افزایش خواهد بود و ما هر سال بخش بزرگ‌تری از تولید نفتمان را باید

در داخل مصرف کنیم. ما در سال‌های گذشته در بهینه‌سازی مصرف انرژی ناتوان بودیم. بنابراین با این روند بخش بیشتری از تولید نفت را باید به تولید داخل اختصاص دهیم.

بنابراین با توجه به این شرایط باید چشم از بازارهای جهانی ببوشیم و طرحی نو دراندازیم. باید ببینیم با این ذخایر نفتی چه باید بکنیم که خود را در تعادل نگه داریم. یعنی باید وابستگی بخش‌های مختلف اقتصاد خود را به درآمد ارزی نفت کاهش دهیم و نفت را منحصر کنیم به نیازهای داخل، ولی در عوض ببینیم از نفت به چه طرق دیگری می‌توانیم استفاده کنیم. مثلاً توسعه پتروشیمی‌ها و صادرات مشتقات نفتی، یا تولید برق از نفت و صادرات برق، به این می‌گویید صادرات نفت با سیم و نظایر اینها.

با حجم عظیم بدهی‌های دولت به نظام بانکی، پیمانکاران، صندوق‌های بیمه و... و تعهدات پروژه‌های عمرانی ناتمام و نیز ساختار کنونی بودجه دولت؛ یعنی سهم بالایی هزینه‌ها و تعهدات جاری، اساساً کارکرد بودجه را چه می‌دانید؟ آیا سیاستگذاری مالی و اقتصادی دولت برای خروج از رکود، برای توسعه بلندمدت و تحقق اهداف سند چشم‌انداز معنا و وجهی خواهد داشت؟

این کاهش درآمد نفتی، باثبات خواهد بود. با صادرات ۴/۱ میلیون بشکه در روز دولت حداکثر ۲۵ میلیارد دلار درآمد نفتی خواهد داشت؛ یعنی معادل ۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد ریالی. درآمدهای مالیاتی دولت هم در خوشبینانه‌ترین حالت حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. پس این دو قلم درآمد اصلی دولت می‌شود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان. از سوی دیگر دولت ۴۵ هزار میلیارد تومان باید یارانه بدهد، ۸۰ هزار میلیارد تومان باید حقوق و دستمزد بدهد و ۲۵ هزار میلیارد تومان هم باید به صندوق‌های بیمه بازنشستگی برای پرداخت حقوق بازنشستگان کمک کند. پس ۱۵۰ هزار میلیارد تومان



تن بدهیم به آسیب‌پذیری تدریجی اقتصاد و پیامدهای آن.

این اقدام یکپارچه چه خواهد بود و چگونه می‌توان به دولت کمک کرد؟

اول اینکه تمام امکانات اقتصادی که در اختیار سایر قواست باید به پشتیبانی دولت بیاید؛ یعنی اول از همه نهادهای عمومی غیردولتی که در کنترل دولت نیست و سرمایه آنها به چند صد میلیارد دلار می‌رسد باید شروع کنند مالیاتشان را به دولت بپردازند. من در فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها حساب کردم و پیشنهاد کردم اصلاً فاز دوم را اجرا نکنند. چون معتقد بودم افزایش هزینه‌های تولید ناشی از افزایش قیمت انرژی یا موجب تورم می‌شود یا موجب تعمیق رکود و امروز طولانی شدن و تعمیق رکود را به دلیل اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها می‌دانم. در مقابل فهرست ۲۰ نهاد را به دولت دادم و نشان دادم که اگر این نهادها مالیات‌های خود را به دولت بپردازند کل کسری منابع دولت برای پرداخت یارانه‌ها جبران می‌شود. اما مسوولان گفتند که این فقره دست ما نیست. اینجاست که نظام سیاسی باید به کمک دولت بیاید. در هر صورت آنچه امروز در گروه‌های مختلف می‌بینیم حرکت یکپارچه در جهت موفقیت دولت نیست. در واقع همان‌گونه که وقتی جنگ نظامی داشتیم تمام قوای کشور در خدمت جنگ و گوش به فرمان فرماندهان نظامی بودند امروز نیز که در واقع جنگ اقتصادی داریم تمام قوای کشور باید در خدمت خروج اقتصاد از رکود و گوش به فرمان فرماندهان اقتصادی کشور باشند.

شما اشاره کردید به اینکه ما با عمیق‌تر شدن رکود مواجه شدیم. اما گزارش‌های اخیر بانک مرکزی از سه ماه و شش ماهه امسال نشان می‌دهد رشد اقتصادی داشته‌ایم. این به مفهوم خروج از رکود نیست؟

نیمه دوم سال ۹۲ رکود تعمیق شد. در ابتدای سال ۹۳ اندکی انجماد کاهش یافت. با ظرفیت‌هایی که داشتیم بسیار بیشتر از این می‌توانستیم اقتصاد را رشد دهیم. بین سه تا پنج درصد از رشد سالانه کشور ما طبیعی است خروج از رکود محسوب نمی‌شود چون سالانه حدود پنج درصد بر جمعیت نیروی کار ما افزوده می‌شود؛ یعنی اگر دولت هیچ اقدامی نکند، هیچ تسهیلاتی ندهد و بگذارد اقتصاد کار خود را انجام دهد، به طور طبیعی با رشد سالانه پنج درصدی نیروی کار باید پنج درصد رشد اقتصادی داشته باشیم. پس رشد اعلام شده الزام ناشی از سیاست‌های خروج از رکود نیست. ما با همین ظرفیت‌های موجود در کشور تا دو برابر حال حاضر می‌توانیم اشتغال ایجاد کنیم. شهرک‌های صنعتی با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند؛ یعنی اگر با صد درصد کار کنند اشتغال در شهرک‌ها سه برابر می‌شود. ولی بازسازی این ظرفیت‌ها نیازمند بهبود فضای کسب و کار و ثبات شرایط سیاسی است. شکست دولت یازدهم، شکست آقای روحانی نیست، شکست آخرین فرصت‌های ملی ماست. فرصت دیگری برای آزمون و خطا نداریم. من به رغم اینکه با برخی از سیاست‌های دولت یازدهم موافق نیستم و به بازی نگرفتن طیف گسترده صاحب‌نظران و اقتصاددانان برای نجات اقتصاد را نقطه ضعف دولت می‌دانم ولی معتقدم باید تلاش کنیم این دولت موفق شود.

همین سه تعهد دولت هزینه دربردارد. پس کل درآمد نفتی و مالیاتی دولت می‌رود بابت حقوق و یارانه. پس دیگر دولت در ایران حتی نمی‌تواند اگر آسفالت جاده‌ای کنده می‌شود، درست کند یا یک پل احداث کند. بنابراین سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صفر می‌رسد. به فرض اگر با عربستان هم روابط را بهبود ببخشیم و این کشور را به کاهش تولید و عرضه نفت متقاعد کنیم، حداکثر نفت به ۶۰ دلار خواهد رسید. این یعنی درآمد دولت از محل درآمد نفت نهایتاً به ۱۵ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد که باز هم چیزی تغییر نمی‌کند. بنابراین اتفاقات جاری بازار نفت به مفهوم پایان مدیریت دولت در عرصه توسعه است. حالا دولت برای شش میلیون بیکار چه می‌خواهد بکند؟ با هزاران پروژه ناتمام که اتمام آنها حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهد، چه می‌کند؟ دولت با سالی یک میلیون متقاضی کار جدید چه می‌کند؟ با بحران آب و بحران زیست‌محیطی چه خواهد کرد؟ با ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی معوقه به بخش خصوصی که بخش خصوصی را زمین‌گیر کرده می‌خواهد چه کند؟ با صدها هزار واحد ناتمام مسکن مهر که اتمام آنها ۱۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهد چه کند؟ بنابراین اگر دولت بتواند شرایط را به گونه‌ای مدیریت کند که این مشکلات به بحران تبدیل نشوند خودش یک شاهکار است و باید دستش را بوسید.

به نظر می‌رسد به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دیگر دولت به تنهایی هیچ کاری نمی‌تواند بکند. در این نقطه دولت در واقع تبدیل می‌شود به صندوق پرداخت حقوق و دستمزد. یا باید تن دهیم به سقوط اقتصادی و زمین‌ماندن تمام پروژه‌هایی که در سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری شده، یعنی تورم‌ش را ایجاد کرده و تولیدی ایجاد نکرده است، یا اینکه نظام سیاسی باید یکپارچه و متحد برای نجات کشور به کمک دولت بیاید؛ یعنی باید انتخاب کنیم بین قیام یکپارچه برای کمک به دولت و اصلاح ساختارها و حذف رانت‌ها و درمان فسادها، یا



در افتتاحیه اولین کنفرانس بلندمرتبه‌سازی عنوان شد:

فضای نظری بلندمرتبه‌سازی مه‌آلود است



را ساختمان رفیع بدانیم، سابقه بلندمرتبه‌سازی در سرزمین ما بسیار طولانی است. کاخ فیروزآباد در فارس یکی از این نمونه‌ها است. مهندس بهشتی بیان کرد: راه این است که از تمام ظرفیت‌ها بهره بگیریم و از تمام مشکلات آگاه شویم. باید در پرتو نور، وارد بحث‌های بلندمرتبه‌سازی شویم. آن نور ورود به مباحث نظری است.

دکتر حناچی معاون معماری و شهرسازی وزیر راه و شهرسازی، گفت: اما بررسی چالش‌هایی که مرتبط با بلندمرتبه‌سازی وجود دارد ضروری است. وی ادامه داد: فضایی که منافع شهروندان را در نظر نگیرد پایدار نیست. ما ناگزیریم بین ۳ حوزه مردم، مسئولان و سرمایه‌گذاران ارتباطی سالم به وجود آوریم و در این میان وقتی حقوق شهروندی را در نظر بگیریم فضای به وجود آمده نامتعادل می‌شود. دکتر حناچی اعلام کرد: اصلی‌ترین وظیفه ما مدیریت خردمندانه فضای سرزمین است که تمام عرصه‌های کشور را در بر می‌گیرد و فقط با مطالعه انجام می‌گیرد. باید در این مطالعات از مزیت‌ها و فرصت‌هایی که شهرها در اختیار ما قرار می‌دهند استفاده کنیم.

وی ادامه داد: شهرها گسترش پیدا می‌کنند و زمین ارزش پیدا می‌کند؛ امکان بازتولید زمین نیز وجود ندارد؛ از همین رو باید به طور خردمندانه شهر را توسعه داد. این جاست که استفاده بهینه از زمین مطرح می‌شود. بلندمرتبه‌سازی در مناطق کم جمعیت کم‌تر مطرح می‌شود اما در شهرهای پر جمعیت این موضوع قابل توجه خواهد بود. دکتر حناچی عنوان کرد: به طور طبیعی و پیرو مدیریت خردمندانه، همه عرصه‌های شهر قابلیت بارگذاری بلندمرتبه‌ها را ندارند و مسبب این مسئله دلایلی همچون ترافیک است. وی عنوان کرد: اگر به درستی پدیده بلندمرتبه‌سازی را شناسایی نکنیم ممکن است در دراز مدت

اولین کنفرانس مقدماتی بلندمرتبه‌سازی در ایران با حمایت وزارت راه و شهرسازی با هدف بررسی چالش‌های پیش‌روی بلندمرتبه‌سازی در ایران و آرایه توانمندی‌های مهندسی کشور و بهره‌مندی از اندیشه‌های صاحب‌نظران، مدیران بخش‌های دولتی و خصوصی، استادان دانشگاه و دیگر دست‌اندرکاران این حوزه در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه ۱۹، ۲۰ و ۲۱ دیماه سال ۹۳ در سالن همایش‌های بین‌المللی برج میلاد برگزار شد.

مهندس سید محمد بهشتی دبیر این کنفرانس و رییس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بیان کرد: این کنفرانس که توسط موسسه رسایش و با حمایت وزارت راه و شهرسازی صورت گرفته است یک حادثه مهم است. در دنیا بلندمرتبه‌سازی را راه حلی برای صرفه‌جویی در زمین می‌دانند اما در ایران اینچنین نیست. از سوی دیگر شاهد هستیم که بلندمرتبه‌ها در ایران برای فضاهای شهری جای تنفس نگذاشته‌اند. وی ادامه داد: بلندمرتبه‌سازی در دنیا برای ارزان تمام شدن ساخت و ساز صورت می‌گیرد اما در ایران شاهد هستیم که اینچنین نیست و ساخت بلندمرتبه‌ها گران‌تر تمام می‌شود. وقتی از مناظر مختلف نگاه کنیم می‌بینیم در زمینه ساخت بلندمرتبه‌ها فضای نظری، مه‌آلود وجود دارد. مهندس بهشتی تصریح کرد: امروزه شاهد هجوم موضوع بلندمرتبه‌سازی هستیم که متأسفانه در فضایی مه‌آلود این اتفاق رخ داده است. از یک سو شاهد آرایشی نسبت به این پدیده هستیم که این پدیده را حرام می‌دانند و مغایر با سنت‌های شهرسازی می‌دانند. از سوی دیگر شاهد هستیم که ساخت بلندمرتبه‌ها با شیوه‌های غلط صورت می‌گیرد. وی سابقه ایران در ساخت بلندمرتبه‌ها را طولانی دانست و گفت: اگر بلندمرتبه‌ها

مدینه یا یک شهر چه ویژگی خاصی داشته است. مبنای اتفاقاتی که در یک شهر رخ می‌دهد یک نوع عقلانیت است. شهر معنای خاص و متمایزی نسبت به طوایف دارد. شهر یک هویت خاص دارد.

وی ادامه داد: در این میان مسئله حقوق متقابل بین جامعه و فرد مطرح می‌شود. برای نمونه قوانینی وضع می‌شود که امنیت شهر را حفظ می‌کند. در این میان حتی اگر حقوق افراد در خطر باشد باز هم حقوق مدنی ارجح است. مسجد جامعی عنوان کرد: مدنیت شامل مجموعه قوانینی است که به اسم حقوق شهروندی آن را می‌شناسیم. اگر این قاعده را مبنا قرار دهیم شهر می‌تواند از هر نوع صورت و یا تکنولوژی خاصی برخوردار باشد که البته این موضوع به شهروندان و اقتضای زمانه بستگی دارد. وی بیان کرد: حقوق شهروندی تا آنجا ارزشمند است که دیگران آسیب نبینند. آنچه امروزه به نام بلندمرتبه‌سازی وجود دارد باید به رعایت حقوق شهروندان و ساکنان در برج‌ها پردازد اما در حال حاضر حتی تعریف مورد وفاقی در مورد بلندمرتبه‌سازی وجود ندارد.

دکتر منوچهر شیبانی اصل، بیان کرد: پدیده بلندمرتبه‌سازی به دلیل مسایل بین رشته‌ای از اهمیت زیادی برخوردار بوده که البته ابعاد فرهنگی نیز در آن دخیل است و باید مورد توجه قرار بگیرد. وی افزود: باید ۳ محور را مورد نظر قرار دهیم؛ اول بحث توسعه مهندسی، دوم حقوق شهروندی و سوم قوانین و ضوابط مربوط به بلندمرتبه‌سازی در تهران است.

دکتر شیبانی اصل، ادامه داد: باید با توجه به تفکر سیستمی و فارغ از جزیره‌گرایی و جزبی‌گرایی به صورت جامع و کلی پدیده بلندمرتبه‌سازی را بررسی کنیم که یکی از مباحث اولیه آن، تعریف است؛ باید در ابتدا به تعریفی جامع از بلندمرتبه‌سازی دست پیدا کنیم. وی به بحث توسعه مهندسی اشاره کرد و افزود: مکان‌یابی صحیح الزامات اقتصادی و

شرایط تهدیدآمیزی را برای شهروندان شکل بگیرد. دکتر حناچی افزود: ما همه عرصه شهر را درگیر بلندمرتبه‌سازی کرده‌ایم. بی‌توجهی به موضوع بلندمرتبه‌سازی عارضه‌هایی را به وجود می‌آورد. مثل مجوزهایی که به طور مداوم و همیشگی برای ساختمان‌های همسایه خود مزاحمت ایجاد می‌کنند. وی عنوان کرد: در این چند روز باید به این سوال جواب دهیم که چگونه بین جنبه‌های مختلف بلندمرتبه‌سازی تعادل ایجاد کنیم؛ هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند با بلندمرتبه‌سازی مخالف باشد مگر آنکه بلندمرتبه‌سازی با مکانیزم اصولی خودش همراه نباشد. دکتر حناچی گفت: امیدوارم یکی از خروجی‌های این کنفرانس سند راهبردی باشد تا ما برای تدوین ضوابط بلندمرتبه‌سازی بدانیم که به چه موضوعاتی باید به طور جدی توجه کنیم.

احمد مسجدجامعی دبیر کارگروه حقوق شهروندی اولین کنفرانس بلندمرتبه‌سازی و عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز گفت: بخش اعظم مسائل بلندمرتبه‌سازی به حقوق ساکنانش برمی‌گردد. باید به مسایل مختلف مرتبط با حقوق شهروندان دقت کرد و آن را مورد بررسی قرار داد و اساس این بررسی عقلانیت است. امروزه تعاریف روشنی در مورد بلندمرتبه‌سازی وجود ندارد و ساخت بلندمرتبه‌ها در ایران نه تنها گرهی را باز نکرده بلکه به مشکلات امروزه در حوزه بلندمرتبه‌ها دامن زده است. وی اضافه کرد: تمام این مسئله نیازمند بررسی است و بسیار خوشحال هستم که جمعیت متخصصان، مهندسان، مسؤولان و فعالان اقدام به برگزاری این کنفرانس کرده‌اند اما جای یک گروه خالی است که این گروه انجمن‌های متخصصان هستند که باید به مدیران در به وجود آوردن فضایی مناسب یاری برسانند و همچنین مشکلات را گوشزد کنند. وی ادامه داد: آنچه منشأ شکل‌گیری شهر می‌شود مسئله عقلانیت است. کاربرد کلمه شهر در سخنان رسول اکرم نیز به شکلی خاص جلوه پیدا کرده است. مسجدجامعی گفت: چرا شأن پیامبر به عنوان شهر علم بیان شده است. چرا از لغتی دیگر استفاده نشده.





وی اضافه کرد: انتظار اینکه در طی چند روز به نتیجه برسیم نباید وجود داشته باشد بلکه باید طرح سوال کنیم تا در کنفرانس سال آینده بتوانیم به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم.

دیگر بحثی که در اجرای این همایش حایز اهمیت به شمار می‌رود موضوع بررسی از جنبه‌های مختلفی مثل کارگروه‌های شهرسازی، کارگروه معماری، کارگروه حقوق شهروندی و... است که امیدواریم گفت‌وگوها به شکل دقیقی پیش برود. دکتر ایزدی ادامه داد: باید در ابتدا به این پرسش پاسخ داد که آیا تک تک کارگروه‌ها که به راه حل می‌رسند می‌توانند به نتیجه مطلوب برسند. در همین رابطه لازم است که گفت‌وگوی کارگروه‌ها با یکدیگر تلفیق شوند تا در نهایت بتوانیم یک هم‌اندیشی را به وجود آوریم و در نهایت بیانیه نهایی را منتشر سازیم.

وی افزود: این کنفرانس می‌تواند یکی از چالش‌های بزرگ در ایران را مورد بررسی قرار دهد که در این میان دولت، دانشگاه‌ها، حرفه‌مندا و فعالان دیگر می‌توانند از یافته‌های این هم‌اندیشی بهره‌بردار شوند.

دکتر ایزدی گفت: در نهایت باید به این پرسش پاسخ بگوییم که آیا بلندمرتبه‌سازی یک راه حل است و یا باید آن را به عنوان یک چالش بزرگ شناخت. فکر می‌کنم در تک تک عرصه‌ها باید بلندمرتبه‌سازی را آسیب‌شناسی کنیم.

در ادامه برنامه‌های روز اول کنفرانس نشست‌های تخصصی زیادی برگزار شد از جمله نشست تخصصی کارگروه، نشست کارگروه ساخت و ساز پایدار، نشست تخصصی سازه، مطالع موردی شهرک مسکونی چیتگر شهرکی بلندمرتبه متناسب با نیاز ساکنان، مطالعه موردی بررسی اهمیت پایش و مونیتورینگ در گودبرداری‌ها و بررسی تأثیر سیستم میکروپایل بر تقویت فونداسیون‌ها، مطالعه موردی بررسی سند راهبردی برج میلاد و نشست تخصصی کارگروه بلندمرتبه‌سازی سازمان نظام مهندس ساختمان استان تهران. نشست تخصصی

اجتماعی بلندمرتبه‌ها است. علاوه بر مکان‌یابی رعایت ضوابط شهرسازی نیز بسیار حایز اهمیت است. شیبانی اصل گفت: مشکل مدیریت مهندسی را به طور برجسته در مدیریت زمان و مدیریت هزینه مشاهده می‌کنیم. همه این‌ها دست به دست هم می‌دهند تا ما مدیریت مهندسی ساختمان را به عنوان یک ضرورت مطرح کنیم. وی بیان کرد: دومین ضرورتی که باید به آن پرداخته شود HSE است (ایمنی، بهداشت و محیط زیست)؛ همانطور که می‌دانید در مبحث ایمنی بیشترین حوادث ناشی از کار در بخش ساختمان بوده است.



دکتر شیبانی اصل، عنوان کرد: قانون تملک آپارتمان‌ها که تصویب آن به دهه ۴۰ باز می‌گردد. امروزه به دلیل ظرفیت پایین آن قابلیت اجرایی ندارد بنابراین باید این قانون و قانون‌های مشابه آن را با توجه به مکان و زمان، به روزرسانی کنیم یا

قوانین تکمیلی را ارائه دهیم. وی گفت: نگهداری و بهره‌برداری یکی دیگر از ابعاد مهم بلندمرتبه‌سازی است که باید به طور جدی به آن پرداخته شود به نحوی که گواهی صلاحیت نگهداری و بهره‌برداری برای ورود به حرفه مهندسان شاغل، صادر می‌شود و به زودی بخش‌نامه آن ابلاغ می‌شود.

دکتر محمدسعید ایزدی، دبیر شورای راهبردی اولین کنفرانس بلندمرتبه‌سازی و معاون وزیر و راه شهرسازی مدیرعامل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری معاون وزیر راه و شهرسازی بیان کرد: دوستان به بحث‌های مختلفی اشاره کردند اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت شیوه اجرایی این همایش است که به شکلی درست صورت گرفته و طی آن خود را برای کنفرانس سال آینده آماده خواهیم کرد. ما قرار است در این نشست‌ها به چالش‌ها توجه داشته باشیم و بیشتر قصد داریم به طرح سوالات بپردازیم.



کارگروه قوانین و مقررات، مطالعه موردی بلندمرتبه سازی شیوه‌ای مناسب برای استفاده از زمین‌های ارزشمند شهری، مطالعه موردی طراحی ایمن در برابر زلزله و دستیابی به مشخصه‌های فیزیک ساختمان در آیین‌نامه‌ها با دیوار خشک، مطالعه موردی نظام جامع راهبردی طرح‌های بلندمرتبه سازی، مطالعه موردی سیستم‌های نوین قالب‌بندی و اجزای سازه‌های بتنی، مطالعه موردی مهندسی بازاریابی و فروش حلقه مفقود صنعت ساختمان و نشست تخصصی کارگروه نگهداری و بهره‌برداری.

دکتر مظاهریان با حضور در این کنفرانس و مشاهده میزان استقبال از نشست‌های تخصصی و کارگروه‌های موردکاوی این کنفرانس حمایت معاونت امور مسکن و ساختمان

وزارت راه و شهرسازی از برگزاری دومین کنفرانس بلندمرتبه سازی که سال آینده برگزار خواهد شد را به طور رسمی اعلام کرد.

مراسم اختتامیه اولین کنفرانس بلندمرتبه سازی ۲۱ دی ۹۳ در سالن اصلی همایش‌های برج میلاد تهران برگزار شد. این مراسم با حضور تعداد از مسئولان وزارت راه و شهرسازی و عضو شورای شهر تهران برگزار شد. این مراسم که با حضور مهندس سید محمد بهشتی رییس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دبیر کنفرانس، دکتر پیروز حناچی معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، دکتر محمدسعید ایزدی معاون وزیر راه و شهرسازی، مدیرعامل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری و دبیر شورای راهبردی و تلفیق کنفرانس، دکتر رضا مکنون رییس دفتر توسعه پایدار دانشگاه امیرکبیر و دبیر کارگروه ساخت و ساز پایدار و مهندس شادمهر راستین دبیر اجرایی کنفرانس به سخنرانی پرداختند و سفیر کشور کومور از مهمانان ویژه این مراسم بود.

مهندس بهشتی دبیر کنفرانس در ابتدای این مراسم گفت: از حضار تشکر می‌کنم و از دوستان در کارگروه‌ها که کار بسیار فشرده‌ای انجام دادن از زوایای مختلف به موضوع بلندمرتبه سازی پرداختند. این مسایل مقدمه است و در واقع طرح موضوعی در طول این سه روز صورت گرفت تا برای سال ۲۰۱۶ آماده شویم. امیدواریم در این یک سال شاهد کارهای جدی باشیم و امیدواریم سال آینده کنفرانس پرباری داشته باشیم تا برای همه مراجع تصمیم‌گیری بتواند سندی راهگشا باشد تا این که بتوانیم بهتر تصمیم‌گیری کنیم.

وی ادامه داد: بحث‌های خیلی خوبی در این کارگاه‌ها شده بود، اما یک سری از جنبه‌های موضوع (نرم‌افزاری) جای کار دارد. این جنبه‌ها بیش‌تر مباحث فرهنگی و اجتماعی است. بد نبود اگر تعاریف ساختمان‌های بلند را از مناظر مختلف همانند معماری شهری، ایمنی، فرهنگی، اجتماعی و... بررسی می‌کردیم. دبیر اولین کنفرانس بلندمرتبه سازی تاکید کرد: نکته‌ای که باید در روز اول می‌گفتیم اصطلاح بلندمرتبه است. چون در ادبیات بلندمرتبه را به شرافت می‌شناسند. در حالی که وقتی ساختمان بلند را می‌گوییم، شرافت را مد نظر قرار نداده‌ایم. ساختمان‌های کوتاه هم می‌توانند شریف باشند. به سهم خودم تشکر می‌کنم همه با جدیت این

کنفرانس را برگزار کردند. از دانشجویان تشکر می‌کنم که از این فرصت استفاده کردند. آینده مربوط به دانشجویان است. خوب است که تجربیات غلط نسل ما مایه عبرت دانشجویان جدید باشد. امیدوارم برگزارکنندگان این کنفرانس را محتوای قانع کننده تا سال آینده پیش ببرند.

سپس دکتر پیروز حناچی معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی پیام دکتر عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی را قرائت کرد. پیام دکتر آخوندی به این شرح است: در تمامی فعالیت‌های فنی حضور مهندسان و متخصصان با در نظر گرفتن آسایش و رضایتمندی مردم با اندیشه‌های ژرف نگری امری ضروری است و هم‌اندیشی صاحب‌نظران، اساتید دانشگاهی، سیاست‌گذاران و مدیران و مسئولان کشوری در چنین کنفرانس‌هایی در جامعه برای دستیابی به راهبردی کارآمد می‌تواند چراغ راه رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار باشد. از این رو، فناوری بلندمرتبه سازی علیرغم آنکه بیش از نیم قرن از حضورش در صنعت ساختمان کشور می‌گذرد بدون پژوهش و مطالعات بنیادین دچار چالش‌هایی شده که امروز شاهد آن هستیم. حضور شما کارشناسان در تمامی رشته‌ها قطعا به شناخت و درک موضوعی و همه جانبه این پدیده میان رشته‌ای خواهد انجامید. تنظیم و تدوین آیین‌نامه‌ها، مقررات و ضوابط اجرایی و نظارتی منطبق با یک سند راهبردی مبتنی بر طرح‌های توسعه و عمران شهری می‌تواند مبنای تفکری و رفتاری جامعه مهندسان سرمایه‌گذاران و حتی بهره‌برداران در مقوله بلندمرتبه سازی باشد و ضرورت توجه اصول توسعه پایدار ارجحیت دادن به کیفیت افزایش طول عمر بنا و اقتصادی بودن پروژه‌های بلندمرتبه سازی آینده‌ای روشن و کارآمدی را برای این فناوری که منطبق با فرهنگ اجتماعی و هویت تاریخی ایرانیان باشد، مهیا می‌سازد. همچنین رعایت حقوق شهروندی در تمامی سطوح قبل، همزمان و بعد از بهره‌برداری از پروژه‌های بلندمرتبه سازی از چنان ضرورتی برخوردار است که رعایت این نکته می‌تواند الگویی مناسب برای دیگر فعالیت‌های عمرانی در کشور محسوب شود. توسعه مهندسی بدون ارتقای سطح دانش تخصصی، انتقال تجربه و ارتباط سازمانی و ارتباطات بین‌المللی تخصصی و بدنه کارشناسی کشور مهیا نمی‌شود و ضرورت توجه به مدیریت پروژه به عنوان شاخه‌ای حایز اهمیت در نظام مهندسی

کشور از دیگر نکاتی است که در تدوین سند راهبردی بلندمرتبه‌سازی باید مورد توجه قرار بگیرد. در پایان قانون‌گرایی اصل بدون تغییر مناسبات حرفه‌ای در حوزه بلندمرتبه‌سازی است و همه ما بدون استثنا در رعایت مقررات و آیین نامه و ضوابط ساخت و ساز در امر بلندمرتبه‌سازی موظف و مسئول هستیم. امید است نتایج حاصله از این کنفرانس که در کارگروه‌های تخصصی برگزار شده است، منجر به رفاه و حل مشکلات اقشار مختلف مردم شود و به افزایش توانمندی مهندسان کمک کند. دکتر حناچی در ادامه اظهار داشت: در افتتاحیه مطالبی اشاره کردم که در سند راهبردی منظور شده است. امیدوارم نتیجه این کنفرانس سند قابل قبولی برای کمیسیون ماده ۵ در نظر گرفته شود. امیدواریم از تجربیاتی که در گذشته داشتیم، درس بگیریم و آینده روشن‌تری بسازیم. دکتر محمدسعید ایزدی معاون وزیر راه و شهرسازی و دبیر شورای راهبردی و کارگروه تلفیق به عنوان دیگر سخنران اختتامیه گفت: تشکر می‌کنم از حضور فعال همه فعالان همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد مباحثی به طور مفصل اشاره شد. در کارگروه‌ها بیانیه‌ای جداگانه بیان شد. پیشنهادات خوبی مطرح شده است. پزل زیست محیطی، طراحی شهری، از جمله پیشنهادهایی است که به آنها پرداخته خواهد شد. فزاینده‌ای از کارگروه‌ها را باید مورد نظر قرار داد. چون فکر می‌کنم جمع‌بندی خوبی صورت گرفته است.

وی تاکید کرد: حقوق شهروندی، باید قالب‌های مختلفی برای آن مورد بررسی قرار گیرد. در این کارگروه توجه به حقوق متقابل سازندگان و ساکنان مورد توجه قرار بگیرد. در مورد راهکارهای پیشنهادی نبود قوانین اعلام کرده‌اند که تهیه لویای قانونی را یکی از راه‌کارها در نظر گرفته‌اند. خوشبختانه مباحث بسیار خوبی در این کارگروه مطرح شد که به آینده‌نگری پرداخته شده است. ژئوتکنیک نیز اشاره به الزامات این

رشته داشته‌اند. الزام به طراحی دقیق و اجرای صحیح گودبرداری نیز از دیگر مباحثی بود که در این کارگروه مطرح شد. کارگروه قوانین و مقررات نیز به نکات جالبی اشاره کرده‌اند. بررسی قوانین پیش‌فروش و اصلاح قانون مالیات انبوه‌سازان از مواردی بود که در این کارگروه اشاره شد و راهکارهای خوبی نیز در این باره مطرح شد.

دکتر ایزدی ادامه داد: در کارگروه اقتصاد اجرای مطالعات فرصت و تدوین مفهوم برند و فرآیند صحیح برنامه‌سازی نیز از جمله مهم‌ترین مباحثی بود که در این کارگروه عنوان شد. توجه‌های بسیار خوبی نیز در کارگروه سازه مطرح شد، از آن جمله می‌توان به ضوابط مربوط به زلزله اشاره کرد. به طوری که به مناطق نزدیک گسل اشاره کردند و در پایان صنعتی‌سازی را به عنوان روش خوبی برای بلندمرتبه‌سازی معرفی کردند. رابطه میان انسان، اقلیم و شهر از جمله مسایل مهمی بود که در کارگروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی مطرح شد که رکن اصلی را بر پایه انسان قرار داده‌اند. بنابراین پیش از هر گونه طراحی و اجرا باید به مطالعات اجتماعی پرداخته شود.

دبیر کارگروه تلفیق یادآور شد: یکی دیگر از نکاتی که در این کارگروه جالب توجه بود. وابستگی بلندمرتبه‌سازی به هویت ساکنان و مردم منطقه است. کارگروه شهرسازی بلندمرتبه‌سازی را از ابزارهای مدرن در رابطه با توسعه شهری می‌داند. شیوه زندگی طبقات مختلف نیز از مباحثی بود که در این کارگروه مطرح شد. یکی از راهکارهای اصلاح بلندمرتبه‌سازی در کارگروه شهرسازی تقلیل وابستگی شهرداری به درآمدهای حاصل از ساختمان‌سازی بوده است. مشارکت مردم و مسئولیت‌پذیری مسئولان نیز از دیگر راهکارهایی بود که در کارگروه شهرسازی مطرح شد. همان‌طور که گزارش شده است، به نظر می‌رسد که ایجاد گفت‌وگو در این کنفرانس ضروری بوده است که امیدواریم از تلفیق این گفت‌وگوها بتوانیم سندی را تدوین کنیم. وقتی به مباحثی مثل مکان‌یابی می‌پردازیم، با یک مقیاس بزرگ روبه‌رو هستیم. همچنین باید به بررسی طراحی شهری و فناوری‌های مربوط به بلندمرتبه‌سازی نیز بپردازیم. متأسفانه در طراحی شهری غفلت کرده‌ایم. بدون شک شروع بسیار خوبی در این کنفرانس داشته‌ایم و از همه کسانی که بحث‌های مختلفی را مورد توجه قرار داده‌اند، تشکر می‌کنیم و از متخصصان می‌خواهیم که پیشنهادات خود را به دبیرخانه ارایه دهند تا بتوانیم سندی را تهیه کنیم. امیدواریم، در وزارت راه و شهرسازی بتوانیم از یافته‌های این کنفرانس به درستی استفاده نماییم.

مهندس راستین دبیر اجرایی کنفرانس نیز درباره برگزاری این گردهمایی گفت: چشم‌انداز وزارتخانه این است که این پدیده میان رشته‌ای به تهیه و تدوین یک سند بینجامد. ما در عصر میان رشته‌ای پدیده‌ها قرار داریم و بحث تخصصی تا حال به خوبی صورت نگرفته است. ما در حال حاضر گفت‌وگو درباره یک پدیده را که به نتیجه برسد را کم داشتیم. مقوله‌های زیادی داریم که به صورت جداگانه برای آنها به دنبال راهکار هستیم. در کنار انتقادهایی که بیان می‌شود، چه خوب است که این انتقادات تدوین سند راهبردی را به جلو ببرد.



در برخی از پزل‌های این کنفرانس شرکت‌کنندگان درخواست داشتند، بخش عمده‌ای از زمان پزل را به پرسش و پاسخ اختصاص دهند که خیلی خوب بود و امید است دبیرخانه حداقل برای یک سال شکل قانونی داشته باشد. وی یادآور شد: از سوی شرکت‌کنندگان و علاقمندان درخواست شده است این کنفرانس به شکل منضبط و مداوم برگزار شود. یکی دیگر از مزایای مهم این کنفرانس این بود که بیش‌تر شرکت‌های خصوصی حاضر در کنفرانس سعی کردند به گفته‌های خود بار علمی اضافه‌کننده تا تبلیغی که این برای من بسیار خوشحال‌کننده بود. من از اساتید و موسسه رسایش تشکر می‌کنم که فعالیت‌های اجرایی این کنفرانس را برعهده داشتند. امید است که دبیرخانه این کنفرانس از همین هفته کار خود را آغاز کند و ما به سمت دومین کنفرانس برویم. امید است فرصتی که در حوزه صنعت ساختمان طراحی تا بهره‌برداری و فروش ایجاد شده است، تداوم داشته باشد.

آسیب نبینند، مکان یابی و مکان سنجی است. پیامدهای اجتماعی نیز در مرحله بعد قرار می گیرد و اگر اقدامات در زمینه ساخت و ساز اصولی نباشد، پیامدهای منفی اجتماعی دامنگیر زندگی شهروندان می شود. الگوسازی یکی از مباحثی است که پیش از شهرسازی باید در نظر گرفته شود. بحث



خشک شدن زاینده رود ناشی از درک نکردن طبیعت بود که دامن شهروندان را گرفت. پیشنهاد من این است که باید دانشگاهیان مراکز علمی، شرکت ها و در یکسال آینده گروه ها و اتاق های فکر را ادامه دهند. حتی شرکت های به تنهایی می توانند چنین اتاق های فکری را تشکیل دهند. تا سال آینده در این کنفرانس، پیشنهاد های پخته تری داشته باشند. باید نشست ها را به صورت مجازی و گسترده در دانشگاه ها پخش کرد. باید در نهایت ارتباط دانشگاه و صنعت را نزدیک تر کنیم. در پایان این مراسم از ۱۳ دبیر کارگروه های مختلف کنفرانس تقدیر به عمل آمد. هم چنین از ۶ حامی مالی کنفرانس تقدیر صورت گرفت. از مهندسان بهشتی، دکتر حناچی و دکتر ایزدی نیز تقدیر شد و به همه این افراد تندیس کنفرانس تقدیم شد.

در ادامه مراسم بیانیه اولین کنفرانس بلندمرتبه سازی قرائت شد.

سپس دکتر مکنون به بیان مطالبی درباره موضوع بلندمرتبه سازی و آبرسانی در کشور پرداخت. دکتر مکنون گفت: این کنفرانس ظاهری مثل یک اتاق فکر داشت که امیدواریم این اتفاق تسری پیدا کند تا بتوانیم در فضایی

بازتر برنامه های را ارایه دهیم. همان طور که در جمع بندی اشاره شد، توسعه یک سیستم پیچیده است که می تواند پیامدهایی مثبت و منفی داشته باشد که شناخت ما می تواند تاثیر مثبتی بر این موضوع بگذارد. چندان نمی شود در برخی از مسایل به جنگ طبیعت رفت، بلکه باید به طور عمیق به شناخت برسیم. آیا تغییر و تحولات توانسته است، زندگی ما را بهتر کند. بنابراین باید توجه عمیقی به اقدامات خود داشته باشیم. ما باید به بسترهای طبیعی توجه خاصی داشته باشیم و سپس اقدام به تغییر تحولات کنیم.

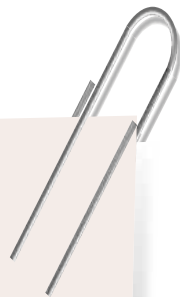
وی ادامه داد: پس از فراهم آوردن زیرساخت ها باید کاربری ها را مشخص کنیم. به نحوی که یک ساختمان چند سال می تواند مسکونی باشد و چند سال تجاری. اینها موضوعاتی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. سریع ترین راه برای این که بسترهای طبیعی

نام و نام خانوادگی:
شماره:
سمت:
نشانی و تلفن تماس:

جهت آبونمان مجله با واریز مبلغ ۴۵۰۰۰۰ ریال برای اشتراک یک ساله به حساب جاری ۴۲۹۱۰ بانک تجارت شعبه حافظ جنوبی کد ۱۱۰ به نام انجمن شرکتهای ساختمانی به انضمام برگ اشتراک به نشانی: تهران، خیابان طالقانی، جنب سینما فلسطین، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۸، انجمن شرکتهای ساختمانی ارسال و یا از طریق فاکس ۶۶۴۶۴۰۸۴ اقدام نمایید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن های: ۶۶۹۷۱۴۰۰ - ۶۶۴۶۴۲۶۱ امور مشترکین مجله پیام آبادگران تماس حاصل فرمایید.

فرم اشتراک
مجله پیام آبادگران



آیین نامه مهندسی سازه تدوین می شود



است را تدوین خواهیم نمود و تدوین یک آیین نامه تخصصی در حوزه سازه را تا پایان سال آغاز خواهیم نمود و از همه علاقمندان و متخصصان تقاضای همکاری داریم. ایشان با ذکر برخی مشکلات مهندسی سازه کشور به لزوم اعتلای مهندسی سازه پرداختند و افزودند، در حال حاضر سازه های کشور غالباً گران ساخته می شود و هزینه های زیادی را در عین حالی که زمان بسیار زیادی صرف اتمام آن می شود به کارفرما تحمیل می کند. آقای دکتر هوئی مشکل دیگر سازه ها را عدم بهره مندی از معماری سازه و زیبایی سازه ای عنوان نمودند و اضافه کردند، زیبایی و هنرمندی در مهندسی سازه موضوعی جدا از معماری داخلی و مفهوم مرسوم معماری است و باید دقت کنیم که یک سازه مانند پل، ساختمان، برج مخابراتی و غیره که دهها و بلکه صدها سال قرار است در کنار انسانها و نسل های مختلف پابرجا باشد و به انسان های اطراف روحیه بدهند، و علیرغم حجم و بزرگی آن در عین حال نباید خشن باشند. ایشان ضعف دیگر مهندسی سازه اعم از طرح و اجرا در کشور را بهره گیری نامناسب

در سطح شهرستانها اشاره کردند و در ادامه در خصوص تصمیم هیأت مدیره به ایجاد بانک اطلاعاتی مهندسی سازه در آینده ای نزدیک توضیحاتی ارائه دادند. وی اضافه کرد انجمن ها نباید وابسته به دولت ها باشند و باید روی پای خود بایستند و باید با تولید محصولات علمی و پژوهشی خدماتشان را در چهارچوب قوانین کشور در سطح ملی و بین المللی توسعه دهند.



آقای دکتر هوئی سپس به یکی از کارهای مهم دیگری (که انجام خواهد شد) اشاره کردند و افزودند آن شالیه با لطف خدای متعال و یاری اعضای انجمن و متخصصین کشور، بخشی از آیین نامه های تخصصی و مورد نیاز کشور که از وظایف اصلی انجمن ها

همایش ملی مهندسی سازه ایران توسط انجمن مهندسی سازه ایران طی روزهای ۲۱ و ۲۲ دی ماه در محل هتل المپیک برگزار شد. در این همایش دانشجویان، مهندسان کشور، دستگاه های اجرایی مانند وزارت راه و شهرسازی، شهرداری ها، استانداری ها، نمایندگان نظام مهندسی ساختمان، نظام کاردانی ساختمان و سایر دست اندرکاران حوزه ساخت و ساز شرکت کردند. ابتدا آقای دکتر هوئی رئیس محترم انجمن مهندسی سازه ایران پس از عرض خیر مقدم بخاطر تأخیر در برگزاری و جایجایی تاریخ همایش از چهارم و پنجم دی ماه به ۲۱ و ۲۲ دی ماه از حضار پوزش طلبید. ایشان در ادامه با اشاره تفضیلی به وظایف انجمن و کارهای انجام شده در آن به ارتقاء رتبه انجمن به کلاس B و اخذ مجوزهای مجلات علمی، پژوهشی و علمی و ترویجی در سال جاری و چاپ ۳ شماره از این مجلات اشاره کردند و افزودند علاوه بر آن به تناسب زمانی خبرنامه انجمن نیز حاوی اخبار و احوالات اعضا منتشر می شود. آقای دکتر هوئی به پیگیری ایجاد شعب و نمایندگی



اندک از فناوریهای نوین هم در طرح و هم در ساخت دانشتند و حاضران و مهندسان سازه کشور را به استفاده از نوآوریهای جدید در هندسه و مصالح سازه‌های کشور توصیه نمودند و اضافه کردند این موضوعات حتماً در برنامه‌های ترویجی انجمن قرار خواهد گرفت. وی در خصوص همایش به دریافت حدود ۳۵۰ مقاله از مولفان مختلف و در نهایت پذیرش حدود یکصد و چهل مقاله اعم از پوستری و شفاهی و چاپ آن در کتاب چکیده و لوح فشرده کل مقالات و تحویل آن به حضار اشاره کردند و گفتند در سال‌های بعد و احتمالاً در سال ۹۵ این همایش به شکل بین‌المللی و سال بعد ان‌شاءالله در پاییز و یا زمستان دومین همایش ملی برگزار خواهد شد.

آقای دکتر هوایی یکی از کارهای بزرگ دیگر انجمن را معرفی برخی سازه‌های برتر کشور عنوان کردند و اظهار داشتند در سال جاری براساس معیارهای انتخاب سازه برتر که از حدود ۸ ماه پیش روی سایت انجمن بود حدود پنجاه سازه به دبیرخانه علمی معرفی شدند که از بین آنها دوازده سازه با توجه به امتیازات مکتسبه حائزرتبه لازم برای معرفی در بخش سازه‌های برتر شدند که در پایان مراسم از آنها تقدیر خواهد شد. ایشان در پایان ضمن تشکر مجدد از همه حضار و مدعوین عزیز اعلام نمودند که غیر از ارائه‌دهندگان مقالات هیچ‌گونه وجهی از سایر مدعوین اخذ نشده و حضور در همایش رایگان بوده و انجام این کارها را براساس علاقه و خدمت به جامعه مهندسی سازه کشور دانستند و از همگان خواستند پیشنهادات خود را به دفتر انجمن ارسال نمایند.

در ادامه کلیپ مخصوص همایش پخش و یکی از مهندسان خلاق اهل بم دکلمه‌ای را درخصوص زلزله و مردم بم برای حضار قرائت کردند که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. سپس آقای مهندس سید محمد غرضی وزیر دولت‌های سابق و رئیس سابق سازمان نظام مهندسی کشور و پیشکسوت عرصه

مدرس و دکتر قدرتی امیری عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران نسبت به موضوعات موردنظر مطالب لازم را ارائه نمودند.

در روز دوم نیز در بخش مقالات تعداد ۲۹ مقاله شفاهی و در بخش سالن سخنرانی تخصصی نیز به ترتیب دکتر یحیایی عضو هیأت علمی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، دکتر نعمت حسنی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، مهندس جلال زاده رئیس انجمن مهندسی ارزش ایران، دکتر هوایی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر نسبت به موضوعات تخصصی مطالب خود را بیان داشتند.

آقای مهندس مظلوم دبیر کمیته اجرایی همایش در مراسم اختتامیه که عصر روز دوم برگزار شد گزارشی از روند کارهای انجام شده از مرحله فراخوان تا برگزاری را به اعضاء ارائه دادند و از همگان به ویژه رئیس انجمن مهندسی سازه ایران تشکر کردند سپس آقای دکتر هوایی رئیس انجمن مهندسی سازه ایران با تشکر از اعضای کمیته اجرایی و سایر همکاران و اعضای هیأت مدیره انجمن نسبت به کاستی‌های احتمالی موجود از حضار پوزش خواستند و درخصوص مطالب اظهار شده در دو روز برگزاری همایش مطالبی بیان داشتند.

مهندسی کشور مطالبی را پیرامون اخلاق مهندسی، تعهدکاری و نگرانی از مصرف انرژی در کشور بیان داشتند و از حاضران خواستند به عنوان یک مهندس کارشان را درست انجام دهند و فرهنگ مهندسی را در کشور نهادینه کنند.

پس از ایشان سردار دکتر جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور که از دیگر مدعوین مراسم بودند پیرامون سازه‌های امن مطالبی را عنوان داشتند. در ادامه آقایان دکتر تهرانی‌زاده و دکتر گلابچی از اساتید برجسته کشور به ترتیب در خصوص ویرایش جدید استاندارد ۲۸۰۰ ایران و نقش مهندسی سازه در ارتقای معماری نوین مطالبی را عنوان کردند که همگی مورد تشویق و استفاده حضار قرار گرفت. در پایان مراسم روز نخست از ۱۲ سازه برتر کشور تقدیر و لوح یادبود و تندیس یادبود آنان تقدیم شد.

پس از اقامه نماز و صرف ناهار حاضران در دوبخش، بخش نخست سالن‌های ارائه مقالات شفاهی و پوستری و بخش دوم سالن بزرگ سخنرانی تخصصی شرکت کردند که تعداد ۲۷ مقاله شفاهی در بخش مقالات ارائه شد و آقایان اساتید برجسته کشور به ترتیب دکتر ابوالفضل اسلامی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دکتر منوچهر شیبانی اصل مدرس دانشگاه، دکتر شکیب عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت



ساختمانی شبیه بدن ازدها

مجموعه خانه‌های مسکونی، تجاری، اداری واقع شده است، سیستم متروی اختصاصی دارد و به هیچ عنوان به حاشیه رودخانه آسیبی وارد نکرده است. این ساختمان تمام انرژی خود را از خورشید، باد و آب رودخانه دریافت می‌کند و از این رو یک ساختمان کاملاً مستقل است. کارشناسان اعتقاد دارند ساخته شدن این مجموعه می‌تواند سنت چین را تا هزاران سال حفظ کند.

منبع: باشگاه خبرنگاران

اولیه ساختمانی را رونمایی کردند که می‌تواند به یکی از نمادهای شهر شانگهای یا حتی کشور چین تبدیل شود. این ساختمان به نام «ازدها» شناخته می‌شود چراکه از روی همین موجود طراحی شده است. ازدها در فرهنگ چین جایگاه خاصی دارد و این ساختمان نیز دقیقاً برای زنده نگه داشتن سنت ساخته خواهد شد. این ساختمان بر روی رودخانه کشیده شده است و همانند بدن ازدها حالت مارپیچ دارد. از جمله نکات مهم در مورد این ساختمان می‌توان به این اشاره کرد که در این

یک گروه از طراحان چینی چندی پیش نمونه اولیه ساختمانی را رونمایی کردند که به نام «ازدها» شناخته می‌شود، چراکه از روی همین موجود طراحی شده است. آرشیوتکت‌ها همیشه یک آرزوی بزرگ دارند و آن هم رسیدن طرحی است که در ذهن همه باقی بماند. آن‌ها همیشه به دنبال راهی هستند تا ساختمانی را طراحی کنند که نماد یک شهر یا حتی نماد یک کشور پهناور باشد. یک گروه از طراحان چینی که تحت عنوان «سونیک» کار می‌کنند، چندی پیش نمونه





ساخت بلندترین آسمانخراش آفریقا در کشور مراکش



تغییر سبک و نگرش مردم به شاخه‌ی معماری، هر روز نمود بیشتری می‌یابد. اگرچه آفریقا تا حدودی از این قانون تبعیت نکرده، ولی به نظر می‌رسد در پی جبران این عقب ماندگی ساختاری است. این روزها اخباری مبنی بر ساخت بلندترین آسمانخراش این قاره در کشور مراکش به گوش می‌رسد.

بلندترین آسمانخراش که برج النور (Al Noor) نامیده می‌شود، ۵۴۰ متر ارتفاع داشته و از نظر نمای کلی، شبیه برج چشم سائورون ارباب حلقه‌ها خواهد بود. بعد از نهایی شدن مراحل اولیه، قرار است عملیات ساخت آن سال آینده آغاز شود.

دنيس والود (Dennis Valode)، از مؤسسه‌ی والود و پیستقه (Valode & Pistre)، مسئولیت طراحی و اجرای این پروژه را برای سازمان توسعه‌ی خاورمیانه برعهده گرفته است، شرکتی که در دویی تأسیس شده و ریاست آن اکنون برعهده‌ی "شیخ تارک محمد بن لادن" است.

این سازه که قرار است در شهر کازابلانکا بنا شود، به نوعی دروازه‌ی آفریقا است که رو به سوی اروپا گشوده شده و در عین حال نمادی از همبستگی تمامی اقوام و ملل این قاره به شمار می‌رود. شاید تنها نکته‌ی نسبتاً منفی این سازه، طراحی عجیب آن باشد. چرا که بی‌شک هر که به آن بنگرد ناخودآگاه به یاد سائورون، ارباب حلقه‌ها خواهد افتاد.

اگرچه هنوز توافقات نهایی صورت نگرفته، ولی برج النور در کازابلانکا، بزرگ‌ترین شهر کشور مراکش ساخته خواهد شد و با ارتفاعی قابل توجه، مرکز کارلتون با ۲۲۳ متر ارتفاع،

جای چشمی آتشین، الماسی درخشان در بالاترین نقطه‌ی آن قرار می‌گیرد.

البته اگر از دریچه‌ای دیگر به این آسمانخراش بنگریم، شاید بتوان گفت شکل کلی آن به یک قلم نیز شباهت دارد. والود در مورد نمای برج که تداعی کننده‌ی یک قلم است، اظهار داشته که این امر به شکلی نمادین به شیخ تارک بازمی‌گردد، چرا که او امپراتوری خود را بر این اساس شکل داده و چشم الماس گون آنها نیز نشانی از توجه و مشاهده‌ی آینده است.

بر اساس تخمین‌های صورت گرفته، هزینه‌ی ساخت این سازه یک میلیارد دلار برآورد می‌شود و قرار است عملیات ساخت، تابستان سال ۲۰۱۵ آغاز شده و کار احداث آن تا سال ۲۰۱۸ به طول بینجامد.

واقع در ژوهانسبورگ را که هم اکنون عنوان بلندترین آسمانخراش آفریقا را دارد، پشت سر خواهد گذاشت.

مختصات کلی این برج از کتاب مقدس مسلمانان، قرآن، الهام گرفته شده، از جمله آنکه این برج به نشانه‌ی ۱۱۴ سوره‌ی قرآن، ۱۱۴ طبقه دارد. نمای خارجی این سازه نیز به نوعی نماد و یادآور ۱۰۰۰ زبان رایج این قاره خواهد بود. این برج در مجموع شامل یک هتل هفت ستاره‌ی مجلل، مرکز تجاری، سالن کنفرانس، مرکز خرید، رستوران و فضاهای متنوع دیگر خواهد بود.

گروه "والود و پیستقه" که مسئولیت طراحی این سازه را برعهده دارند، تمام تلاش خود را برای ارائه‌ی یک کار چشم نواز و البته الهام بخش به کار برده است. البته تفاوت اصلی این برج با برج سائورون، در این نکته خلاصه می‌شود که به

عضو جدید:

پدیده رؤیای قرن

مدیرعامل: مهندس مجید کیانی

نشانی: تهران، خیابان وزراء، کوچه پنجم، پلاک ۲۴

صندوق پستی: ۸۴۹۹-۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۸۷۰۵۳۹۱-۸۸۷۰۵۳۲۵

فکس: ۸۸۷۰۵۸۱۰

ایمیل: info@prgco.ir

وبسایت: www.prgco.ir

تغییرات

جهان پارس

مدیرعامل: مهندس نادر عطائی

بردینگ

مدیرعامل: مهندس بهروز عباسی

کارآیین

مدیرعامل: مهندس مهدی سپیدنامه

امین سیستم

ارائه‌دهنده نرم‌افزار حسابداری، انبارداری، حقوق و دستمزد، پرسنلی، اموال، خزانه‌داری و... با زبان نیرومند visual c++ در محیط ویندوز، به صورت تک کاربره و شبکه دارای قفل سخت‌افزاری نصب و سه جلسه آموزش رایگان در محل با بیش از ده سال سابقه در امر فروش نرم‌افزارهای مالی و مالیاتی در شرکت‌های ساختمانی، راه‌سازی، فنی و مهندسی، پیمانکاری، تولیدی و بازرگانی

خیابان گاندی جنوبی، نبش پالیزوانی یا هفتم

پلاک ۲۳ واحد ۲ (امین سیستم)

تلفن: ۸۸۴۸۰۸۰۹ - ۸۸۱۰۷۶۳۵